گنج شایگان

عبدالحميد اشراق خاوری

نسخه اصل فارسی



## کتاب

اسم: گنج شایگان

مولف: عبدالحمید اشراق خاوری

ناشر: موسسه ملی مطبوعات امری

تاریخ نشر: ١٢٤ بدیع

! آغاز کتاب

ص ١

## گنج شایگان

تاءلیف

### عبد الحمید اشراق خاوری

ص ٢

مؤسسةٴ ملی مطبوعات امری

ص ٣

مقدّمه

منطور اصلی از این مقاله ذکر الواح مهمه جمال

قدم و شرح نزول و سال نزول هریک و خلاصه ای از مندرجات

آنهاست گرچه آثار حق متیع مانند ذات بیهمالش محدود و

متناهی نیست و احصأ آثار نازله از قلم ابهی از حدود

امکان خارج است لاکن مقصود نگارنده الواح مهمه الهیهٴ

است که حضرت ولی امرالله در ترجمه بعضی از آنها

از اصل به انگلیسی اهتمام فرموده اند و یا در توقیعات

انگلیسی نام آن را ذکر فرموده اند. قبل از شروع به

نگارش اصل موضوع بعنوان مقدمه به عرض میرساند که

سرعت نزول آیات الهیه از لسان اطهر و کثرت آیات

منزله در نفس الواح الهیه مذکور و تصور آن از حد امکان

بیرون است. حضرت ولی امرلله در گاد پاسزبای

در فصل وقایع ادرنه در این خصوص بیانی باین مضمون

میفرمایند:

"یکی از طائفین حول و اصحاب که خودش حاضر

و ناظر بوده نوشته است که آیات الهیه مانند باران شدیدی

نازل میشد بطوری که نگارش آن در حین نزول ممکن نبود

ص ٤

در هنگام نزول آیات میرزا آقاجان آیات را مینوشت و

حضرت غصن اعظم مرتبا به استنساخ و تسوید آیات

مشغول بودند نبیل در تاریخ خویش نوشته است که :

با آنکه عده کثیری شب و روز مشغول تحریر و تسوید آیات

بودند ولی چنانچه باید و شاید از عهده بر نمیآمدند

میرزا باقر شیرازی هر روز معادل دو هزار بیت مینوشت

و شش هفت ماه باین کار مشغول بود هر ماه چند مجلد

از آثار مبارکه که نوشته بود به ایران میفرستادند و قریب

بیست جلد از الواح و آثار که با خط خوبی نوشته بود

برای میرزا آقا جان بیادگار گذاشت."

جمالقدم در این خصوص در لوحی میفرمایند:

قوله تعالی . "بشاءنی از غمام فضل امریه و سحاب فیض

احدیه هاطل که در یک ساعت معادل الف بیت نازل ."

و نیز میفرمایند:

"الیوم فضلی ظاهر شده که در یک یوم و لیل اگر کلتب از

عهده برآید معادل بیان فارسی از سماء قدس ربانی

نازل میشود...این ایام...معادل جمیع کتب قبل

و بعد از قلم اعلی امام و جوه نازل ."

و در لوح دیگری راجع به کثرت نزول آیات در ادرنه

میفرمایند:

ص ٥

"آنچه در این ارض موجود کتاّب از تحریرش عاجز

مانده اند چنانچه اکثری بی سواد مانده ."١(ص ١٧١)

و در گاد پاسزبای در فصل وقایع عکا بیانی باین مضمون

میفرمایند:

"الواح و آثار منیعه حضرت بهاءالله که عددش به صد

مجلد بالغ..."(ص٢٢٠)

و در گادپاسزبای در فصل وقایع بغداد میفرمایند:

"نبیل زرندی که در آن ایام بنفسه ناضر وقایع بوده مینویسد

که وقتی مراجعت فرمودند در دو سال اول در هر شبانه

روز معادل تمام قرآن از قلم مبارک ایات نازل میشد که اکثر

سوادی از آن نمیگرفتند و آنچه که به خط هیکل مبارک بود

یا در هنگام نزول امر به کتابت آن میفرمودند از جهت

عظمت و قدرت و جامعیت خارج از حد تصور بود و قسمت

اعظم آن آثار مقدسه از بین رفت."

و نیز نبیل از میرزا آقاجان کاتب وحی نقل میکند که

میگفت :

"صدها هزار بیت از آیات مبارکه که اغلب آنها بخط خود

هیکل مبارک بود حسب‌الامر مبارک همه را در شط بغداد

ریختیم و محو نمودیم میرزا آقاجان گفته که پس از صدور

امر مبارک بریختن آثار در شط من اندکی تاءمل داشتم

ص ٦

هیکل مبارک فرمودند همه اینها را بریز در شط زیرا کسی

دارای سمعی که قابل اصغاء این الحان الهیه باشد

موجود نیست ریختن کتب و آثار مبارکه در شط منحصر

بیک دفعه نبود بلکه بامر مبارک چند دفعه تکرار شد."

آقا محمد کریم شیرازی نیز که در حین نزول آیات مشرف

بود اظهار کرده است که نزول ایات از لحاظ سرعت

و فصاحت و انسجام کلام بی نظیر و شبیه بود و به مراتب

از آثار مبارکه حضرت رب اعلی اجل و اعلی بود من

خودم در هنگام نزول آیات مشرّف بودم همین سرعت

نزول آیات منفسه در اثبات عظمت و حقانیت هیکل مبارک

برای اهل عالم کافی است و احتیاجی به برهان دیگر

نخواهد بود. (ص ١٣٨ انگلیسی)

باری نصوص مبارکه در این خصوص بسیار است.

پس از این مقدمه به اصل موضوع میپردازیم و الواح و آثاری

را که از طهران تا عکا از لسان و قلم مبارک جاری و نازل

گردیده مورد بحث قرار میدهیم. بحول الله و قوّته.

طهران - اشراق خاوری

١٢٤ بدیع

ص ٧

آثار نازله در طهران

حضرت ولی امرالله در کتاب گادپاسزبای

در ضمن وقایع بغداد بیانی باین مضمون میفرمایند:

"...قصیده رشح عما که در طهران از لسان مبارک

جاری شده نخستین اثر کلک اطهر الهی است..."

(ص ١٢١ انگلیسی)

این قصیده در بین احباب معروف و مشهور است و نزول

آن به سال ١٢٦٩ ه.ق در سیاه چال طهران بوده

است.

الواح نازله در بغداد ((مدینهة‌الله ّ))

قبل از هجرت بسلیمانیةّ

جمالقدم جل جلاله پس از ورود به بغداد و قبل

از عزیمت به سلیمانیه آثار مبارکه ای از قلم اطهرشان

تراوش کرده است که از آن جمله لوح مبارک کل الطعام

است که در سال ١٢٧٠ ه.ق در بغداد نازل شده

ص ٨

است. بشرح ذیل:

لوح کل الطعام

این لوح مبارک در تفسیر آیه قرآن "کل الطعام

کان حِلّاًلبنی اسرائیل" در بغداد قبل از ایام رضوان

و اظهار امر از قلم جمالقدم نازل شده. حضرت ولی

امرالله در گاد پاسزبای (ص ١١٦) بیانی باین مضمون

میفرمایند:

"لوح کل الطعام بدرخواست حاجی میرزا کمال الدین

نراقی که از بابیان اصیل و شریف و از خانواده نجیب بود

در ان اوقات از قلم مبارک نازل شد. مشار الیه اول از

میرزا یحیی ازل معنی آیه کل الطعام را سؤال کرد یحیی

تفسیری بان آیه نوشت و مطالبی بهم بافت و برای حاجی

کمال فرستاد جون حاجی کمال نوشتجات ازل را مطالعه

کرد انرا بی‌اندازه سست و بی مغز مشاهده نمود بطوری

که اعتماد و توجهش به کلی از ازل سلب شد آنگاه به

حضور بهأالله شتافت و تقاضای خود را از آن بزرگوار

تجدید کرد. لوح کل الطهام در جواب او نازل شد."

نزول این لوح قبل از هجرت هیکل مبارک به

سلیمانیه در سال ١٢٧٠ ه . ق مطابق ١٨٥٤ میلادی

ص ٩

در بغداد بوده است.

این لوح بعربی نازل شده و بسیار مفصل است

و در آن شرحی مبسوط از مصائب و بلایای وارده بر

هیکل مبارک و عناد و فساد معاندین و مفسدین مذکور

گردیده و در همین لوح است که حضرت قدوس را بلقب

نقطة‌الاخری ذکر فرموده‌اند و آیه قرآن را به چندین

وجه تفسیر فرموده اند. از جمله اسرائیل را به نقطه

اولی و طعام را به علم الهی تاٌویل نموده‌اند و معانی

دیگر نیز برای آن در همین لوح مبارک بیان شده است.

حاجی کمال نواده ملا مهدی نراقی از علمای دوره فتحعلی

شاه قاجار است و کتابی در شهادت شهدای کربلا دارد

بنام "محرق القلوب" که در قلعه ماکو سید حسین کاتب

به امر حضرت اعلی برای آن حضرت به صدائی بلند

میخواند و شرح آن در تاریخ نبیل مسطور است.

حاجی کمال الواح بسیار به اعزازش نازل شده و در سال

١٢٩٨ ه . ق در نراق وفات یافت و قبرش در آنجا

است. در روز خروج جمالقدم از بیت مبارک و عزیمت

به باغ رضوان که همه اهل حرم و اصحاب گریان بودند

حاجی کمال طفل کوچک خود را در جلو درب بیت به

اقدام مبارک انداخت و طفل با دست کوچک خود

ص ١٠

دامان مبارک را گرفت به این امید که از عزیمت صرفنظر

فرمایند نام این طفل علی بود و در لوح رضوان این

مطلب از لسان رحمن نازل شده. قوله تعالی:

"...الی ان بلغ قرب سر الحجاب اذا شهد قدام

رجله طفلا رضیعا انقطع عن ثد ی امه اخذ ذیل الله

بانامل الرجا ودعاٌ بنداٌ ضعیف ..."الخ

پسر خواجه کمال ( حاجی کمال ) در سن قریب

شصت سالگی در سینقان کاشان در سال ١٣٣٧ ه .

ق به شهادت رسید و در بین مردم به معاون التّجار

معروف بود.

آثار و الواح نازله در سلیمانّیه

یکی از آسار مهمه نازله در سلیمانیه قصیده معروف

به عّز ورقائیه است.

قصیده عز ورقائیه

----------------

این قصیده در سلیمانیه از لسان مبارک نازل شده.

حضرت ولی امراللهِ در گاد پاسزبای در فصل وقایع

ص ١١

سلیمانیه بیانی به این مضمون در باره این قصیده فرموده‌اند

(ص ُ١٢٣ انگلیسی)

"چون علمای کردستان بعظمت مقام علمی و احاطه

معنویه جمال قدم پی بردند در صدد برآمدند که از آن

منبع فیوضات الهیه استفاده کنند وبه حضور مبارک عرض

کردند که تا کنون هیچ کس نتوانسته بر منوال قصیده

تائیه کبری ابن فارض منظومه‌ای‌انشأ نماید از محضر

مبارک رجا داریم که همان وزن و قافیه تائیهٴ کبری قصیده‌ای

در حقایق روحانیه انشأ فرمایند جمالقدم قبول فرمودند

و منظومه‌ای بالغ بر دو هزار بیت انشأ نمودند و از آن

میان یک صد و بیست و هفت بیت را انتخاب نمودند

و بعلمأ عنایت فرمودند و بقیه ابیات را که مفادش از -

استعداد و حیطه فهم و ادراک آنان بیرون بود بآنان

مرحمت نکردند و همین ١٢٧ بیت است که قصیده عّز

ورقائیه را تشکیل میدهد و در بین احبأمعروفست

علمای کردستان پس از تلاوت آن قصیده معروف ابن فارض

ترجیح و تفضیل دارد و معانی آن در قلوب وارواح اثری

شدید ایجاد میکند..." انتهی

نزول قصیده عز ورقائیه در جریان دو سال هجرت مبارک

ص ١٢

از بغداد به سلیمانیه (١٢٧١ - ١٢٧٠ ه . ق مطابق

١٨٥٣ میلادی) بوده است.

واز جمله آثار نازله در سلیمانیه قصیده معروفه‌ای

است که مطلعش اینست:

ساقی از غیب بقا برقع برافکن از عذار

تا بنوشم خمر باقی از جمال ذوالجلال

آنچه در خم خانه داری نشکند صفرای عشق

زان شراب معنوی ساقی همی بحری بیار

الی قوله تعالی:

گر خیال جان همی هستت بدل اینجا میا

ور نثار جان و سر داری بیاو هم بیار

رسم ره اینست گر وصل بهأ داری طلب

ور نباشی مرد این ره دور شو زحمت میار

نزول این اثر مبارک بسال ١٢٧١ - ١٢٧٠ ه . ق بوده

است. آثار صادره در سایمانیه از قبیل اوراد و اذکار

و ادعیه بسیار بوده و متأسفانه از بین رفته است. حضرت

ولی امرالله در ص ١٢١ گاد پاسز بای بیانی باین

مضمون فرموده‌اند مه آثار مبارکه و اوراد و اذکار که

مع الاسف بر اثر حوادث و وقایع بیشتر آنها از دست رفته

در ایام هجرت و عزلت جمالقدم صادر شده بضمیمه لوح

ص ١٣

کل الطعام و قصیده رشح عمأ که در طهران نازل شده

از نخستین آثار باهره صادره از لسان اطهر است..."

الواح نازله در بغداد

بعد از مراجعت از سلیمانیه

حضرت ولی امرالله در ص ١٤١ - ١٣٨ گاد پاسز بای

انگلیسی اسامی الواح مهمه جمالقدم را که در بغداد بعد

از مراجعت از سلیمانیه نازل شده ذکر فرموده‌اند و اینک

به ترتیب یکایک آن الواح مبارکه را ذکر میکنیم:

١- کتاب ایقان

--------------

حضرت ولی امرالله در گاد پاسز بای ص ١٣٨ انگلیسی

در باره نزول کتاب ایقان بیانی مفصل فرموده‌اند که

خلاصه و مجمل مضمون آن بفارسی چنین است.

"از جمله آثار مهمه حضرت بهأالله کتاب ایقان

است که در بغداد بسال ١٢٧٨ هجری قمری برابر با

١٨٦٢ میلادی در جواب سؤالات میرسید محمد خال

نازل شده و وعده‌ای را که حضرت اعلی در باره تکمیل

ص ١٤

بیان در ظهور موعود فرموده بودند با نزول ایقان محقق

یافت و در طی دو شبانه روز از قلم مبارک صادر گردید

میرسید محمد خال در آن وقت هنوز به امر مبارک مؤمن

نبود و با برادر خود میرزا حسنعلی و فرزندان برای

زیارت عتبات وارد بغداد شد کتاب ایقان از حیث حسن

انشأ و روش بدیع و قدرت استدلال بی نظیر است و

در امر بهائی بعد از کتاب اقدس از بزرگترین آثار

صادره قلم اعلی است اسرار و رموز کتابهای آسمانی قبل

در ایقان مکشوف و تشریح سده با نزول ایقان که بفاصله

قلیلی از اظهار امر مبارک در باغ رضوان صادر شده

بشارت دانیال در باره برداشته شدن ختم از کتاب

آشکار گردید. در کتاب ایقان در ضمن دویست صفحه

وحدانیت الهیه و وحدت مظاهر مقدسه وشرایع الهیه

و عدم انقطاع فیض الهی و حقانیت کتب آسمانی را تشریح

و تبیین فرموده‌اند و نیز درباره علمای ادیان که سبب

گمراهی مردم در هر زمان بوده‌اند شرحی مفصل بیان

کرده‌اند اثرار و معانی خفیه بیانات وارده در انجیل

و قرآن مجید و علامات ظهور و قیامت و حقایق احادیث

اسلامیه را مشروحاً بیان فرموده‌اند شرایط سلوک و حقانیت

امر حضرت اعلی و انقطاع و جانفشانی پیروان امرالله

ص ١٥

و غلبه ونصرت کلمة الله را از قلم مبارک تشریح نموده‌اند

در باره مقام حضرت مریم و بزرگواری ائمه اطهار و عظمت

مقام حضرت سیدالشهدأ و شهادت آن حضرت شرحی

مفصل ذکر کرده‌اند مسائل مهمه رجعت و قیامت و خاتمیت

و روز جزا و دینونت را بیان فرموده‌اند و خلاصه مطلب

آنکه باید گفت کتاب ایقان از حیث حل مشکلات و کشف

رموز و اسرار کتب آسمانی و تشریح حقایق عالیه مستوره

از افهام عموم و سایر جهات در بین سایر آثار مبارکه

مقامی بسیار شامخ و عظیم را داراست..."

کتاب ایقان در آغاز برساله خال معروف بود بعدا

هیکل مبارک در آثار مبارکه آنرا به کتاب ایقان تسمیه

فرمودند سئوالات خال از محضر مبارک عبارت بود از علائم

ظهور و خاتمّیت حضرت رسول و قیامت و مسئله سلطنت

موعوده در باره حضرت موعود و احیأ اموات در یوم ظهور

موعود و بعث و حشر در قیامت و رجعت ائمه اطهار در

یوم ظهور قائم و ابدیت شریعت اسلام و اعراض علمأ و

پیشوایان دین و بالاخره دلائل و براهینی که مثبت

حقانیت ظهور جدید است و در کتاب ایقان همه این

مسائل و مطالب مهمه دیگر نیز تشریح و تبیین شده

است کتاب ایقان را هیکل مبارک حضرت ولی امرالله به

ص ١٦

انگلیسی ترجمه فرموده‌اند.

٢- کلمات مکنونه (فارسی و عربی)

------------------------------

حضرت ولی امرالله در گاد پاسز بای ص ١٤٠ انگلیسی

ذر باره کلمات مکنونه بیانی باین مضمون میفرمایند:

"...پس از کتاب ایقان که گنجینه حقایق و اسرار

است کلمات مبارکه مکنونه مانند جواهر تابناک را باید

اسم برد این گوهرهای شاداب که در علم الهی مخزون

بود در سال ١٢٧٤ ه . ق در بغداد از لسان اطهر

نازل شد حضرت بهأالله در کنار دجله مشی میفرمودند

و جواهر زواهر از لسان مبارک به فارسی و عربی نازل میشد

این رساله مقدسه در ابتدا به صحیفه فاطمیه معروف بود

صحیفه فاطمیه را بر حسب احادیث اسلامی جبرئیل

از طرف خدا برای فاطمه زهرا آورد و حضرت علی ع

آنرا نوشتند فاطمه زهرا پس از رحلت پدر بزرگوارش برای

رفع غم و اندوه آن صحیفه مبارکه را تلاوت میفرمودند.

مقام عظیم کلمات مبارکه مکنونه که از قلم حضرت

بهأالله جاری شده از نخستین آیه نازله آن رساله

مقدسه بخوبی آشکار میشود که فرموده:

"هذا مانزّل من جبروتالعزة بلسان القدرة و القوة‌علی

ص ١٧

النبیین من قبیل وانّا اخذنا جواهره و اقمصناه قمیص

الاختصار فضلا علی الاحبار لیوفوا بعهدالله ویؤدوااماناته

فی انفسهم و لیکونن بجوهر التقی فی ارض الروح من

الفائزین."

این دو مجموعه گرانبها مه ناسخ آثار گذشتگان

است و در بین آثار متعالیه شارع مقدس این دور عظیم

مجموعه نخستین از نظر بیان حقایق الهیه و مجموعه ثانی

از نظر دستورات اخلاقی دارای مقامی عظیم و بلند است.

٣- هفت وادی

-----------

حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای بیانی باین مضمون

میفرمایند (ص ١٤٠):

"رساله هفت وادی که شارع مراتب سلوک سالکین و از آثار

مهمه حاوی اسرار الهیه است در همان اوقات (اوقات

توقف مبارک در بغداد) در جواب سئوال شیخ محیی

الدین قاضی خانقین از قلم جمال قدم نازل گردید در این

رساله مراتب هفتگانه‌ای را که باید سالک سبیل عرفان

طی نماید تابسر منزل مقصود برسد تشریح و بیان شده

است." انتهی

اسامی هفت وادی یا مراتب سبعه سلوک که در رسالهٴ

ص ١٨

مبارکه ذکر شده بقرار ذیل است:

اول - وادی طلب دوم - وادی عشق سوم - وادی

معرفت چهارم - وادی توحید پنجم - وادی استغنا

ششم - وادی حیرت هفتم - وادی فقر و فنا.

در این لوح مبارک شرح این مرانب سبعه را به تفضیل

بیان فرموده‌اند.

٤- چهار وادی

------------

حضرت ولی امرلله در گادپاسزبای فرموده‌اند بیانی باین

مضمون (ص ١٤٠):

"مجموعه دیگر رساله چهار وادی است که به اعزاز دانشمند

و عالم معروف شیخ عبدالرحمن کرکوکی نازل شده است."

نزول این لوح مبارک در بغداد بوده‌است و اسامی چهار

وادی یا مراتب اربعه مندرجه در این رساله بقرار ذیل

است:

اول - مقام نفس، دوم - مقام عقل، سوم - مقام عشق،

چهارم - عرش فوأد، و شرح هر مقام به تفصیل در نفس

لوح مذکور است.

ص ١٩

٥- لوح ملاح القدس

-----------------

این لوح که از اهم آثار مبارکه است و شامل انذارات شدیده

و اخبار از وقوعات عظیمه میباشد در روز پنجم نوروز سال

١٨٦٣ م. برابر ١٢٧٩ ه . ق در مزرعه وشاش نازل

شده حضرت ولی امرلله در لوح قرن احبای امریک به

تفصیل آن واقعه را ذکر فرموده‌اند و خلاصه مضمون بیان

مبارک بفارسی اینست:

"...ازح ملاح القدس در روز پنجم عید نوروز سال

١٨٦٣ م.- ١٢٧٩ ه . ق در مزرعه وشاش از قلم

مبارک نازل شده و امر فرمودند برای اصحاب تلاوت شود

احباب از استماع مندرجات آن لوح که اخبار از مصائب

و بلیات جدیده بود بسیار مضطرب شدند و در وشاش

نماینده نامق پاشا حکم بعداد بحضور مبارک رسید و نامه

حاکم را تقدیم کرد مضمون نامه درخواست ملاقات جمالقدم

با حاکم بغداد بود... نبیل میگوید چون لوح ملاح

القدس برای احباب بصدای بلند تلاوت شد همه در

دریای غم و اندوه غرق شدند و دانستند که عنقریب بلایای

تازه ظاهر خواهد شد..." انتهی

نبیل زرندی در ضمن وقایع سفر هیکل مبارک به

ص ٢٠

اسلامبول به فرمان عبدالعزیز شرحی درباره این لوح

نوشته و این جمله عین عبارت‌اوست قوله:

"... در یوم پنجم فروردین که مطابق پنجم شوال بود

(نامق پاشا والی بغداد)مأموری فرستاده حضورشان

(جمالمبارک) را در سرایه حکومتی طلبید و در آنروز

هنوز جمال ابهی در مزرعه وشاش خیمه نوروزی افراشته

داشته با منتسبین و مقربین ایام بسر میبردند و لوح

ملاح القدس با اشارات لطیفه به قرب زمان انطوای

بساط بغداد و هجرت عراق صدور یافته و موجب تأثر

شدید سامعین گردید و امر به جمع خیام عز و عوات به

شهر گردید و سوار مأمور در آن حین به محضر ابهی

رسید ابلاغ پیام والی کرد..." انتهی

٦- لوح حوریّه

-------------

در صفحه ١٤٠ گادپاسزبای حضرت ولی امرالله نام این

لوح را ذکر فرموده‌اند و میفرمایند که در این لوح بوقایع

مهمه‌ای که در مستقبل ایام باید واقع شود اشاره فرموده‌اند

آغاز این لوح مبارک‌اینست. قوله تعالی :

" بسم الله الاقدس الاعلی سبحانک اللهم یا الهی اذکرک

ص ٢١

حینئذ حین الذی استشرقت شمس الوهیتک عن افق سمأ

سینا لاهوت احدیتک..." لوح بسیار مفصل است و اشاره

به وقایع مهمه‌ای است که میبایست در امرالله تحقق یابد.

٧- تفسیر حروف مقطعه

-------------------

حضرت ولی امرالله در گادپاسزبای به این لوح

اشاره فرموده‌اند که: (ص ١٤٠)

"تفسیر حروف مقطعه فرقان و تشریح حرف واو که شیخ

احمد احسائی به آن اشاره کرده و تبیین برخی از آثار

سید کاظم رشتی " اثر دیگری از آثار مبارکه جمالقدم است

این اوح خیلی مفصل است و در جواب سؤالات میرزا آقای

رکاب ساز شیرازی نازل شده و در همین لوح معانی مستوره

الم قرآن و نیز تفسیر آیه نور نازل در قرآن مشروحاً نازل

گردیده است و نیز در همین لوح اساره به اکسیر و حجر

معروف فرموده‌اند و بسیاری از اسرار و رموز الهیه در این

لوح مبارک مندرج است. میرزا آقا رکاب ساز شیرازی با

چند نفر دیگر از احبای شیراز به فتوای علمای شیعه شیراز

بشهادت رسیدند حضرت ولی امرالله در گادپاسزبای

در ضمن اشاره به شهدای امر نام میرزا آقا را هم ذکر

ص ٢٢

فرموده‌اند:

"... در شیراز میرزا آقا رکاب ساز و میرزا رفیع و

مشهدی نبی را شبانه به امر و فتوای مجتهد محل خفه

کردند و عامه مردم بر قبر آنان هجوم کرده آنهارا با زباله

و کثافات آغشته ساختند." انتهی

مجتهد شیراز که به فتوای او شهدای مزبور

به قتل رسیدند موسوم به شیخ حسین ناظم بود که بعداً

معروف به شیخ حسین ظالم گردید و به همین نام در

تاریخ ذکر شده است.

٨ - لوح مدینة‌التوحید

--------------------

قوله تعالی:

"هذه مدینة‌التوحید فادخلوا فیها یاملأالموحدین

اتکونوا ببشارات‌الله لمن المستبشرین هوالعزیزالوحید

العالی العلی الفرید تلک آیات الکتاب فصلت آیاته

بدعیا غیر ذی عوج ..."

این لوح مبارک خطاب به شیخ سلمان هندیجانی حامل

الواح مبارکه و مدفون در شیراز نازل شده و شرح حالش

در کتاب محاضرات به تفصیل با الواحش نوشته شده

ص ٢٣

است.

در این اوح معنی حقیقی توحید و عرفان را که جز بوسیله

عرفان مظاهر الهیه ممکن نشود به تفصیل ذکر فرموده‌اند

و میفرمایند:

"... وانک انت یا سلمان فاشهد فی نفسک و روحک و

لسانک ..." الخ

چون سلمان از توحید سئوال کرده بود این

لوح مبارک نازل شده و میفرمایند:

"و اما ما سئلت فی آیة التوحید و کلمة التجرید فاعلم .."

و شرحی مفصل در باره توحید ذات و صفات و افعال

میفرمایند. این لوح در بغداد نازل شده زیرا بعد از

ذکر سنه ستین و ظهور حضرت اعلی جل ذکره میفرمایند:

"فاستمع یوم ینادی المتاد فی قطب البقأ و تغّن حمامة

الحجاز فی شطرالعراق و یدعوا الکل الی الوثاق و فیه

یفتح ابواب الفردوس علی وجه الخلایق اجمعین و هذا

یوم لن یعّقبه ظلمة‌اللیل و کانت الشمس یستضئی منه

لانه استنار من انوار وجه منیر فوالله حینئذ نبسط بساط

قدس بدیع من لدی الله المقتدر العزیز المنیع ..."

و بر همین قیاس تا آخر لوح مبارک در وصف ظهور مبارک

است و این لوح را در مائده آسمانی نگاشته و نقل

ص ٢٤

کرده‌ام مراجعه فرمایند.

٩ - صحیفه شطیّه

---------------

حضرت ولی امرلله در گادپاسزبای در ضمن شرح

الواح نازله در بغداد فقط اسم صحیفه شطیه را ذکر

فرموده‌اند و شرحی در باره آن نفرموده‌اند (ص ١٤١ انگلیسی)

این صحیفه بسیار مفصل است و در آن عظمت امرالله و

جریان سریع شریعت الله و رفع هر گونه مانع و رادعی که

مانع پیشرفت امر بخواهد بشود به شط جاری در بغداد

تشبیه شده. میفرمایند همانطور که هیچ مانعی هر چه

بزرگ هم باشد نمیتواند سرعت جریان شط را مانع شود

امر الهی هم همین طور است که بر هر مانعی غالب خواهد

شد و...

از جمله بیان مبارک در این لوح اینست قوله تعالی :

"...نظر نما به جریان این شط که مشهود است در حین

طغیان و ازدیاد حرکت میکند و جاری است آنچه میکند

در اقتدار خود ثابت است آنچه از اطراف از نفوس

ضعیفه فریاد کنند کد سد معظم خرق شد و یا سد فلان

محل باطل گشت یا فلان بیت خراب شد و فلان قصر

ص ٢٥

منهدم گشت هیچ اعتنا ندارد و در کمال قهر و غلبه و

قدرت و سلطنت سایر وساری است... الخ

١٠ - مصیبت حروفات عالیّن

------------------------

حضرت ولی امرالله در لوح قرن احبای امریکا نام

این لوح را ذکر فرموده‌اند. این لوح در بغداد نازل

شده در آغاز این لوح میفرمایند قوله تعالی:

" این جزوه در مصیبت حروفات عالین نوشیه شده ولکن

این ایام به نفسی تخصیص یافت بعد جمعی طالب

شرح و تفسیر شدند که به لسان فارسی نوشته شود لهذا

مرقوم گشت و از جواهر کلمات ظاهر و هویدا گشت ولکن

چون ترجمه کلمه بکلمه مطابق فطرت اصلیه ملاحتی

نداشت آنچه به قلم جاری شد مسطور آمد..." انتهی

این لوح بسیار مفصل است و حاوی نکات دقیقه

لطیفه است و اینکه فرموده‌اند " ... این ایام بنفس

تخصیص یافت." مقصود میرزا محمد وزیر پسر عمه

جمالقدم است که در مازندران صعود کرد و جمالقدم

این لوح را به عنوان تسلیت برای همشیره و زوجه میرزا

محمد وزیر ارسال فرمودند و در نفس لوح هم تصریح

ص ٢٦

فرموده‌اند بقوله تعالی :

" ولکن اختصصها فی هذه الازمان للطلعتین و سمیت

اولا هما باسم‌التی اختصصها وجعلتها ام الخلائق

اجمعین (حوأ) والاخری باسم التی اصطفیتها علی

نسأالعالمین (مریم)..." انتهی

این لوح چنانچه ذکر شد پس از صعود میرزا محمد

وزیر برای تسلیت مریم و حوا به طهران ارسال گردید

و در نفس لوح نیز تصریح فرموده‌اند میرزا محمد وزیر

پدرش میرزا کریم نمد ساب ومادرش ملک نساء خانم

نام داشت میرزا محمد وزیر پسر عمه جمالقدم است و با

حرم ثانی جمالقدم فاطمه خانم (مهد علیا) که دختر

عمه جمالقدم بوده است برادر است قبر میرزا محمد وزیر

در قریه فیول در ایوان امامزاده آنجاست اما مریم که

در لوح مبارک اسمش را ذکر فرموده‌اند خواهر میرزا

محمد وزیر و دختر عمه جمالقدم و همشیره حرم ثانی

جمالقدم فاطمه خانم است. مشارالیها بسیار مؤمن

و مورد عنایت بوده و الواح بسیار از جمله لوح معروف

به لوح مریم که حضرت ولی امرالله در گادپاسزبای

از آن نقل فرموده‌اند به اعزاز مشارالیهاست جمالقدم

به او لقب ورقة‌الحمرأ داده‌اند و پش از صعودش

ص ٢٧

زیارتنامه مفصلی در باره‌اش نازل شد مریم زوجه برادر

جمالقدم حاجی میرزا رضا قلی حکیم بود و مقامات

معنویه او بسیار است زهرا ملقبه به ثمره دختر همین

مرم است قبر مریم در حضرت عبدالعظیم در مقبره

ناصرالدین شاه است اشعاری نیز از او در دست است

که در فراق جمال مبارک سروده است اما حوا که در لوح

حروفات عالین مذکور شده بنت اخت جمالمبارک است

پدر حوا میرزا محمد و مادرش طلان خانم همشیره امی

جمالقدم است حوا زوجه میرزا محمد وزیر بوده نام

شوهرش میرزا محمد و نام پدرش هم میرزا محمد بوده

جمالمبارک به حوا خانم عنایت بسیار داشتند و او را شاه

باجی خطاب میفرمودند قبر حوا در جوار مرقد پدر

و مادرش در تکیه تاکر نور واقع است.

(آنچه در قسمت میرزا محمد و مریم و حوا ذکر

شد از کتاب اقلیم نور تألیف جناب ملک خسروس استفاده

گردیده است.)

١١ - جواهر الاسرار

-----------------

حضرت ولی امرالله در گادپاسزبای صقحه ١٤١

ص ٢٨

فقط نام این لوح را ذکر فرموده‌اند این لوح مبارک در

بغداد قبل از اظهار امر در باغ رضوان و بعد از

مراجعت از سلیمانیه کردستان در جواب سئوالات حاجی

سید محمد مجتهد اصفهانی ساکن نجف از قلم جمالقدم

نازل شده است نزول این لوح مبارک قبل از نزول کتاب

مبارک ایقان بوده است در ایقان شریف میفرنایند قوله

تعالی :

"... در اسفار ثلاثه دیگر که منسوب بلوقا ومرقس

و یوحنا است همین عبارات مذکور است و چون در الواح

عربیه به تفصیل مذکور شد دیگر در این اوراق متعرض

ذکر آنها نشدیم..." انتهی

مقصود از الواه عربیه که فرموده‌اند همین لوح مبارک

جواهر الاسرار است که عبارات اناجیل اربعه را در آن

ذکر فرموده‌اند و چون نزول ایقان مبارک درسال

١٢٧٨ ه . ق بوده جواهرالاسرار قبل از آن سال

نازل شده است.

حاجی سید محمد اصفهانی از شاگردان طراز اول مرحوم

شیخ مرتضی انصاری مجتهد وحید عالم تشییع بود که

در سامرا سکونت داشت و در محضر درس او هزاران

طلاب علوم دینیه حاضر میشدند و جمالقدم نام او را

ص ٢٩

در لوح سلطان ایران ناصرالدین شاه قاجار ذکر

فرموده‌اند حاجی سید محمد پس از اخذ اجازه اجتهاد

از استاد از سامرا به بغداد آمد و در منزل دو برادر

تاجر اصفهانی بنام حاجی جعفر و حاجی خلیل منزل

نمود و مردم ددسته دسته به دیدن او میرفتند مشارالیا

قصد آن داشت که به ایران و اصفهان برود و بساط

ریاست شرعیه بگستراند در بغداد شنید که بابی ها

عده زیادی هستند برای کسب شهرت بیشتر خواست با

آنان مذاکره کند و بر آنان غالب گردد شبی را به محض

جمال قدم در بیت مبارک مشرف شد و پس از مذاکرات

لازمه امرالله را تصدیق نمود و شب از نیمه گذشته بود که

به منزل دو برادر تاجر برگشت آنان علت تأخیر را جویا

شدند سید محمد با کمال شجاعت حقیقت مطلب را با

آنان در میان نهاد آن دو براذر متعصب خشمناک

شدند و سید مجتهد را شبانه از منزل خود گرسنه بیرون

کردند سید محمد پیاده به سامرا مراجعت کرد و امر

مبارک را در محضر عموم طلاب به استاد خود شیخ

مرتضی انصاری ابلاغ نمود و اتمام حجت کرد طلاب

قصد آزارش کردند شیخ انصاری مانع شد و به او وعده

داد که قریبا در باره این موضوع تحقیق خواهد کرد

ص ٣٠

سخنان تبایغی سید محمد در آن مجمع عظیم فقط بیک

نفر از شاگردان شیخ اثر کرد و او ملا علی نقی سمنانی

بود که به بغداد رفت و حضور جمالقدم رسید و مؤمن

شد و به سامرا برگشت و حقیقت حال را به استاد خود

گفت و سپس راه عتبات در پیش گرفت و عاقبیش مجهول

است سید محمد هم ترک ریاست و مسند اجتهاد کرد

و به نجف رفت و به تبلیغ مشغول شد و وسیاه قاصدی

امین سؤالات خود را از محضر جمالقدم پرسید و لوح

مبارک جواهر الاسرار در جواب او نازل شد مطالب

مهمه مندرجه در این لوح شریف به نحو اختصار بقرار

ذیل است:

شرح بلایا و مصائب مبارک تفکر در احتجاب امم قبل

علامات ظهور وارده در اناجیل و معانی آن مقصود از

ابدیت شرایع و معنی آسمان و زمین ممکن است زائل

شود ولی کلام پسر انسان زائل مخواهد شد قیامت و

علاماتش مقصود از صراط و میزان و.. شرایط سلوک

سالکین امتحانات الهیه وحدت حقیقه مظاهر مقدسه

جابلقا و جابلسا و محمدبن الحسن العسکری علت

اعراض نفوس لقأالله قیام اموات معنی موت و حیات

اسرار بیان انبیأ علامات اهل حق وادی حیرت مقام

ص ٣١

فنأ علامت واصلین آخرین مقام سالک که به وصف

نیاید و خاتمه لوح مبارک.

١٢ - لوح شکرشکن

---------------

این لوح در بغداد نازل شده و مخاطب آن میرزا سعید

خان گرمرودی وزیر امور خارجه ایران در آن ایام بوده

است که نامه‌ای به ظاهر دوستانه به حضور جمالقدم

تقدیم میکند و هیکل مبارک را به خیال خود از عناد

معاندین مطلع میسازد و بر حذر میدارد و تقاضا میکند

که برای حفظ خود و اصحاب از بغداد به نقطه دیگر

تشریف برند و منظورش این بود که باین وسیله هیکل

مبارک را از بغداد که همسایه ایران بود دور نماید و در

عین حال از راههای دیگر هم برای انتقال هیکل مبارک

اقدام میکرده که شرح اقدامات او را در گادپاسزبای

حضرت ولی امرالله در فصل وقایع بغداد بیان فرموده‌اند

در جواب نامه او لوح مبارک که به شکرشکن معروف است

نازل و برای او ارسال فرمودند از جمله بیانات مبارکه

در آن لوح اینست قوله تعالی :

"دست قاتل را باید بوسید و رقص کنان آهنگ کوی

ص ٣٢

دوست نمود... گردن بر افراختیم و تیغ بی دریغ

یار را به تمام اشتیاق مشتاقیم سینه را سپر نمودیم و تیر

قضا را به جان محتاجیم از نام بیزاریم و از هر چه غیر

اوست بر کنار فرار اختیار نکنیم و بدفع اغیار نپردازیم

بدعا بلا را طالبیم تا در هوای قدس روح پرواز کنیم

و در سایه‌های شجر انس آشیان گیریم و به منتهی

مقامات حب منتهی گردیم این اصحاب را بلا فنانکند

و این سفر را قدم طی ننماید و این وجه را پرده حجاب

نشود... بر مسند سکون ساکنیم و بر بساط صبر جالس

ماهی معنوی از خرابی کشتی چه پروا دارد؟ وروح قدسی

از تباهی تن ظاهری چه اندیشه نماید؟..." الخ

نزول این لوح مبارک در اواخر ایام بغداد بوده

است.

١٣ - لوح غلام‌الخلد

------------------

از الواح مبارکه نازله در بغداد ایت که در ایام رضوان

از فم مشیّت حضرت رحمن نازل شده است و در این لوح

در باره ظهور مبارک حضرت نقطه اولی آیات بدیعه

از فم اطهر صادر و عنوانش اینست: " هذا ذکر ما

ص ٣٣

ظهر فی سنة‌الستین..." و در قسمت فارسی آن ذکر

ظهور موعود و بیان و تجلی حضرت رحمن نازل گردیده

است و در ایام تسعه آنرا نقل کرده‌ام.

١٤ - لوح هله هله ...

--------------------

هوالمحبوب

حور بقا از فردوس علا آمد

هله هله هله یا بشارت

با چنگ و نوا هم با کاسه حمرا آمد

هله هله هله یا بشارت

با غمزه جانی با مزه فانی با رقص و نوا آمد

هله هله هله یا بشارت

با گیسوی مشکین با لعل نمکین از نزد خدا آمد

هله هله هله یا بشارت

دو طیف ز ابرویش صد تیر ز مژگانش بهر دل ما آمد

هله هله هله یا بشارت

جانها برهش دلها ببرش جمله فنا آمد

هله هله هله یا بشارت

با کفه بیضأ با گیسوی سودا چون اژدر موسی آمد

هله هله هله یا بشارت

ص ٣٤

این نغمه داودی از سدره لاهوتی باروح مسیحا آمد

هله هله هله یا بشارت

با جذب وفا با صون بهأ از مشرق ها آمد

هله هله هله یا بشارت

با نور هدائی از صبح لقا با طور سنا آمد

هله هله هله یا بشارت

این نغمه جان در نزد جانان از بلبل لا آمد

هله هله هله یا بشارت

با مژده وصلی این حور الهی از شاخه طوبی آمد

هله هله هله یا بشارت

این عاشق فانی این طیر ترابی در ره معشوق فدا آمد

هله هله هله یا بشارت

بر گردن عاشق سیف جفا از عرش وفا آمد

هله هله هله یا بشارت

این نامه قدسی با هد هد تازی از شهر سبا آمد

هله هله هله یا بشارت

این وجهه باقی ازامر الهی باید بیضأ آمد

هله هله هله یا بشارت

این باز حجازی با لحن عراقی ازساعد شاه آمد

هله هله هله یا بشارت

ص ٣٥

این طلعت غفاری با جذبه بهاجی از ساحت ادنا آمد

هله هله هله یا بشارت

این بلبل مغنی از گلبن قدسی با کف وصل آمد

هله هله هله یا بشارت

این ورقه نورأ از مدین روحا با نور و ضیأ آمد

هله هله هله یا بشارت

این شاهد یزدان این مست می جانان با جام تولا آمد

هله هله هله یا بشارت

آن صرف جمال حق آن جوهر اجلال حق باآیت کبری آمد

هله هله هله یا بشارت

آن طلعت مقصود آن وجهه معبود با رحمت عظمی آمد

هله هله هله یا بشارت

جانها به وصالش دلها به نثارش کان رّب علا آمد

هله هله هله یا بشارت

ابن ذکر بدیع از گلشن باقی آمد تا عاشقان جمال جانان

آتش حب از دل و جان در کمال اطمینان به بدایع لحنهای

خوش به آن مشغول شوند که شاید از جذبه آن عاکفان

کعبه عرفان بشور آیند و وطن قدس الهی را فراموش

نفرمایند.

ص ٣٦

١٥ - مدینة‌الرضأ

----------------

این لوح نیز در بغداد نازل شده و ذکر معنی رضا

و مراتب آن را کشروحاً بیان فرموده‌اند. مخاطب این

لوح دقیقاً معلوم نیست و باز میفرمایند که به احباب

ارض خود تکبیر برساند و اسامی آنان را رمز ذکر

فرموده‌اند از قبیل حرف الکاف و حرف القاف الذی هاجر

الی الله فی ایامه و کان المتقین و حرف‌الهأالذی

هاجر ثم رجع باذن من لدنا و حرف‌الرأ الذی سمع

نغمات‌الورقأ و غیره را ذکر فرموده‌اند و دلیل اینکه

از الواح بغداد است این بیان مبارک در این لوح

مبارک است. قوله تعالی :

" فارتقب یوم ینفخ فی الصور و تغن فیه الورقأ و یفتح

ابواب الرضوان و یأتی الله بامر بدیع اذن فاسرعوا الیه

یا ملأالبیان ولا توقفوا اقّل من آن و هذا من اصل

الرضأ لا تختلفوا فیه یا ملأالمقربین."

١٦ - لوح فتنه

-------------

از الواح نازله در بغداد است به اعزاز شمس جهان مشهور

ص ٣٧

به فتنه که در ان الواح درباره امتحانات الهیه بیانات

مفصله فرموده‌اند و صورت آن در مائده آسمانی مندرج

است.

١٧ - لوح حق

-----------

از الواح بغداد است. قوله تعالی :

الهی الابهی

هذا لوح الحق قد نزل من جبروت الامر و من یقرئه و

یتفکر فیه یبعثه الله فی قطب الرضوان بطراز الذی یستشرق

منه انوار الرحمن و یستضئی منها اهل ملأالعالین هو

الحق قد کان عن افق الحق علی الحق بالحق مشهودا

ان یا ملأالحق قد ظهر الحق عن افق الحق فی هذا

الحق الذی طلع عن مطلع الحق و ینطق بالحق و یذکر کم

علی الحق ایاکم ان لا تنسوا الحق حین الذی اخذ عنکم

عهد نفسه الحق و لا تکونن من الذینهم اعرضوا عن الحق

و کانوا من المعرضین قل تالله ان الحق حینئذ ینادی

فی امامه و یجزالموجودات بان هذا لهو الحق قد ظهر

علی الحق و انه لهو الحق الذی به حقق الحق من قبل

و یحقق الحق من بعد و انتم یا ملأالحق فانظروا الحق

ص ٣٨

بما اشرقت من شمس جماله ثم اسمعوا نغمات الحق عما

یخرج عن شفتائه ثم استشربوا من تسنیم الحق عما

یعطیکم من کأس عنایته و کلوا من نعمه الحق عما نزلت

من سمأ عزّ سلطانه و غمام قدس افضاله ثم استظلوا

فی ظل شجرة‌الحق هذا العاتم الذی لویحرک فی

نفسه لیتحرک به ظهورات الحقیة و شموسات‌الا حدیه

و اذا یسکن فی نفسه لیستقر جمال الحق ثم هیکله

علی عرش قدس منیع و انتم یا ملأالحق لو تصفون

ابصارکم عن غبار الممکنات و مایحدث منها مما لا یلیق

بسلطان الاسماٌ و الصفات لتشهدوا بان مظاهر الحق

و مطالعه و مشارفه و مکامنه لیطوفن فیحول هذا الحق

الذی ظهر بالحق ثم استوی‌بالحق علی العرش الذی

یسجد عند طله کل من عی السموات و من عی الارض

و لوانهم لن یعرفون ذلک ولا یستشعرون عی انفسهم

و یکونن من الغافلین عن هذا الحق الذی لویشق

برقع الجلال عن وجه الجمال لینطقن کل الاشیأ ویؤیدهم

روح القدس بما ایده نفس البهأ عی عالم البقأ بانی

اناالحق لا اله الا هو و انا کل عند ظهور هذا الحق

لتکونن من الساجدین و ان هذا لهو الذی یمشی عن

امامه مظاهر الحق و عن ورائه مطالع الارباب و عن یمینه

جواهرالسبحان و عن یساره هیاکل الرحمن و کلهم

ینطقن و یصیحن و ینادین ان یا ملأالبیان تالله قد

کذبکم السن الرحمن بما تدعون فی انفسکم الایمان بالله

المهیمن العزیز القدیر لانکم انتم ادعیتم فی انفسکم بانکم

آمنتم بالله و مظهر نفسه الذی سمّی بعلی قبل نبیل فلما

جأ مرسله بسلطان من الامر علی غمام القدس فی فردوس

الاعلی اذا انکرتموه و کذبتموه الی ان افیتم علی قتله

کما افتوا علمأ الفرقان علی علی من قبل مظهر نفسه

العلی المتعالی المقتدر المهیمن القدیر اذا ما تمرون

علی شیئی الا و قد یکذبکم ویبرٴ منکم و یستعیذ بالله

من لقائکم فوالله لو تنصفون فی انفسکم تشهدون بان

نفس الذی یخرج منکم لیکذبکم و سمأالتی رفعت فوق

رؤسکم لیبرٴ منکم و کلما یمطرمن السحاب ینکر ما یخرج

من السنکم لو انتم السامعین و بکم منعت غمام الرحمة

و الفضل و بدلت عیش اهل ملأالاعلی ثم اصفرّ وجه

الکبریا لانکم فعلتم مالا فعل احد من قبل و انّا سترناه

بفضل من لدنا و انا الفضال المقتدر الحکیم و ما اظهرنا

بین العباد هذا رشح من ترشحات بحور اعمالکم و الا لو

انطق علی الحق فیما فعلتم لیرجع امرما یکون الی ما کان

و یرجع الوجود الی عدم البحت البات و یبدل کلمایشهد

ص ٤٠

فی الملک الی التراب و کذلک نزل الامر من لدن عزیز

وهاب ان انتم تکونن من المتنبّهین.

١٨ - لوح البهأ

---------------

در بغداد در حین طغیان پیروان یحیی و فساد و فتنه

و اذست و آزار آنان نسبت به جمال رحمن خطاب به امأ

الرحمن و احبای الهی از فم اقدس نازل شده در قسمت

اول به لحن حجازی و در قسمت ثانی مفاد آن را به لحن

عراقی بیان فرموده و نازل نموده‌اند این لوح مبارک

بسیار مؤثژ و حزن انگیز است و در ایام قریب به خروج

جمال قدم از بعداد مخاطباللمؤمنین و المؤمنات

نازل گردیده در آغاز آن میفرمایند قوله تعالی :

"هذا لوح البهأ قد نزل من جبرزت البقأ ان

اقرئوا یا ملأالعمأ لعل الی سمأالامر فی هدا الهوأ

ترتقون و علی امر ربکم الرحمن تستقیمون. هوالباقی

ان یا امة‌الله اتصبرین علی مقعدک بعد الذی کان

قمیص الغلام محمّرا بدم البغضأ بین الارض والسمأ

و ینادی فیکل حین بندأ حزین و کلما استغیث من

احبائه یتقربون الیه بسیف الحسد و کذلک کان الامر

ص ٤١

ان کنت من العارفین اذا وقع جمال البهأ فی غیابة

الجب و انک ان وجدت سیاه العمأ فارسلیه لعل

یدلی دلوالوفا فی هذا البئر الظلمأ ویرفع به الغلام

و یستضئی بلحاظه کل العالمین ان یا امتی اتصبرین

علی محلک بعد الذی ابتلی الخلیل بید النمرود ولن

یجد لنفسه ناصرا الا الله العزیز الجمیل ... الی

قوله تعالی اراد الغلام ان یخرج من بین هولأ بما

ورد علیه مالا یحصیه احد من العالمین ..."

و بعد از ذکر متمردین ظهورات قبل از قبیل

بلعام دوره حضرت موسی و غیره میفرمایند قوله تعالی :

"و انتم یا اهل البهأ ان وجدتم احد ان یحل

الالماس و یجریه علی الالواح فاکتبوا به ما نزل فی

هذا اللوح ثم انشروه فیکل البلاد لیظهر اثار الله بین

عباده الموقنین و ان لن تجدوا فاکتبوه بالذهب الخالص

ایاکم ان تجاوزا عما امرتم به و لا تکونوا من الصابرین ..."

و در قسمت لحن عراقی در همین موضوع

میفرمایند قوله تعالی :

"ای بندگان من و مرایای جمال من اگر یافتید

نفسی اینکه قادر باشد که الماس را حل نماید و جریان

دهد پس بنویسید آنچه از سمأ عز تقدیس نازل شده

ص ٤٢

بمداد الماسیه و نشر دهید او را در هر بلاد تا آنکه

آثار الهی در بین عباد او انتشار یابد و اگر نیافتید

و قادر بر اونگشتید پس بنویسید این کلمات بدیع منیع

را بمداد ذهب خالص و بفرستید بمدینه ها و دیارهای

من که شاید اهل دیار بجمال مختار راه یابند و هدایت

شوند..."الخ

١٩ - لوح بلبل الفراق

--------------------

از الواح نازله در بغداد است و در آن ذکر احزان

و مصائب جمال قدم و اسم اعظم نازل سده و میفرمایند

که عنقریب طیر الهی از عراق بآفاق دیگر پرواز خواهد

نمود این لوح هم نسبة مفصل است و چون نسخه‌اش به

ندرت به دست میآید لهذا قسمتی از آنرا در این مقام

مینگارم. قوله تعالی :

هو العزیز المحبوب

-----------------

بلبل الفراق علی غصن اللآفاق ینادی بهذا الفراق یا

ملأالاشتیاق و طیر الوفا یتغنی علی دوحة‌البقأ بان

هذا الفراّق یا ملأالاشتیاق و ورقأ الهجر یرن علی

افنان سدرة الفراق بان جأالفراق یا ملأالاشتیاق

ص ٤٣

قل قد ثمّ زمان الوصل وجأ الفصل عن خلف الفضأ و هذا

الفراق یا ملأالاشتیاق قد جرت‌الدموع عن عیون اهل

البقأ فی الملأالاعلی بهذا الفراق یا ملأالاشتیاق

و قد انقطعت نسائم السرور عن رضوان السنأ بهذا

الفراق یا ملأالاشتیاق تالله قد اصفرت وجوه اهل

الغرفات بهذا الفراق یا ملأالاشتیاق و تبدّلت عیش کل

شیئی بین الارض والسمأ بهذا الفراق یا ملأالاشتیاق

و یکحلن الحوریات من دم‌الحمرأ بما سمعن ندأالفراق

یا ملأالاشتیاق و لن یزینن هیاکلهن من حور البقأ

بما سمعن ندأالفراق یا ملأالاشتیاق و هذا الحزن

لن یقاس بحزن فی جبروت‌العمأ بما هبّت نسیم‌الفراق

یا الأالاشتیاق در این وقت که طیر بقا از ارض عراق

پرواز نمود و اهل شوق و اشتیاق بنار فراق در احتراق

این نامه از این نمله فانیه بسوی احبای خدا ارسال میشود

که ای دوستان تا چشم باقی بگریید و تا نفس موجود بنالید

زیرا که بساط وصل و اتصال و قرب و لقا درهم پیچیده

شد و انفصال و هجر و فراق گسترده و اریاح هجر وفراق

چنان وزیده که جمیع شاخسار وجود از غیب و شهود همه

قمیص فنا پوشیده و بخزان بقا پیوستند پس ای چشم

ص ٤٤

گریه کن و ای گوش ناله بشنو و ای لسان ندبه ونوحه

کن و ای جسد در تراب وطن گیر و مع کل ذلک نحمدالله

علی ما اختصّنا بهذه البلایا المتواتره و هذه الرزایا

المتوالیه و نشکره فی کل حین علی کل الا حوال و انه

کان بنفسه الحق علی ما نقول شهید در جمیع الواح

قبل ذکر یافت که وقتی آید و هنگامی شود که طیر عراقی

آهنگ حجاز نماید پس بشتابید بسوی او ای عاشقان

جمال سبحانی و ای والهان حرم ربانی حال آنوقت

رسید وآن نسیم وزید و این طیر پرید وشما ندیدید

وفائز نشدید و بمقصود نرسیدید باری آنچه مرقوم شد

وهرچه مذکور آمد اقبال ننمودید و گوش ندادید حال

آنوقت گذشت و آن یوم از دست رفت دیگر آن نسیم

در این ارض نوزد و آن گل رخ نگشاید و آن باب مفتوح

نشود هژگز شنیدید که بلبل باغ الهی جز بگلزار روحانی

راحت جوید و یا مقر گزیند و یا آنکه هد هد سبای عشق

جز در سینای روح وطن گیرد و یا قلوب عاشقان جز

جمال معشوق منظوری طلبد و شما ای عاشقان بخیال

خود مشغول شدید و هرگز عزم دیار معشوق ننمودید

زهی غفلت که امکان را فرو گرفته واکوان را احاطه نموده

که شمس در وسط زوال منیر و درّی و روشن و جمیع

ص ٤٥

بطیور لیل همراز و هم آواز گشتید و اختم القول بما غنّت

عند لیب الفراق فی ارض العراق و ینادی کل من سکن

فی شطر الآفاق بان طیر البقأ قد طارت الی مدینة

العطأ وحمامة الروح قد صعدت من غصن وارادت غصناً

اخری اذا فایکون یا ملأالعاشقین و یا اهل ملأ

العالین و کذلک نلقی علیکم آیات الفراق لعل تقومون

عن مراقد الغفلة و تکونن من الذین هم کانوا من المتذکرین

بگو ای اهل نفاق این بلبل وثاق از گل وصال پرید و عزم

گلزار فراق نمود و عشاق آفاق را در شطر عراق بسوخت

پس ای دوستان بهجران مبتلی وصل جانان را فراموش

ننمائید از فراق ننالید و تخم صبر در ارض طیّبه قلب

بکارید و بآب چشم آبش دهید تا ثمر شیرین دهد

اینست وصیت بلبل گلزار الهی پس بشنوید." انتهی

(تمام لوح نقل نشده)

٢٠ - لوح آیه نور

----------------

مخاطب این لوح مبارک جناب میرزا آقای رکاب ساز

شیرازی است که از محضر مبارک جمالقدم جل جلاله

از دو مطلب سئوال کرد یکی درباره حروف اقطّعه قرآنیه

ص ٤٦

و دیگری در تفسیر آیه نور قرآن مجید و لوح مزبور در جواب

این دو سئوال او نازل شده است. حضرت ولی امرالله

جل سلطانه در رساله آئین بهائی (که از طرف محفل

مقدس ملی مکرر طبع و نشر شده) این لوح را در ذیل

دو اسم ثبت فرموده‌اند یکی به اسم لوح تفسیر حروف مقطعه

و دیگری در ذیل نام لوح آیه نور که عنوان این صفحه

است. قسمتی از این لوح مبارک اینست قوله تعالی :

"الحمد لله الذی خلق الحروفات فی عوالم

العماٌ خلف سرادق القدس فی رفارف الاسنی ثم اقمصهن قمیص الودا

من کاوٌس البقاٌ فیما قدر فی مکمن القدر علی قباب الحمراٌ

افئده المقربین فی جبروت الامضأ ثم اقمصهن قمیص النورا

لما قدر بتقدیره الازلیة فی مکمن القدر علی قباب الحمرأ

و فیما سبق العلم بان یستر مأ الحیوان فی ظلمات عوالم

الاسمأ عند سدرة‌المنتهی ثم انزلهن الی ملکوت الانشأ

فی هوأالقضأ اذا طهرت الصوت من مکمن الاعلی

مخاطبا للقلم الاولی بان یا قلم فاکتب من اسرارالقدم

علی اللوح المنیر البیضأ اذا صمق القلم شوقا لهذا

الندأ سبعین الف سنة عما تحصوه اولوالا حصأ فلما آفاق

فیما رجع علیه حکم القضأ مرة اخری اذا بکی سبعین الف

سنة من مدامع الحمرأ ثم وقف بین یدی الله فی زمان

ص ٤٧

ما سبقه حکم الاولیه فی الابتدأ ولا یسبقه حکم الاخریة

فی الانتها فلما احرق بنار الفراق لما انقطع عنه ندأ

الاحلی ظهر فی دموعه لون السوادا فی جبروت الوفأ

ورشح قطرة من هذا الدموع السوادٴ علی اللوح اذاظهرت

النقطة فی عالم البدأ و تجلت هذه النقطة بطرائز

الاولیه علی مرایأالحروفات فی کینونات الاسمأ هذا

استقبلها الالف قبل کل الحروفات فی ذرّالاشیأ

و فصل هذه النقطة‌الالهیه فی طراز هذه الالف الازلیة

فیما هبت علیه نسمات الرحمانیه عن مصدر الاحدیه اذا

کشف وجه الواحد به عن خلف حجبات الخضرأ وظهرت

هیکل النقطیه علی هیئة‌الالف و قام فی اللوح لقیامه

علی امرالله العلی الاعلی فی عالم الصفات و الاسمأ

و هذه مقام الذی تقمصت کینونة‌المشیة قمیص الاسمیه

وتخلعت بخلع الصفتیه فی مدینة‌الکبریا فلما استقرت

هذالالف القائمه علی اللوح النورأ تجلی بتجلی بدع

اخری اذا لاحت حروفات المقطعات فی اول الظهورات

لیستدلّن علی عوالم التفرید والامر فی قصبات الانشأ ثم

ظهرت من هذه الحروفات الی لاحت و اشرقت من الف

الاولیه فی اول الظهورات عوالم التحدید و الکثرات

فلما فصلت و تفرقت و تقطعت ثم اجتمعت و ائتلفت و

ص ٤٨

تمزجت و تزوجت اذا ظهرت کلمات الجامعات والحروفات

المرکبات فی عوالم الخلق فی هیاکل الاسمأ و الصفات

اذا تم خلق عوالمالملکیه وطراز القدریه فی مظاهر

الموجودات لیستد لن الکل یلسان الکینونات بانه هو

الباقی الدائم الخلق المقتدر العزیز السلطان وان علیا

قبل محمد مظهر الذات و مظهر الصفات الذی منه

بدٴالممکنات و الیه ترجع الکاینات و هو الذی ظهر

من نفسه المنان نفس الرحمن و بها خلق حقایق الجوهریات

و القابلیات فی عالم الامکان و ظهورات الموجودات فی

عوالم الامکان و مرایأالمستحکیة عنه و الحروفات الناطقه

منه اول خلق الله و مبدأالظهورات و مرجع العباد فی

یوم التناد و هذا ما فضلهّم الله علی سایر الخلق فی

عوالم القدم و بهم اشرقت الانوار و الاحت الاقمار واضائت

الشموس و اباحت النجوم و کلهم یحکین عنه و یدلن

علیه بحیث لافرق بینه و بینهم الا بانهم خلقوا بامره

و بعثوا بارادته و حشروا بقدرته هم الذین بهم تدور

الادوار و تکور الاکوار و تغرس اشجار التوحید و تظهر

اثمار التفرید و تنزل امطارالتجرید الی ان ترجع

النقطة الی مقامها الاولی بعد دورها فی حول نفسها

و بلوغها الی محلها اذا یرجع الانتهأ الی الابتدأ

ص ٤٩

و حینئذ یظهرندأ الاولی عن شجرة القصوی عند اشراق

الشمس مّرة‌اخری و هذا ما غنّت الورقأ فی قطب البقأ

فی هذه اللیلة الا حدیه التی توقد فیها نار الاحدیة

من سدره السینأ فی ظلل اسم الاقدمیة و السر الازلیة

الذی سمّی بالحق القدیم فی قیوم الاسمأ لیشهدّن کل

الظهورات فی سرائر القاب بالخفیات بانه هو المقتدر

المهیمن المنان ..."(تمام این لوح منتشر شده است

و در مائده آسمانی مندرج است .)

٢١ - سورة‌القمیص

---------------

از الواح صادره در بفداد است و در این لوح شکایت

بسیار از معرضین بیان مذکور است و در اواسط لوح

خطاب به جناب رضی الروح شده و جمعی از احبأ را

با اسم ذکر فرموده مانند حسین و محمد علی

و عبدالعلی و زمان و رحیم و غیرهم و در سه موضع از این

لوح به قمیص تعبیر فرموده‌اند از این قرار:

خطاب به رضی الروح میفرمایند:

"...انا ارسلنا الیک هذا القمیص الذی کان

مرشوشا بدم صادق لعل تطلع بما هو المستور عن انظر

ص ٥٠

الغافلین ." و در آخر لوح میفرمایند:

"... ان یا حرف الجیم اذهب بقمیصی هذا ثم الق

علی وجه الممکنات لعل مطالع الصفات یخرجن عن خلف

الحجبات و یطلعن عن ورأالحساب و یعرفنی الذی

جائهم عن سطر البقأ بسلطان مبین ..." و در آخر

لوح میفرمایند:

"... والحمد لمن یعرف مولاه فی هذا القمیص

الدرّی المبین .."

آغاز این لوح مبارک چنین شروع میشود:

هذه سورة القمیص قد نزلناها بالحق و جعلنا ها مظهر

هیکلی بین العلمین بسم الله الاقدس الاقدس و باسمه

البهی الابهی ان یا اهل البقأ فی الملأ الاعلی

اسمعوا ندأالله عین هذا النسیم المتحرک ...الخ

و در همین لوح است که میفرمایند:

"تالله الحق تلک ایام فیها امتحن الله کل النبیین

و المرسلین ثم الذین هم کانوا خلف سرادق العصمة

و فسطاط العظمة و خبأ العزة و کیف هولأ المشرکین

الذیت اتخذوا الههم انفسهم و اذا یظهر علیهم سلطنه

الله و اقتداره ثم عظمته واجلاله یجعلون کف الاعراض

علی ابصارهم ثم یسرعون فی المکر لیشتبهن علی العباد

ص ٥١

کذلک نلقی علیک ما یحفظک عن رمی هولأ الشیاطین ..."

٢٢ - سورة‌القدیر

---------------

ازالواح مبارکه صادره از قلم جمال قدم است که در بغداد

نازل شده و شامل اقدامات مخالفت‌آمیز میرزا یحیی

و سایر مطالب است. صورت قسمتی از آن لوح مبارک از

روی نسخه خط زین المقربین که در سال ١٢٨٨ ه . ق

در موصل (حدباٌ) آنرا نوشته است در اینجا نقل

میشود قوله تعالی :

هذه سورة‌القدیر قد قدرناها فی جبروت البقاٌ وانزلناها

علی العباد لیکون لهم سراجا مضیئا

هوالحق البهی الا بهی فسبحان الذی قدر مقادیر

کل شیئی فی الواح عزّ محفوظ و خلق کل شیئی علی

شاٌن لو یضعن انفسهم عن غبره الوهم و الهوی لیصعدن

الی مقاعد القصوی و ینطقن بما نطق روح القدس عند

سدرة‌المنتهی بانه لا اله الا هو و ان ذات کلمتین

فی هذین الا سمین لقیوم الا سماٌ فی جبروت البقاٌ

و کذلک احاطت رحمه الا یام کل الا نام ولکن الناس هم

لا یشعرون ولقد تجلی الله فی هذا اللوح باسمه

ص ٥٢

القدیرعلی کل الممکنات لیستقدرن به کل الموجودات عما

خلق بین الا رضین و السموات لئلا یحرم احد عن سلطان

قدرته و هذا ما نزل حینئذ من لدن مهیمن قیوم ان یا

شمس اسمی القدیر فاستشزق علی الکائنات ببدایع قدره

ربک لیشهدن کل الا شیأفی انفسهم قدرة‌الله المقتدر

العزیز المحبوب و من یجعل محروماًان تجلی هذاالاسم

لن یوفق علی الاقرار بقدرة ربه العزیز اتمختار ولویعترف

لم یکن علی التحقیق لان ما فقد عنه کیف یدرکه فسبحانه

عما یعرضون اذا یاقوم فاجعلو قلوبکم مرآتاًلهذاالشمس

لینتبع فیها انوارها و تجلیها و کذلک یاءمرکم ربکم ان

انتم تعرفون ومن انطبع فیه تجلی هذاالاسم لیجعله

الله قادرا" علی کل شیئی بحیث لو یقول لکل شیئی فانقلب

کلهم ینقلبون ولویرید ان یغلب علی الممکنات بارادة

من عنده لیقدر من قدرةر‌به وان هذا الفضل مشهود

ومن هذااللوح هبت روائح القدرة‌علی کل ذی قدرة

ویهب کیف یشاء بامر من عنده ان انتم تعقلون وان مثل

هذا الاسم فی هذااللوح کمثل معین الماءیجری فی

انهار شتی کذلک من هذاالاسم یجری میاه القدرة فی

انهار الموجودات و یأخذ من یشاء علی قدر مقدور ان یا

ذلک الاسم انا خلقناک بامر من عندنا و ارفعنا ذکرک فی

ص ٥٣

ملکوت الاسماٌوزیناک بقمیص البقاٌلتشکر ربک وتکون

من الذینهم یشکرون ایاک ان لا یغرنک شیئی ولاتحتجب

عن ذکر اسم ربک ولا تکن من الذین اذاشهدواانفسهم

فی علو و ارتفاع غفلوا عن ذکر ربهم ثم استکبروا علی الله

الذی خلقهم بارادة من عنده و کذلک کانوا ان یفعلون

ان یامسمیات هذا الاسم و مظاهره ان استمعوا نداٌ

ربکم الرحمن فی هذا الرضوان ولا تلتفتوا الی ما قدر

فی الاکوان ولا تکونن من الذینهم لا یفقهون ایاکم

عن لا یغرنکم الاسماٌ عن ذکر بارئکم و اذا استشرق علیکم

شمس ربکم خروا بوجوهکم سُجدالله المقتدر المهیمن

القیوم ایاکم ان لا یمنعکم شیئی عن الخضوع بین یدالله

ولا تکونوا بمثل الذی ارفعنا امره بین العباد ثم

اشتهرنا ذکره فی البلاد فلما شهد نفسه علی عزو

ارتفاع اذا استکبر علی الذی خلقه وسواه وبلغ الی

مقام الذی اعترض تلقاٌالوجه وفرط فی جنب الله وکان

من الذین اذا استشرقت علیهم شمس الجمال عن افق

استجلال استکبروا وکانوا من الذینهم یستکبرون ان یا

اسمی انا جعلناک مظهرهذاالاسم لتدع کل الممکنات

عن ورائک وتکسراصنام الوهم من کل شیئی وتدخل

الکل فی ظل ربک العزیزالمحبوب وتنصرربک فی کل

ص ٥٤

شاٌن بمااستطعت لیر تفع اعلام النصرعلی مقاعد قدس

مرفوع قل یاملاٌالبیان انکم ان لن تنصرواالغلام فسوف

ینصره الله کمانصره بالحق اذاکان فی السجن ونصره

بجنودلن تروهاوانزل معه مایحفظه عن اعادی نفسه

انه مامن الله الاهوله الخلق والامروکل عنده فی

لوح محفوظان یااسمی ان استقم علی الامرثم ذکر

الناس بماالهمک الروح وان وجدت مقبلاًفاقبل الیه وان

وجدت معرضافاعرض عنه ولاتخف فتوکل علی الله ربک

انفسهم یلعبون قدس نفسک عن کل مایمنعک عن صراط

الله الذی له مافی السموات ومافی الارض وان هذاخیر

لک عماکنزفی ملکوت الامروالخلق ولکن الناس اکثرهم

لایفقهون ان ارتقب یوم الذی یاٌتی الله بسلطان من

الامروفی حوله ملئکة‌الروح اذاتجدالناس صرعی

ویاٌخذاضطراب سکان السموات والارض وینقلبن کل

الاسماٌویخرن علی التراب محدود الا من ینقطع

الی الله ویدخل فی ظل ربه العلی المتعالی العزیز

المحمود کذلک الهمناک من بدایع وحی ربک لتستقرفی

نفسک وتکون من الذینهم مستقرون والبهاٌعلیک وعلی

ص ٥٥

من اتخذفی ظل ربه مقاماً محمودوالحمدلله العزیز

المقتدر المتعالی المحبوب

 ٢٣ - سورة‌الصبر
 -----------------

از الواح مبارکه نازله در بغداد و در باغ رضوان است

این لوح مبارک به مدینة‌الصبر و سورة‌الصبر و سوره ایوب

معروف است و به اعزاز حاجی محمدتقی ملقب به ایوب

نازل شده است، درلوح قرن احبای آمریک ذکر این

لوح شده و نزول آن را در روز اول رضوان سال ١٢٧٩

ه .ق ذک فرموده اند دراین لوح شرح شهادت و

مقامات عالیه جناب وحیداکبر و فداکاری های اصحاب

علی الخصوص جناب حاج محمدتقی ایوب بیان شده

است . مشارالیه از اصحاب جناب وحید دارابی

بود چون خبر عزیمت جناب وحید را از یزد به جانب

نیر‌یز شنید ازنیر‌یز که محل سکونتش بود تا

اصطهبانات باستقبال حضرت وحید شتافت و با آن جناب

وارد نیر‌یز شد ابتدا در مسجد جامع و سپس در قلعه

خواجه به نصرت اصحاب توفیق یافت و چون مردی

ثروتمند بود مدت چهار ماه محاصره قلعه مخارج اصحاب

ص ٥٦

وحید را تحمل کرد و بعد از واقعه قلعه با سایر

اصحاب گرفتار گردید و بچنگال ظلم حاکم دچار شد

حاکم موسوم به زین‌العابدین خان او را به انواع عذاب

معذب ساخت و در فصل زمستان هر روز وی را در حوضی

که آبش یخ بسته بود می‌افکند و بدنش را به ضرب

چوب میازرد بطوری که آب حوض از خون او رنگین میشد

جناب حاجی گاهی در عوض بعضی از اصحاب که پیر و

ناتوان بودند نیز صدمه و آزار را قبول میکرد حاجی

مزبور بالمال از کثرت ضرب و آزار بدنش متورم شد و

چشمانش ازحال طبیعی خارج گردید عوانان هر روز

او را در بازارها میگردانیدند و از مردم پول میگرفتند

حاجی یکسال گرفتار این عذاب بود تا آخر کار مستخلص

شد و به یزد رو نهاده در آنشهر متوطن گردید بهر

حال بواسطه استقامتش در بلایای لاتحصی در لوح

مبارک از لسان عظمت به ایوب ملقب شد. ایوب کلمه‌ای

است که معنای آن ( بطرف خدابرگشته ) است در عهد

عتیق رساله‌ای است که به کتاب ایوب موسوم است .در کتاب

دیانت اسرائیل (تاٌلیف جناب محمدعلی فیضی ) صفحه

٧٥ مسطور است :

ایوب نام شخصی بوده است که در سرزمین عوص در طرف

ص ٥٧

شرقی فلسطین نزدیک صحرای لم یزرع زیست مینمود و

دارای اموال و گوسفندان و خدمه بود و مردی بوده

است خداترس و دارای مقامات روحانی که مورد امتحان

و آزمایش سخت خداوند قرار گرفته است ابتدا اموال

و احشامش را کلدانیان بغارت برده و بستگانش را از دم

شمشیر گذراندند و سپس خود او مبتلی به مرض سخت

گردید که همه ازاو دوری میجستند و حتی مورد ملامت

و سرزنش عیالش نیز قرار گرفت و با اینهمه احوال تن

به رضای الهی داده در هرحال شاکر و صابر بود از

این جهت صبر ایوب ضرب المثل گردید کتاب ایوب دارای

٤٣ باب و شرح حال او را بیان مینماید که ابتدا خداوند

چگونه ثروت او را اخذ وبه مرض سختی مبتلایش نمود

و بعد مکالماتی را که سه نفراز دوستانش بنام الیفار

بلد و شوحی و سوفر نعمانی با او در کیفیت عذاب الهی

و مکافات و مجازات نموده‌اند شرح داده است و

مراتب ثبات و استقامت و پایداری او را درتحمل بلایا

و مصائب میرساند که بالنتیجه خداوند او را نجات داد و

تمام اموالش را به او بازگردانید...انتهی

در قرآن مجید در سوره مبارکه (ص) و سایر سور ذکر

ایوب نازل شده و خداوند او را ستوده است و به استقامت

ص ٥٨

او در بلایا و صبر او در مصائب اشاره فرموده وحتی

داستان زوجه او را هم ذکر فرموده که چگونه ایوب قسم

خورد که اگر زوجه‌اش برگردد او را کتک بزند و پس از

آنکه بیگناهی زوجه‌اش بر او ثابت شد خداوند چگونه

به او یاد داد و تعلیم فرمود که قسم خود را درباره

زنش بچه نحو انجام دهد تاخلاف قسم نکرده باشد

و بزوجه بیگناهش هم آسیبی نرسد مفسرین اسلامی

از سنی و شیعه داستان ایوب را با آب و تاب فراوان

ذکر کرده‌اند. برای اطلاع به تفسیر کشاف زمخشری

و تفسیر علامهٌ بیضاوی و از کتب شیعه به تفسیر مجمع

البیان طبرسی و تفسیر صافی ملامحسن فیض کاشانی

و کتب مرحوم مجلسی و غیره مراجعه شود. در قرآن

مجید سوره (ص) میفرمایند که خداوند به ایوب فرمود

در چشمه آب غسل کند تا زخمهای بدن و امراضش

خوب شود و برطرف گردد او هم این حکم را انجام داد

و از امراض شفایافت حضرت عبدالبهاٌ جل ثنائه در

لوحی دراین خصوص میفرمایند قوله الاهلی :

...آن چشمه چشمه نبوت بود و آن امراض امراض

روحانی چون ایوب در چشمه نبوت الهی و محبت الهی

داخل شد جمیع عوارض جسمانی و تقیدات نفسانی از

ص ٥٩

او دور شد ملهم به الهامات ربانی گشت ..ًانتهی

باری جمال مبارک جل جلاله درسورة‌الصبر

شرح حال این ایوب را مطابق نصوص اسلامی بیان

میفرمایند و سپس درباره حاجی محمدتقی ایوب و

واقعه نی ریز و شهادت جناب وحید و گرفتاری اصحاب

آن حضرت و سایر امور آیات مبارکات از قلم مبارک جاری

شده است.

٢٤- سورة‌الذکر

----------------

قوله تعالی :

هذه سورة‌الذکر قد نزلت بالفضل لعل ملاٌالبیان

ینقطعن عما عندهم و یتوجهن الی یمین العدل ویقومن

عن رقد الهوی و یتخذن الی ربهم العلی الابهی علی

الحق سبیلا بسم الله الاقدس العلی الاعلی هذا کتاب

نقطة‌الاولی الی الذین هم آمنوا بالله الواحد الفرد

العزیز العظیم ...ً

قسمت اعظم این لوح نقل اقوال حضرت اعلی جل ذکره

است که خطاب به اهل بیان میفرمایند که چرا بظهورالله

بی وفائی کردند و جمال قدم جل جلاله را قبول نکرده‌اند

ص ٦٠

از قرائن در بغداد نازل شده و مخاطبش معلوم نشد

فقط به او میفرمایند که توسط محمد ما برای تو لوحی

فرستادیم و به احمد برادر محمد نیز خطاب فرموده‌اند

و به احمد دیگری هم خطاب شده است .

 ٢٥- سورة‌الله
 ----------------

قوله تعالی :

هذه سورة‌الله قد نزلت بالحق من جبروته

المقدس العزیزالمنیر هوالعزیز ان یا علی بعد نبیل

اسمع نداء ربک حین الذی یرید ان یخرج عن بینکم

بما اکتسبت ایدی الظالمین ...ًالخ

این لوح در اواخر ایام توقف در بغداد نازل

شده هنگامی که اراده الهیه به عزیمت به اسلامبول قرار

گرفته بود و از آیات این لوح لحن حزن و اندوه آشکار

است. میفرمایند:

قل یاقوم تالله الحق قد اخذتکم الغشوات علی مقام

الذی تخرجون الله عن بیته و تذکرون اسمائه فی کل

بکور و اصیل ...ًالی قله تعالی :

وانتم لما اعرضتم عن جماله الاولی فی هیکله الاخری

ص ٦١

و انکرتم آیاته و کفرتم بنعمته اذا یخرج من بینکم وحده

حین الذی یکون منقطعا عن کل من فی السموات والارض ...

و کذلک کنت معذبا بین هولاٌ و عن ورائهم کان غضف (١)

(تاریکی وابر) الغل عن ورائی و دیاجن (ابرهای

تیره ) البغض عن یمینی و کان الله علی مااقول شهید

الی ان بلغ‌الامر الی ان یفده الایام التی فیها یرید ان

یستر جمال القدس من سندس الانس و ینقطع عن کل

اناث و ذکور و عن کل صغیر و کبیر الا اللواتی جعلنی

.الله کفیلهن فی الحیاٌالدینا انه ما من اله الا هوله

الخلق والامر و کل عنده فی لوح حفیظ ...ًالخ

بیشتر شکایت حق از معرضین بیان و مخالفت یحیی است

و مخاطب این لوح مبارک محمدعلی است که علی بعد

نبیل باشد.

٢٦-لوح سبحان ربی الاعلی - حرف البقاٌ

--------------------------------------

این لوح به اعزاز حاجی میرزا موسی جواهری در بغداد

نازل شده است :

یا حرف‌البقاٌ فالبس یغلین الانقطاع ثم امش

علی رفرف الاعلی فسبحان ربی الاعلی هذه ارض البقاٌماوقع

ص ٦٢

علیها رجل احد من الاولیاٌ فسبحان من خلق فسوّی

ان لا تحزن عن موارد الدنیا ثم اصعد الی جبروت

الوفاٌ فسبحان ربی الاعلی وان لک مقام معی فی

سرادق الابهی فسبحان خلق فسوی تسمع فیه نغمات

الفردوس فوق سدرة‌المنتهی فسبحان ربی الاعلی وتشرب

فیه خمر الحمرا عن جمال الله الاسنی فسبحان من

خلق فسوی و فیه تجد من فواکه القدس لا یحصی فسبحان

ربی الاعلی وتطیر فیه فی کل طرف باجنحة‌الیاقوت

فی ممالک الروحا فسبحان من خلق فسوّی و تنطق فیه

علی کل لحن بلحنات‌البقاٌ فسبحان ربی الاعلی و

تجذب من لحظات الجمال فی غرفات الا جلی فسبحان

من خلق فسوّی اذا تجد فی نفسک انوار الهدی و تستغرق

فی بحر اللجی العظمی فسبحان ربی الاعلی و ترزق

من ثمرات الروح من شجره القصوی فسبحان من خلق فسّوی

وتسمع نداٌالله علی لحن الجهر من الخفی فسبحان

ربی الاعلی قل نزلت حورالبقاٌنزلة‌اخری لتقبل هذا

القمرالدری الاحلی فسبحان من خلق فسوی واخذت

کئوب الحمراٌبیده الیمنی فسبحان ربی الاعلی لتسقی

من رضی بهذالرضوان فی جنة‌الرضوی فسبحان من

خلق فسّوی رفعت یدها الیمنی واتکات علی رجلها

ص ٦٣

الیسری فسبحان ربی الاعلی ثم ظهرت حاجب القوسا

کالسیف الحدا و قطعت به الاکباد و الا حشاٌ فسبحان

من خلق فسوی و حرکت کتفیها ظهرت ثعبان السوداٌ فیما

کشفت سود الشعر من تحت نقابها البیضاٌ فسبحان ربی

الاعلی اذا بلغت کل فی السماٌالی تحت الثری فسبحان

من خلق فسوی و ارجعت الوجود الی الفناٌ فسبحان ربی

الاعلی مره کشفت وجهها ثم مرة غطا فسبحان من خلق

فسوی و اذا کشفت خلقت الارواح و ارجعت القضاٌالی

الامضاٌفسبحان ربی الاعلی ثم بعد ذلک غطت الوجوه

مرة‌اخری لئلا تفنی البقاٌمن هذا المنظر الحمراٌ فسبحان

من خلق فسوی ثم ارفعت طرف برقع السودا عن غرتها الغراٌ

علی تجلی بدعا فسبحان ربی الاعلی وقالت الست جمال

المحبوب فی وسط الضحی اذا صاحت طلعة‌الکبریا بلسان

الجمال الوجود بان بلی ثم بلی فسبحان من خلق فسوی

و اذا ترقص جواهر الروح فی هیاکل البقاٌمما ظهروا خفی

فسبحان ربی الاعلی تجذب افئدة‌المخلصین من انوارها

النورا فسبحان من خلق فسوی وتولهت عقول المقدسین

عما تتنزل وتعلی فسبحان ربی الاعلی اذا ناد المناد فی

وسط الاجواٌ علی مرکز البداٌ فسبحان من خلق فسوی

فقالت و رب السماٌ نظرة‌الیها خیر عن ملک الاخرة و الاولی

ص ٦٤

فسبحان ربی الاعلی ثم قامت وقامت قیامة‌الکبری فسبحان

من خلق فسوی جلست وتزلزلت افئدة‌اولی النّهی

فسبحان ربی الاعلی ثم بعد ذلک اخرجت عن خلف

شعرها لوحا من الزبرجد الخضراٌ فسبحان من خلق

فسوی و قرئت من اللوح حرفا من رموزها الاسری اذا

خرجت الارواح عن هیاکل الاسماٌ فسبحان ربی الاعلی

ثم اشارت بانملة‌الوسطی وانعدمت الادیان من آدم الی

عیسی فسبحان من خلق فسوی وحرکت بعد ذلک

مرة‌بعداولی اذاشقت الشمس فی سماٌالقضاٌ فسبحان

من خلق فسوی ثم عرت راسهاوعلقت الجعد علی ثدی

صدرهافسبحان ربی الاعلی وظهرت صوت الله من

شعراتها فی ذکر ربه العلی الاعلی فسبحان من خلق

فسوی اذاظهرت آیة‌اللیل من جعدهاالظلماٌوآیة

النهار من جبینهاالبیضاٌفسبحان ربی الاعلی ونادت

به نداٌالقس فی فردوس اللقاٌ فسبحان من خلق

فسوی فقالت ستفتنون یا اصحاب التقی فسبحان ربی الاعلی

فستمنعون عن حرم الجمال فی کعبة‌العماٌفسبحان من

خلق فسوی هذا رقم علی لوح البقاٌمن قلم الاعلی

فسبحان ربی الاعلی و فیه حکمة من الاسرار التی لاتشهدوا

و لا تری فسبحان من خلق فسوی .

ص ٦٥

٢٧ - ساقی ازغیب بقاٌ

-----------------------

ازقصائد جمال قدم و اسم اعظم است که در مائده

آسمانی مندرج است .

٢٨ - زیارتنامه اولیاٌ

-----------------------

در بغداد از قلم جمال قدم و اسم اعظم نازل شده است

و به ترتیب حروف تهجی در آن رعایت فرموده‌اند.

پس از نشر این زیارت نامه یحیی هم به تقلید

زیارت نامه‌ی اولیاٌ بهم بافت و در آن لغات عجیبه

و مطالب غریبه مندرج ساخته است البته احباٌ اشتباه

نخواهند فرمود و کلام الهی را از کلام بشری تشخیص

خواهند داد.

٢٩ - بازآوبده جامی

--------------------

یکی ازقصائد جمال قدم واسم اعظم است که دربغداد

نازل شده و در مائده آسمانی مسطور و مندرج است.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ص ٦٦

٣٠ - لوح مبارک از باغ الهی

---------------------------

این لوح مبارک در بغداد در اواخر ایام اقامت نازل

شده است نبیل در تاریخ خود شرحی در خصوص شاٌن

نزول این لوح بیان فرموده که من در کتاب ایام تسعه

در فصل متعلق به ایام رضوان عین عبارات نبیل را

نوشته‌ام و در این مقام احتیاجی به تکرار ذکر آن نیست

آغاز این لوح مبارک اینست قوله تعالی :

ازباغ الهی با سدره ناری آن تازه غلام آمد

های های هذا جذب اللهی هذا خلع یزدانی

هذا قمیص ربانی

با ابحرحیوانی باکوثر روحانی آن رب انام آمد

های های هذا عذب سبحانی هذا لطف رحمانی

هذا طرز عذبانی

این لوح بسیار مفصل است و خاتمه آن چنین است قوله

تعالی :

...باید اطیار عرشی که قصد معارج قدسی نمایند

بوله و آهنگی تلاوت نمایند که جمیع من فی الملک را روح

قدمی و حیات ابدی و زندگی دائمی بخشند لعل

رشحات النار علی صدور الابرار قد کان باذن الله مرشوشا.

## ص ٦٧
آیاتی که دربین راه از بغداد
تا اسلامبول نازل شده است
لوح هودج
---------------
قوله تعالی :
تلک آیات ظهرت فی خدرالبقاٌوهودج القدس حین
ورود الاسم الاعظم عن شطرالسبحن فی ارض السامسون
یم (١) بحر عظیم اذا نزلت جنود وحی الله بطراز الذی
انصعقت عنها کل من فی السموات والارضین واشرقت
قدّامهم شمس الجمال فی هیکل قدس لطیف و خاطب
الفلک بما جری من قلم الله من قبل فی لوح الذی خاطبناه
فیه ملاح القدس بنداٌ حزن خفی ...ً
این لوح مبارک به لوح سامسون هم معروف است
چون جمال مبارک درآخرین روز سفر خشکی از بغداد
به اسلامبول به سامسون نزدیک شدند و در میان هودج

(١)- یم دراینجا لغت دارجه عرب است بمعنی نزدیک

ومجاور است میگویند یم البیت یعنی نزدیک خانه ...

ص ٦٨

که جالس بودند دریا را مشاهده فرمودند این لوح

درمیان هودج نازل شد تاریخ نزول آن جمادی الثانی

سال ١٢٨٠ ه.ق مطابق با آگست ١٨٦٨ میلادی

است مندرجات این لوح مبارک از اول تاآ خر همه در

باره عظمت امرالهی و قدرت و جلالت مظهر امرالله و

اظهار شوکت و جلال است. حضرت ولی امرالله در گاد

پاسزبای بیانی به این مضمون میفرمایند:

چون هیکل مبارک به بندر سامسون نزدیک شدند و از

میان هودج بحر اسود را مشاهده فرمودند بخواهش

میرزا آقا جان خادم لوحی موسوم به هودج از لسان

اطهر جاری شد دراین لوح منیع مبارک بظهور امتحانات

و فتن عظیمه اشاره فرموده اند و حوادث مندرجه در

لوح ملاح القدس تاٌکید نموده و از وقوع بلیات و امتحانات

شدیده خبر داده‌اند.(ص ١٥٧انگلیسی )

ص ٦٩

الواح نازله دراسلامبول

 ١ - لوح عبدالعزیزووکلاٌ
 ----------------------------

اصل این لوح و صورت آن در دست نیست. حضرت ولی

امرالله در لوح قرن احبای امریک در فصل وقایع اسلامبول

بیانی به این مضمون میفرمایند:

...توقیعی از قلم مبارک جمال قدم خطاب به سلطان

عبدالعزیز که خویش را فرمانفرمای مستبد و خلیفه اسلام

و سلطان مقتدر آل عثمان میشمرد صادر شده (اصل و متن

این توقیع و لوح مبارک در دست نیست.(ص ١٥٨)

و نیز در گادپاسزبای در همان فصل میفرمایند:

...بعد از صدور حکم نفی در همان روز لوحی منیع

از قلم مبارک شامل انذارات شدیده عزّ نزول یافت و

جمال قدم آن لوح را در روز بعد توسط شمسی بیگ در

پاکتی سربسته برای عالی پاشا فرستادند بشمسی بیگ

فرمودند به عالی پاشا بگوکه این خطاب از طرف خدا است

ص ٧٠

شمسی بیگ ماموریت را انجام داد و بعداً به جناب کلیم

گفته بود من نمیدانم چه مطلبی درآن نامه بود که عالی

پاشا پس از مطالعه آن رنگش تغییر کرد و گفت مثل

اینست که سلطان مقتدری به بنده زیردست خود خطاب

کرده حال عالی پاشا بقدری متغییر شد که من نتوانستم

نزد او بمانم و فورا بیرون رفتم. پس از ارسال لوح

مزبور فرمودند عبدالعزیز و وزراٌ او بعد از اطلاع به

مضمون لوح تصمیمی را که درباره ما گرفتند میتوان گفت

تا اندازه حق داشتند ولی آنچه را قبل از صدور این

لوح در حق ما مجری داشتند رفتاری ظالمانه بود بلا

بینتة و لا کتاب منیر بر حسب آنچه از گفتار نبیل زرندی

بدست میاید لوح مبارک مزبور مفصل بوده و آغازش خطاب

بسلطان عبدالعزیز بوده و اعمال او و وزراٌ او را بشدت

نکوهش فرموده‌اند و عدم لیاقت آنان را برای تصدی

آن امر خطیر تصریح کرده‌اند در آن لوح هیئت وزیران

را مخاطب ساخته و آنان را پند و اندرز داده و متذکر

داشته‌اند که به ریاست دنیا و شوٌن فانیه آن مغرور

نگردند و بجلال و عزت ظاهره که دستخوش فنا و زوال

است مسرور نشوند و اعتماد ننمایند...ًانتهی

( ص ١٦٠ گادپاسزبای انگلیسی )

ص ٧١

٢ - لوح سبحانک یاهو

---------------------

این لوح مبارک معروف به لوح ناقوس است. حضرت ولی

امرالله جل سلطانه در لوح مورخ پنجم شهرالجلال

سنه ٩٨ در جواب بدیع الله آگاه آباده‌ای میفرمایند قوله

الاهلی :

راجع به لوح ناقوس و شرح نزول آن فرمودند این

لوح در اسلامبول نازل شده بر حسب خواهش آقا محمد

علی اصفهانی بواسطه حضرت عبدالبهاٌ و این لوح شب

پنجم جمادی الاولی لیل مبعث حضرت اعلی به خط

مبارک جمالقدم مرقوم و مسطور گردیده تلاوت این لوح

در همان لیله مبارکه محبوب و مقبول. ًانتهی

نزول این لوح در اسلامبول در سال ١٢٨٠ ه.ق مطابق

١٨٦٣ میلادی بوده است .

٣ - مثنوی

--------------

از آثار مشهوره نازله از لسان اطهر منظر اکبر است که

در مدینه کبیره اسلامبول نازل شده و در آخر آن بیانی

موجود است که حاکی از سوز فراق عراق و بیت مبارک و شدت

ص ٧٢

اشتیاق به منزل رب میثاق است در کتاب بدیع که از

الواح نازله در ادرنه است به نزول مثنوی در مدینه

کبیره تصریح شده میفرمایند. قوله تعالی :

وقتی که جمال ابهی در مدینه کبیره وارد شدند چند

فردی فرموده‌اند بعضی از آن در این مقام ذکر میشود

و آن اینست :

ای صبا از پیش جانان یک زمان

خوش بران تاکوی آن زورائیان

پس بگویش کای مدینه کردگار

چون بماندی چون که رفت ازبرت یار

یار تو در حبس و زندان مبتلا

چون حسین اندرزمین کربلا

یک حسین و صدهزارانش یزید

یک حبیب و این همه دیو عنید

( کتاب بدیع خط زین المقربین طبع طهران ص ٣٠٣ )

## ص ٧٣
الواح ادرنه
حضرت ولی امرالله در لوح قرن احبای امریک در فصل وقایع
ادرنه الواحی را که از قلم جمال مبارک در این نقطه
نازل شده به دو قسم منقسم فرموده‌اند:
قسمت اول الواحی که در ادرنه قبل از حصول فصل اکبر
از قلم الهی نازل شده است (یعنی در سال ١٢٨١ -
١٢٨٠ ه.ق مطابق ٦٤-١٨٦٣ میلادی )
قسمت دوم الواحی که بعد از فصل رهیب اکبر نازل شده
است (یعنی از سال ١٢٨١ ه.ق تا ١٢٨٥ ه.ق )
مطابق ١٨٦٨ - ١٨٦٤ میلادی )
در این مقاله ضمن دو قسمت درباره بعضی الواح
نازله در ادرنه گفتگو میکنیم.
قسمت اول بعضی الواحی که قبل از فصل اکبر از قلم

## الهی نازل شده (١٢٨١ - ١٢٨٠ه . ق مطابق ٦٤ -

١٨٦٣ میلادی )

--------------- ١ - سورة‌الامر

---------------

از الواح مبارکه نازله در ادرنه است و نام آنرا حضرت

ص ٧٤

ولی امرالله درکتاب قرن بدیع درفصل وقایع ادرنه

ذکرفرموده انداین لوح دراظهارامر و عظمت ظهورالله

در سال ١٢٨١ ه . ق - ١٨٦٤ میلادی نازل شده

و یک نسخه آن را برای یحیی ازل ارسال فرمودند و حجت

الهیه بر او بالغ گردید ولی او به ظاهرسکوت کرد و چیزی

نگفت و درباطن به مخالفت قیام کرد وجمال مبارک را دعوت

نمود و چای مسموم به هیکل مبارک نوشانید وازهمین

وقت مقدمات فصل رهیب اکبر فراهم شد وجمال مبارک

مریض شدند و مدتی در بستر بودند و ابتدا دکتر

شیشمان و بعد دکتر چوپان به معالجه قیام کردند و شرح

آن درلوح قرن احبای امریک درضمن وقایع ادرنه

ذکر شده است .

٢ - لوح احمد عربی

-----------------------

این لوح مبارک برحسب تصریح حضرت ولی امرالله

در کتاب قرن بدیع درفصل وقایع ادرنه قبل ازفصل اکبر

ازقلم مبارک خطاب به احمد نازل شده است هیکل

مبارک حضرت ولی امرالله این لوح رابه انگلیسی ترجمه

فرموده اند. شرح حال احمد در کتاب محاضرات جلد

ص ٧٥

دوم به تفصیل نوشته شده است .

٣ - لوح حبیب

-----------------

ازالواح مبارکه جمال قدم است که به افتخارمیرزا حبیب الله

نازل شده مشارالیه به میرزای مراغه ای شهرت دارد واصلا

هم جناب میزاحبیب الله مراغه ای است ازشرح حالش

چندان چیزی بدست نیامد ولی درسال ١٣١٤ ه .ش

در طهران ازمتصاعدالی الله جناب میرزاتقی خان

بهین آئین قاجار متوفی بسال ١٣١٤ ه .ش که

ازمبلغین امرالله وازنفوس مخلصین بودند شنیدم که

میفرمود آن بزرگوار در دوره حضرت اعلی جل ذکره به امر

مبارک موٌمن شد و در خفا میزیست و مخصوصااز زوجه ٌ

خود که مسلمانی متعصب بودایمان خود را پنهان میساخت

حکمت میکرد قضارا روزی زوجه اش در زیر بالش او

ورقی چند میبیند و میخواند وچون به علوم ادبیه آشنا

بوده متوجه میشود که ازآثارظهوربدیع است وپنهان

از شوهر خود به تحقیق میپرداز د و تصدیق میکند ولی

به شوهر خود چیزی نمیگوید و مدتی همینطور بوده تا

عاقبت پرده از کار برمیدارد و هردو نسبت بهم آگاه

ص ٧٦

میشوند میرزا بیب الله ازعلماٌبوده ودربغدادبه

حضورمبارک جمال قدم رسیده وبه حقیقت امر آشنا

بوده وقبل ازاظهارعلنی امرمبارک به حق عارف بوده

و لوح مفصلی دارد که ازجمال مبارک جل جلاله که به

عنوان ح ب میباشد ونسبت به اواظهارعنایت میفرمایند

وبه او امرمیشود که بعضی ازنفوس غیرغافلی را که

درقزوین بوده اند وبه ازل توجه داشته اندبه آنان

ابلاغ کلمة‌الله نماید و درهمین لوح اسامی آن نفوس

را ذکرفرموده اند ازقبیل جواد و رحیم و زمان که

مقصود جواد قزوینی ناقض معروف وآقا میرزا رحیم عموی

جناب سمندرقزوینی و کربلائی زمان قزوینی است که

بعدًبه امرمبارک توجه کرد والواح بسیار دارد و مانند

ابن نبیل وحاجی ابراحیم ملقب به خلیل و همه این

نفوس متوجه به حق شدند وازمرآت ظلمانی اعراض کردند

وبه شمس حقیقت جمال قدم جل جلاله توجه نمودند در

این مقام بعضی ازآیات لوح مبارک ح . ب را مینگارم .

قوله تعالی : بسم البهی الابهی الابهی

ح ب اسمع نداٌالله من جهت

العرش بآیات مهیمن مقدم العظیم لعل تقلب بکلک الی

مولیک وتصیح بسلطان الامربین السموات والارضین ...

ص ٧٧

وانک انت تعلم ماورد علینا بمااطلعت فی سفرک بمالا

اطلع احد من العالمین لان لم یکن عندنا حین الذی

هاجرنا الی الله المهیمن العزیزالقدیر من ذی بصرالا

انت لذاالتفتت و عرفت مالا عرفه احدمن هولاٌالمدعین

(اشاره به زمان هجرت جمال قدم است ازبغداد که در

آن اوان زمزمه یحیی واتباعش بتدریج بظهورمیرسیده وملا

حبیب الله بان راز مطلع شده و به عرفان حق فائز گردیده)

و هذا من خمرالذی اختصک الله بها فاشرب ونفسک

سرا لئلا یطلع بهااحد من هولأالغافلین ثم اشکرالله

بما عرفک مالا عرفه احد من‌الخلائق اجمعین واخذیدک

بایدی القدرة و نجاک من بئرالغفلة وانه مامن الله

الاهو وانه لولی المقربین ...

این لوح بسیار مفصل و مهیمن است و جمیع آن در

باره عظمت ظهور وایرادات معرضین و مخالفین و یحیی

و پیروان وخطاب به غافلین وتحذیرآنان ازاحتجابست

و از جمله میفرمایند قوله تعالی :

ًقل یاقوم ان هذالخیرالذی وعدتم به فی التسع

و به اخذالله العهد عن کل الذرات فطوبی لمن وفت

به میثاقها قل قد ارتفعت خیام القدم وانتم یا اهل البیان

لاتحرمواانفسکم عنها ثم اسکنوا فی فنائها تالله قد اثمرت

ص ٧٨

سدرة‌البهاٌفی هذاالرضوان الذی ظهرعلی هیکل

التربیع (حسین ) فی هیئة‌التثلیث (علی ) وانتم یااهل

سفن البهاٌتقربوا بها ثم تنعموا من اثمارها قل یاقوم

اتکفرون بایات الله و تقرئون مانزل من قبلها...ثم

اعلم بان الذین هم کانوا فی هناک منهم من اعرض عن

الله و کفربایات الله ومنهم من آمن بربه وکان ممن نجی

و آمن انالذین کانوا ان یستروا وجوههم فی جلابیب

الستار خوفا من انفسهم (یحیی ازل ) اذن خرجوا من

خلف الدنان ثم اعترضوا علی هذالجمال الاطهرالاکمن ..

تلک سورة‌الاصحاب قد نزلناه بالحق و ارسلناها الیک

اتقرئها علی الذین تجل من وجوههم نضرة‌الرحمن ...)

پس ازاین درلوح مبارک اسم چند نفراز مخلصین

و مومنین را ذکر میفرمایند و بانها اظهار عنایت میفرمایند

و درهمین لوح مبارک است که راجع به معرضین واعداالله

فرموده اند .قوله تعالی :

ًتالله الحق من ینکرهذاالفضل الظاهرالباهر

المتعالی المنیرینبغی له بان یسئل عن امه حاله فسوف

یرجع الی اسفل الجحیم .ًانتهی

مطابق همین مضمون درلوح کربلائی محمدرمان قزوینی

هم میفرمایند.قوله تعالی :

ص ٧٩

قل من کان فی قلبه بغض هذاالغلام فقد دخل

الشیطان علی فراش امه کذلک نلقی علیکم القول من

هذه السدرة‌المرتفعة المتعالی المحمود. ًانتهی

(مجموعه الواح قزوین خطی متعلق به محفل روحانی

قزوین .ن )

٤ - لوح سیاح

---------------

مقصود از سیاح میرزا علی مراغهٴ معروف به آدی گوزل

است که به معنی ًنیکنامً‌است مشارالیه عالمی متبحر

بود و درآغاز امرحضرت رب اعلی موفق به تصدیق

گردید و واسطه ایصال مراسلات وعرایض مؤمنین به

ساحت اقدس وابلاغ توقیعات و اوامر مبارکه به مؤمنین

بود درقلعه طبرسی خدمت جناب قدوس مشرف بود

و پس ازخاتمه قلعه به امرمبارک حضرت اعلی برای

زیارت شهدای طبرسی به قلعه رفت و دستور مبارک را

انجام داد ومراجعت کرد بعد از شهادت حضرت اعلی

به کربلارفت و دختر شیخ حسن زنوزی راگرفت وبه

محضر جمال ابهی مشرف ومومن شد و مصائب بسیار

دید ومورد عنایات الهیه بود لوح مبارک سیاح درسال

ص ٨٠

١٢٨١ ه .ق مساوی با ١٨٦٤ میلادی به اعزاز او نازل

شده این لوح بسیارمفصل وبسیارمهم است ودرلوح

قرن احبای امریک هیکل مبارک قسمتی ازآن را نقل

فرموده اند درهنگام نفی جمالقدم واصحاب به عکا

ماٌمورین حکومتی میرزاعلی سیاح را باسه نفردیگر مؤمنین

جمالقدم همراه یحیی ازل به قبرس فرستادند سیاح از

معاریف اصحاب دورابهی است ونام او درالواح مبارکه

مکرّرنازل شده آغازلوح سیاح این طوراست قوله تعالی :

ًبسمی البهی الابهی ان یاعلی فاشهد بانی

ظهورالله فی جبروت البقاٌوبطونه فی غیب العماٌوجمال

القدم فی ملکوت البهاٌوساذج الروح فی قمیص الاعلی وکل

خلقوابامری ویطوفن فی حولی وکل بامری لمن العاملین ..ً

حضرت ولی امرالله درصفحه ١٨٤ گادپاسزبای

به این مضمون بیانی میفرمایند که برحسب اظهار نبیل

درتاریخ خود جمالقدم درسالهای اول ورود به ادرنه

درلوح سیاح اشاره به سجن عکافرموده آن را وادی النبیل

لقب دادند عدد کلمه عکا و نبیل باهم برابراست (٩٢)

و درهمین لوح سیاح درباره عظمت امرالله وسرعت نفوذ

آن میفرمایند.قوله تعالی :

ًو وجدنا قوما استقبلونا بوجوه عز دریا و هیاکل قدس

ص ٨١

احدیا وکان بایدیهم اعلام النصر و کان مکتوبا علیها من

قلم یاقوتی حمرتالله هذه لاعلام نصرالله التی کانت

بدوام الله فی ظلل هذاالاسم مرفوعا...اذن نادی

المناد فسوف یبعث الله من یدخل الناس فی ضل هذه

الاعلام .ًانتهی

٥ - سورة‌الدم

----------------

هذه سورة‌الدم قد رشحناها من بحرالغیب لیکون آیة

ظهوری بین الخلائق اجمعین هوالباقی فی العرش

باسمی البهی الابهی ان یامحمد اسمع نداٌ ربک عن

هذاالمقام الذی لن یصل الیه ایدی الممکنات ولاافئدة

الموجودات ...الخ

مخاطب این لوح جناب نبیل زرندی است وپس از

آیاتی مفصل ونصائح بسیار او را امر به تبلیغ میفرمایند

قوله تعالی :

ًوانک انت یا هدهدالسباٌاذهب بکتابی الی مدائن

الله وان یسئلک الطیورعن طیرالقدس قل انی ترکتها

حین التی کانت تحت مخالب الانکار و منسرالاشرار و ما

کان عنده من ناصرالاالله الذی خلقه و سواه وجعله

ص ٨٢

سراج جماله بین السموات والارض ان انتم توقنون وان

وجدت احدا من احبابی یسئل منی قل تالله انی

خرجت عن مدینة السجن وحین الذی کان الحسین

مطروحا علی الارض وکان رکبة الشین ًشمرً علی صدره

و یریدان یقطع راسه و کان السنان (سنان ابن انس )

واقفاتلقاٌالراس وینتظربان یرفعه علی السنان کذلک

کان الامرفی سرالسران انتم تشعرون ...ًالخ

این لوح مبارک درادرنه ًمدینة‌السجن ًنازل

شده وحضرت ولی امرالله درگادپاسزبای درفصل

وقایع ادرنه تصریح فرموده اند عمده بیانات مبارکه در

این لوح تذکربه نفوس وتنبه آنان به توجه الی الله

وایمان به مظهرامرالله است .

٦ - سورة‌الحج

----------------

قوله تعالی :

ًهذه سورة‌الحج قدنزلناها بالفضل لیستقرب

بهاالعباد الی الله ربهم ورب البیت العظیم هو

المهاجرالعزیزالبدیع تلک آیات الله قدنزلت حینئذ

عن قطب البقاٌ...ًاین لوح مبارک حاوی اعمال

ص ٨٣

حج بیت مکرم شیراز است و مخاطب آن جناب نبیل زرندی

است که به او امر میفرمایند به شیراز برود و جمیع اعمال

نازله دراین لوح مبارک رامفصل وجمیعاانجام دهد

و از هیچکس ترس وبیمی نداشته باشد واو هم میرود

امر مبارک رااطاعت میکند و جمیع اعمال را بجا میاورد

مرحوم افنان حاجی میرزاحبیب اعلائی علیه الرحمة

میفرمود نبیل به شیرازآمد و اعمال حج را بجا آورد و مردم

که میدیدند میگفتند این مرد دیوانه شده است. ولی

او به این حرف اهمیت نداد و ماٌموریت خود را انجام داد

و شرح این داستان را خود نبیل زرندی درمثنوی وصل

و هجران خود ذکر کرده است .قوله :

که ناگه به من سورهٌ‌حج رسید

که برشطرشیرازباید دوید

پی طوف بیت خدا یکدله

زشوق وشعف پوی باهروله

باداب منزول درلوح یار

شدم طائف بیت پروردگار

بشرحی که دراین مثنوی ودرسایرمواضع صریح است

لوح حج درادرنه صادر شده است ولوح حج ثانی هم

که درباره مراسم حج بیت اعظم بغداد است در ادرنه

ص ٨٤

نازل شده ودرضمن لوح اعظم نبیل زرندی راپس ازخاتمه

دوران ماموریت حج بیت شیراز امرفرمودند که به بغداد

برود و مراسم حج بیت مبارک را انجام دهد و درهمان

لوح است که سعی کند ندای الهی را بشنود. حضرت

ولی امرالله درگاد پاسزبای صفحه ١٧٧- ١٧٦ درباره

این ماموریت نبیل زرندی فرموده اند ومیفرمایند که نبیل

امرمبارک را انجام داد و...خودنبیل زرندی درمثنوی

هجر و وصال خود میگوید که چون لوح مبارک اعظم که حاوی

مراسم بیت وحج است رسید رفتم واعمال را بجا آوردم و

ندای الهی رااستماع نمودم قوله ره :

ازآنجا چوراجع شدم باسرور

شدازلوح اعظم دلم پر زنور

که باید سوی بیت اعظم روی

به بغدادش از شوق طائف شوی

چو واردشوی بر سرای حرم

نیوشی ز هر نغمه ام لاجرم

اگرنشنوی نیست بهرت گزیر

عمل رابه اخلاص از سربگیر

بحول الله از سدره ارتفاع

بظاهر شد آواز شه استماع

ص ٨٥

بشکرانه ساجد شدم بهر دوست

که این‌فضل هم‌ازعنایات اوست

بهرجابجسم وجسد حاضر است

به اعمال هرعاملی ناظراست

وزآنجاشدم عازم ارض سر

که فائزشوم زود بر کل بر...

دربیت مبارک شیرازسوره حج به خط مرحوم عندلیب

لاهیجانی شاعرمعروف موجوداست که درحین زیارت

بیت مبارک تلاوت میشود.بیت مبارک بغدادهم عجالة

در تصرف امر نیست .

٧ - لوح الروح

---------------

قوله تعالی :

هذالوح الروح قدنزل بالحق وجعله الله

روحا حیا حیوانالیحیی به افئدة‌العالمین هوالباقی

ببقاٌنفسی المهیمن القیوم لان نفسی نفسه لوانتم

تشعرون فسبحان الذی فی قبضة‌ملکوت ملک الایات ...

دراول ذکرعلی را فرموده اند و او را ازفریب شیاطین

و مخالفین بیان برحذر داشته اندًان یا قلم القدم

ص ٨٦

ذکرالعلی بما القی الشیطان فی صدورالذین هم

اعترضوا علی الله ...ًومغرضین بیان رابه خطابات

شدیده مخاطب فرموده اند ومکرر علی را مخاطب

داشته اند این لوح درادرنه نازل شده زیرادرآن به

صراحت ذکرفرموده‌اند که مخالفین یعنی یحیی واتباعش

فتوای قتل جمال قدم داده اند و اقدام کردند و چون

موفق نشدند شهرت دادند که جمال قدم میخواستند

یحیی رامسموم کنند وعمل خود را به حق نسبت دادند

واین امور کلا درادرنه بوقوع پیوسته است قوله تعالی :

ان یاعلی انک اطلعت فی سفرک هذا بما ورد علی

وسمعت مقالات المشرکین فی حقی وکنت من الشاهدین

الی ان قاموا علی وافتوا علی قتلی بعدالذی بقیامی

بین السموات والعرض ظهر امرالله و ارتفع ذکره بین

العالمین وبذکری رفع ذکر هولاٌوعلت اسمائهم واشتهرت

آثارهم بین الخائفین انا کنانحفظهم من ضرالذین

ارادوا قفلهم من ملل العرض وجعلنا اهلی خدماٌلانفسهم

فی کل ساعة وفی کل حین وهم اشتغلوا فی سرالسر

علی المکر فی امری وکانوا ان یوسوسوا فی صدورالذین

مرت علی قلوبهم نسائم الرحمن من هذاالرضوان الذی

خلقت فی ظل ورقة منها جنات عزمنیع الی ان قاموا علی

ص ٨٧

قتلی وانا عفونا عنهم بعد قدرتی وسترت عنهم بعد

سلطانی وتجاوزت بحلمی وانا المقتدرعلی ما اشاٌ

واناالعزیزالکریم المتعالی الغفورالرحیم ومع ما

اطلعت بکل ذلک سوف تشهد بانهم ینسبون کل ذلک

ومافعل بی بنفسه بحیث ینسب الظالم ...(یحیی )

نفسه الی المظلومیة الصرفه اذن انت تطلع یکذبهم و

تعرف ابتلائی فی عشرین من السنین .

این وقایع درادرنه بوده وسال بیست هم همان ایام

توقف هیکل مبارک در ادرنه بوده است و نیز مسئله ای

که شاهد نزول این لوح درادرنه است این است که میفرمایند

من در خانه ای تنها و غریب هستم و کسی بامن نیست

حتی یک روزیکی ازمعاریف بدیدن من آمد خودم دررا

بروی او باز کردم زیرا کسی نبود کدمت کندوازاو

پذیرائی نماید واین مسئله بعدازقضیه اقدام به قتل

جمال قدم جل جلاله ازطرف یحیی بوقوع پیوست وهیکل

مبارک ازبیت خارج شدند ودربیتی وحده ساکن شدند

و در را بروی خودبستند اینک عین بیانات الهیه دراین

لوح مبارک .قوله تعالی :

ًان یاعلی قد اشتدعلی الامرعلی شان ضیعت

حرمتی بین الناس لعل یرفع بذلک ایادی البغضاٌعن

ص ٨٨

راٌسی ولوانهم مایرضون بشیئی الابان یسفکوادمی علی

الارض ویحمربه غذائرالحوریات (گیسوان حور) علی

غرفات قدس منیع وبلغت فی الذلة‌الی مقام الذی جلست

فی البیت وحیدا فریدا و ترا بحیث اراد رئیس المدینة

ان یحضربین یدی الغلام وجدالباب مغلوقة و اذا فتحنا

الباب علی وجهه ماکان عندنامن احد لیخدمه وبذلک

بکت الاشیاٌکلها و تقطعت اکبادالمقربین ...ً

و نیز از ادرنه که این لوح در اینجا نازل شده

چنین تعبیرفرموده اند:

ًالذی قاموا علی قتلی فی هذاالایام التی قامت

علی کل الملل وحبسونی فی هذالارض العظلم البعیدً

وبعدازذکرمصائب وبلیات خودبیانی موٌثر

وحزن انگیزشروع به مناجات فرموده ومناجات مفصلی

دراین لوح نازل فرموده اند و شرح مصائب وارده خود

را در آن یکایک بلحن مناجات ذکرفرموده اند...وبعد

از مناجات خطاب به احباٌبیانات مفصله نازل شده تا

میرسد به اینجاکه میفرمایند قوله تعالی :

ًثم اعلم یاعلی بان حضربین یدی الله کتاب من

احدمن اهل القاف (قزوین )الذی توقف فیهذاالامر

من قبل وسئل فیه عن شاٌنی وانااجبناه فی هذااللوح

ص ٨٩

بکلمات التی تستجذب منهاافئدة‌المقربین ...الخ

مقصودازاین شخص قزوینی حاجی ابراهیم قزوینی است

که درباره مقام جمال قدم جل جلاله وابناٌودرباره

فطرت سوٌال کرد ولوح معروف به لوح ابناٌدرجوابش

صادرشدوقسمتی ازآن راحضرت ولی امرالله جل

سلطانه درگلی نینگزبه انگلیسی ترجمه فرموده اندو

بعدا حاجی ابراحیم موٌمن شد و مخلص وملقب به خلیل

گردید و مشرف شد و مورد عنایت بود و در دوره میثاق

هم ثابت بود والواح بسیارازحق منیع ومرکز میثاق جل

ثنائه دارد که الان درمقابل این عبد موجود است و

اخلافش امروز درطهران درظل امرالله هستند...

بعد دراین لوح الروح جواب سوٌال علی مخاطب لوح

را داده اند که ازمقام صاحب امرسوٌال کرده است

بعدااشاره به اعراض مردم از مظاهر امرالله ازآدم تا

خاتم فرموده وتادوره حضرت اعلی وحضرت بهاٌالله را

ذکر میفرمایند و عظمت مقام صاحب امررا مفصلا بیان

میفرمایند و پس ازبیان طولانی لوح مبارک به پایان

میرسد این لوح مبارک شامل رموز و اسرار و حقایقی است

که شرح آن به لسان وقلم بشرضعیف ممکن نیست باید

احباٌخودشان لوح مبارک را بخوانند و بفهمند و شکر

ص ٩٠

جمال قدم جل جلاله را در مقابل این همه نعم وآلاٌ

روحانیهوموائدسماویه که به خلق خودعنایت فرموده

است بجای آورند .

قسمت دوم

------------

الواحی که پس ازحصول فصل اکبر

درادرنه نازل شده (١٢٨٥-١٢٨٢

ه .ق مطابق ١٨٦٤میلادی )

بعضی ازآن الواح ذکرمیشود

 ٨ - سوره ملوک
 ----------------

حضرت ولی امرالله درگادپاسزبای میفرمایند(صفحه

١٧٢-١٧١) بیانی به این مضمون :

ًمهمترین آثارعظیمه صادره ازقلم جمال مبارک

که درادرنه بعد از حصول فصل اکبرنازل شده سوره

ملوک است هیکل مبارک دراین لوح عظیم برای اولین

بار روٌسا و بزرگان وسلاطین روی زمین را در شرق

و غرب مخاطب قرارداده اند بطور عموم وعلاوه براین

پادشاه عثمانی و وزرای آن مملکت وسلاطین مسیحی

ص ٩١

ونمایندگان سیاسی فرانسه وایران را که دراسلامبول

پایتخت عثمانیان مقیم بوده اند و پس ازآن مشایخ وحکام

وایرانیان ومردم ساکن مدینه اسلامبول وفلاسفه جهان

را هر یک بخطابی خاص مخاطب داشته اند و نیز در گاد

پاسزبای بیانی به این مضمون میفرمایند:(ص ١٧٢)

ًجمال قدم درسوره ملوک امرالله را به سلاطین

و بزرگان عالم ابلاغ فرمودند وآنان رابه اطاعت از دین

الله دعوت نمودند حقانیت دعوت وامر مقدس حضرت

باب رااثبات فرمودند و بزرگان وامرای عالم رااز عدم اقبال

به امر عظیم الهی سرزنش کرده وبه آنهانصیحت فرموده اند

که راه عدالت درپیش گیرند و به اصلاح امور همت گمارند

و از اختلاف ممانعت نمایند مصارف جنگ وستیز را تقلیل

دهند وازتجهیزات عسکریه بکاهند سپس شرحی از

مصائب خود را بیان میفرمایند و زمامداران رابه رعایت

حال فقرا متوجه میسازند ومیفرمایند اگر به نصیحت وپند

و اندرز خالصانه الهی اهمیت ندهند و غفلت کنند عذاب

خداوند از جمیع جهات آنان را احاطه خواهد کرد قوله

تعالی :

ًان لن تستنصحوا بماانصحناکم فی هذاالکتاب بلسان

بدیع مبین یاخذکم العذاب من کل الجهات ...ً

ص ٩٢

درباره ارتفاع امرالله و نزول نصرت الهی میفرمایند قوله

تعالی :

ًانا کتبنا علی نفسنانصرک فی الملک وارتفاع امرنا

ولولن یتوجه الیک احدمن السلاطین .ً

پادشاهان مسیحی رانیزدراین لوح مبارک بواسطه

عدم توجه و اقبال به امرالله مورد سرزنش وملامت قرار

داده میفرمایند:قوله تعالی :

ًفاذا جاٌروح الحق ...ماتوجهتم الیه وانتم

بلعب انفسکم لمن اللاعبین ...وکنتم فی وادی الشهوات

لمن المتحیرین فوالله انتم وماعندکم ستفنی وترجعون

الی الله وتسئلون عمااکتسبتم فی ایامکم فی مقرالذی

تحشرفیه الخلائق اجمعین .ً

همچنین دراین لوح خطاب به سلطان عبدالعزیزمیفرمایند:

ًاسمع قول من ..کان علی قسطاس حق مستقیم ...

وبه او نصیحت میفرمایند که دراموربشخصه اقدام نماید

وبه وزیران بی لیاقت اعتماد نکند وبه ثروت وشکوه

وشوکت دنیامغرورنشود درهرکاری طریق اعتدال را در

پیش گیرد و درًمناهج عدل قویم ًقدم بردارد و همچنین

دراین لوح شرح مصائب و بلایا و سرگونی خود رااز مدینه

کبیره به ادرنه وتسلیم ورضای خویش رادرقبال اراده

ص ٩٣

خدا واطاعت وانقیاد خود را از اوامر سلطان و وزراٌتشریح

فرموده وبیان کرده اند و درآخر مقال درباره او دعا

فرموده‌اند که به عرفان حق واجرای اوامر واحکام الهیه

موفق شود.

و نیز در گادپاسزبای میفرمایند(ص ١٧٥-١٧٤)بیانی

به این مضمون ًقلم اعلی درسوره ملوک رفتار و کردار

وزرای سلطان رامورد ملامت قرارداده وآنان رابه ترک

پیروی نفس وهوی واطاعت ازاوامر خدا نصیحت میکنند

وآنان را انذار میفرمایند که بزودی جزای اعمال خود را

خواهند دید وآنان راازظلم وجورتحذیر و به عدل

وانصاف ترغیب مینمایند و درپایان گفتار حقانیت امرالله

ومظلومیت مظهرامرالهی راثابت ومدلل میسازند در

همین لوح منیع سفیرپاریس را که مقیم اسلامبول بود

مخاطب ساخته اند میفرمایند که توباسفیرایران در مخالفت

امرحضرت رحمن همداستان شدی فرمایش حضرت مسیح

را که درانجیل وارد شده به او متذکر میشوند و میفرمایند

که درنزد خدا و درپیشگاه عدالت الهی ازاعمالی که

مرتکب شده بازخواست خواهی شد ومسئول وموٌاخذ

خواهی بود و میفرمایند مبادا رفتاری را که نسبت به من

کردید بادیگری بنمائید.قوله تعالی :

ص ٩٤

ًایاکم ان تفعلوا باحدکما فعلتم بناًونیزدرهمین

لوح منیع سفیرایران رامخاطب قرارداده اند و خبث

طینت وافکارنالایقه او را آشکارفرموده اند و بااینهمه

سوگند یاد فرموده اند که ازاو به هیچوجه بغض وکینه ئی

دردل ندارند بقوله تعالی :

ًفوالله لم یکن فی قلبی بغضک ولابغض احدمن

الناس .ً وپس ازآن خطاب به او میفرمایندًلوتطلع

بمافعلت لتبکی علی نفسک ًوبعد میفرمایند که این

غفلت وبی خبری تو تاآخرعمر باقی خواهد ماند وبعد

شرحی درباره گرفتاری های درطهران وعراق وبد

جنسی و خبث نیت قونسول ایران دربغداد (میرزابزرگ

خان قزوینی ) و همدستی وکمک سفیرباکنسول مزبور

بیاناتی فرموده اند.

و درهمین لوح جمالمبارک مشایخ و روٌسای اهل سنت را

در اسلامبول مخاطب قرارداده اند میفرمایند شما به

واسطه اعراض ازحق ازحیات معنویه محروم هستید و

غرور و نخوت شمارا از عرفان الهی بی نصیب کرده وآنان

را به عظمت امرالله متذکر میدارند و میفرمایند که اگر

پیشوایان وائمه شما در این روز خاضع بودندًلیطوفن

حولی ولن یفارقنی فی کل عشی وبکور."به مشایخ مدینه

ص ٩٥

کبیره میفرمایند که شما از عابدین اسماٌهستید و طالب

دنیا و ریاست میباشید و بااین حال هیچ عملی ازشما

درپیشگاه قدس خداوندی مقبول نخواهدبود والا بان

تجدد واعند هذاالعبدان انتم تشعرون ."

حکمای مدینه کبیره وفلاسفه ارض دراین لوح مبارک

درآخرمخاطب قرارگرفته اندبه آنهانصیحت میفرمایند

که ازعلوم ظاهره دچارغرورنشوید و ازبحرعلم لایزالی

خودرامحروم مسازید. جمالقدم دراین مقام حقیقت

حکمت راتشریح میفرمایند ومراتب ایمان واعمال حسنه

و کردار پسندیده واخلاق مرضیه رابیان میکنند و به

واسطه آنکه این نفوس از عرفان اصل و منبع حکمت و علم

محروم مانده اند واو را نشناخته اند آنان راملامت

میفرمایند وبه آنان خطاب میفرمایند که "اوصیکم فی آخر

القول بان لا یتجاوزوا عن حدودالله ولاتلتفتواالی قواعد

الناس وعاداتهم "وهمچنین دراین لوح مبارک به ملاٌ

مدینه خطاب فرموده اند بقوله تعالی :

"انامانخاف مناحدالاالله وحده ...ولانقول

الا ماامرت ومانتبع الاالحق بحول الله وقوته ."

درباره غفلت وانهماک پیشوایان و روٌسا درشئون

نفسانیه میفرمایند" فلما وردناالمدینة (اسلامبول )

ص ٩٦

وجدنا روٌسائها کالاطفال الذین یجتمعون علی الطین

لیلعبوابه و ماوجدنا منهم من بالغ لنعلمه ماعلمنی الله "

به مردم نصیحت میفرمایند که اوامرالهی رااطاعت کنند

و از عناد باحق و دوستان حق پرهیزنمایند سپس

درباره حضرت سیدالشهداٌومصائب ومظلومیت آن بزرگوار

آیاتی میفرمایند و مقامات عالیه آن حضرت راستایش

مینمایند واز درگاه خداوند فوز به چنین مقام شهادت

و فداگاری را درسبیل الهی مسئلت مینمایند و میفرمایند

بزودی نفوس مخلصه فداکار مبعوث خواهند شد که

بیاد بلایا و مصائب حق دراین ایام بیفتند و برای

احقاق حق مظلومان قیام نمایند و سپس بنفوس غافل

تاٌکید میفرمایند که آیات الهیه را با گوش جان بشنوند

و بسوی خدا توبه و انابه نمایند ملاٌاعجام رانیزدر

این لوح مخاطب فرموده ونصیحت مینمایندبقوله تعالی :

"اعلموایاملاٌالاعجام بانکم لوتقتلونی یقوم الله احدا

مقامی ...اتریدون ان تطفئوا نوراله فی ارضه ابی الله

الا ان یتم نوره ولو انتم تکرهوه فی انفسکم ..."

(ص ١٧٥-١٧٤)

ص ٩٧

٩- کتاب بدیع

--------------

این لوح درسال ١٢٨٣ ه.ق در ادرنه بعد از فصل

رهیب اکبر در جواب شبهات یکی ازمعرضین بیان که

مقیم اسلامبول بودازلسان اطهربنام آقامحمدعلی

تنباکوفروش اصفهانی نازل شده .حضرت ولی امرالله

درفصل ادرنه و وقایع آن درکتاب قرن بدیع ص ١٧٢

بیانی به این مضمون میفرمایند:

"ازجمله آثارمهمه صادره ازقلم جمالمبارک کتاب بدیع

است که در رد مفتریات واعتراضات میرزا مهدی رشتی

و جواب اعتراضات اهل بیان نازل شده و مانند کتاب

ایقان که دراثبات دعوت الهیه حضرت باب ازقلم

مبارک نازل شده دارای اهمیت ومقام عظیم است .

١٠ - لوح اول ناپلئون سوم

------------------------

در گادپاسزبای ص ١ باین مضمون بیانی فرموده اند

"دیگرلوح اول امپراطور فرانسه ناپلئون سوم است که در

آن لوح مبارک اظهارات وبیانات امپراطور را در مقام

آزمایش درآورده اند و درصفحه ١٧٣باین مضمون

ص ٩٨

میفرمایند:

"لوحی مخصوص ناپلئون سوم امپراطورفرانسه در

ادرنه ازقلم مبارک نازل شده وبواسطه سفیرآن دولت

برای ناپلئون ارسال گردید درآن لوح فرموده اند که در

محاربه روس ما شنیدیم تو گفته ای که مظلومان راحمایت

میکنی وازحقوق بی پناهان دفاع مینمائی لهذا در

مقام آزمایش برآمدیم وبه اوخطاب نمودیم که مظهرحق

واولیای او بانهایت مظلومیت دچارستمکاران هستند

وقت آن است که به قول خود وفا کنی واز اینمظلومان

دفاع کنی وآنان راازچنگال ظالمین برهانی ...انتهی

لوح اول ناپلئون سوم درسال ١٢٨٣ ه.ق

مساوی با ١٨٦٦ میلادی درادرنه نازل شده حضرت

ولی امرالله درتوقیع منیع روزموعودفرارسید دربارهٌ

ناپلئون سوم والواح منیعه صادره ازقلم اعلی خطاب

به اوبیانی مفصل فرموده اند و دراینجا مجمل و خلاصه ای

کوتاه ازمضمون فرموده مبارک رانقل میکنیم (ص ٥٤ببعد)

درزمانی که حضرت بهاٌالله درادرنه خطاب به ملوک وسلاطین

جهان سوره ملوک رانازل وابلاغ فرمودندازهمه سلاطین

روی زمین امپراطور فرانسه عظیمتر و مهمتربود ناپلئون

سوم پسرلویزبناپارت برادرناپلئون اول مهمترین سلاطین

ص ٩٩

غرب محسوب میشد وپایتخت فرانسه مهمترین عواصم اروپا

شمرده شده و دربارفرانسه درخشانترین و پر ارایشترین

دربارهای قرن هیجدهم بود وارث تاج وتخت ناپلئون

کبیرابتدا درتصرف مقام سلطنت دچار شکست شد و

مجبوربخروج ازفرانسه گردید وبه آمریکا سفرکرد و پس

ازگرفتاری خلاصی یافته به لندن عزیمت نمودتاآنکه

به سال ١٨٤٨ وسائ مراجعت اوبه فرانسه فراهم آمد

و بعداز وقایعی خود را بنام ناپلئون سوم امپراطورفرانسه

خواند...زندانی عکاکه بحکم سلطان عبدالعزیزمحبوس

شده بودازپشت دیوارهای قشله عسکریه که درآن

محبوس بود صدای خودرابه چنین مردمغروری مانند

ناپلئون سوم رسانید وبه اوخطاب فرموده که قوله تعالی

"نشهدانه ماایقظک النداٌ"(یعنی فریاد و

فغان ترکهائی که دربحراسود غرق شده بودند) بل

الهوی لانابلوناک وجدناک فی معزل ...ولوکنت صاحب

الکلمة ما نبذت کتاب الله وراٌظهرک (لوح اول ناپلئون

سوم )اذارسل الیک من لدن عزیزحکیم ...بمافعلت

تختلف الامورفی مملکتک ویخرج الملک من کفک جزاٌعملک

(لوح اول ناپلئون که ازقلم جمال قدم خطاب به ناپلئون

نازل شده بود توسط یکی ازوزرای فرنسه به امپراطور

ص ١٠٠

داده شد حضرت بهاٌالله درلوح ابن الذئب دراین

خصوص میفرمایند قولة‌تعالی :

"لوحی به او ارسال نمودیم جواب نفرمودند (لوح اول )

و بعداز ورود درسجن اعظم از وزیرایشان نامه ودستخطی

رسیداول آن به خط عجمی وآخرآن به خط خودشان

مرقوم داشته بودند واظهارعنایت فرموده بودند ومذکور

داشتند که نامه را حسب خواهش رساندم والی حین

جوابی نفرموده اند ولکن به وزیر مختار خودمان درعلیه

وقونسولوس آن اراضی سفارش نمودیم هرمطلبی باشد

اظهارفرمائیداجراٌمیگردد ازاین بیان ایشان معلوم

شد مقصوداین عبدرااصلاح امورظاهره دانسته اند.."

حضرت بهاٌالله درلوح اول به اوچنین فرمودند

قوله تعالی :

"اناسمعنامنک کلمة‌تکلمت بها ؟؟ سألک ملک الروس

عماقضی من حکم الغزا(جنگ کیمه )..."

گویندوقتی که لوح اول جمال قدم به ناپلئون

سوم رسیدآن سلطان مغرورلوح الهی رادورانداخت

وگفت ."اگراین شخص خداست من دوخداهستم "ترجمه

لوح ثانی نیزبرای او ارسال شد حامل آن لوح در حین

عبوراز درب سجن آن را در کلاه خود پنهان کرد تااز گزند

ص ١٠١

سربازان محفوظ ماند وآن رابه قونسول فرانسه که در

عکااقامت داشت تسلیم نمود نبیل زرندی درتاریخ خود

میگوید این لوح به لغت فرانسه ترجمه شد وبرای امپراطور

فرستادند قونسول فرانسه درعکاپس ازمشاهده ظهور

انذارات الهیه درآن لوح درباره ناپلئون سوم به امر

مبارک اقبال نمود آنچه را حضرت بهاٌالله درلوح دوم

انذارفرموده بودند همه تحقق یافت و دستگاه امپراطوری

ناپلئون بهم پیچیده شد درجنگ سدان درسال ١٨٧٠

دوره امپراطوری فرانسه خاتمه یافت وپس ازانقلاب جمهوریت

اعلان شد ناپلئون سوم محبوس گردید و یگانه پسر

ناپلئون سوم چندسال بعد در جنگ زولوس به قتل

رسید...ویلهلم اول پادشاه پروس امپراطورآلمان

گردید و درهمان قصری که نماینده قدرت ویادگارعظمت

دوران سلطنت لوئی چهاردهم بودتاج گذاری کرد آری

دوره عظمت فرانسه وناپلئون سوم خاتمه یافت ...

در دائرة‌المعارف بریتانیا میگوید که ناپلئون سوم مسمی

به چارلس فرزند هورتلس دختر ژوزفین زن مطلقه ناپلئون

اول و لوئی بناپارت برادر ناپلئون اول بود چارلس به

ناپلئون سوم مشهورشد مشارالیه ابتدا بریاست جمهور

فرانسه منصوب شد ودر دوم دسامبر ١٨٥٢ خود را امپراطور

ص ١٠٢

فرانسه نامید ودرسال ١٨٧٠ با پروس جنگ کرد واسیر

بیسمارک گردید ودرنزدیک لندن درچیزل هورست

محبوس شد وعاقبت در ١٨٧٣ وفات یافت .

 ١١ - لوح سلطان ایران
 ---------------------

این لوح درادرنه به سال ١٢٨٤ ه . ق ١٨٦٧ میلادی

نازل شده ومخاطب آن ناصرالدین شاه قاجاراست که

پس ازپدرش محمدشاه قاجار که نسبت به هیکل مبارک

حضرت رب اعلی آن ظلم شدید را روا داشت و درسال

١٢٦٤ ه . ق به مرض نقرس درگذشت بجای پدر

به تخت سلطنت نشست و مظالم شدیده نسبت به مظهر

امرالله مرتکب شد وبسیاری ازاحبای الهی رااز دم تیغ

وشمشیر گذرانید وپس از ٤٩ سال سلطنت در اوقاتی

که میخواست جشن پنجاهمین سال پادشاهی خود را

منعقد سازد به ضرب گلوله میرزا رضای کرمانی ازپیروان

سید جمال الدین افغانی درحرم حضرت عبدالعظیم

که در ری زیارتگاه مسلمین است ازپا درآمد بسال

١٣١٣ ه . ق و درهمان جا مدفون شد.

حضرت ولی امرالله درگاد پاسزبای صفحه ١٧٣ - ١٧٤

ص ١٠٣

درفصل وقایع ادرنه درباره نزول لوح مبارک خطاب

به مشارالیه بیانی به این مضمون میفرمایند.

ازقلم مبارک جمالقدم خطاب به ناصرالدین شاه لوحی

نازل شد که ازسایرالواح خطاب به سلاطین جهان

مفصلتراست دراین لوح منیع مصائب وبلیات وارده بر

هیکل اطهررا به تفصیل بیان فرموده اند و متذکر

شده اند که درحین توجه به عراق پس از خلاصی از

حبس طهران بی گناهی وجود مبارک درمحضرسلطان

ثابت شد اورا سوگند میدهند که نسبت به مردم بعدل

وانصاف رفتارکند ومیفرمایند که من به اراده الهیه

ومشیت ربانیه برای ابلاغ کلمة‌الله قیام نموده ام وازمحبت

خالصی که بتودارم تورا نصیحت میکنم ودراین لوح

میفرمایند که من به یگانگی خداوند جهان و حقانیت

انبیاٌومرسلین اقرار و اعتراف دارم وچند موضع به

لسان مناجات درباره شاه دعا کرده اند وحسن رفتار

و کردار خود را درعراق به او گوشزد فرموده اند وبه

نفوذ وسرعت تقدم امرالله اشاره کرده اند نزاع و جدال

و جنگ وستیز را مذموم شمرده اند و از شاه ایران

خواسته اند که برای اتمام حجت علمای عصر را مجتمع سازد

تا در محضر آنان اتمام حجت فرمایند بقوله تعالی :

ص ١٠٤

ایکاش راٌی جهان آرای پادشاهی برآن قرارمیگرفت

که این عبد باعلمای عصرمجتمع میشد ودر حضور حضرت

سلطان اتیان حجت و برهان مینمود.ً

دراین لوح مبارک ذکرفرموده اند که چگونه

پیشوایان دین دراین دور مبارک و در زمان ظهور

حضرت مسیح و ظهور حضرت خاتم انبیاٌدچار غفلت

شدند وبه این بیان مبارک اشاره به مصائب وبلایای

وارده از طرف اعداٌ و مخالفین میفرمایند قوله تعالی :

ًالبته این بلایارا رحمت کبر ی ازپس واین شدائد

عظمی را رخاٌ عظیم ازعقب .ً

مصائب وارده بر اهل بیت خود را با بلایای نازله بر

خاندان رسالت مقایسه وتشبیه میفرمایند وبه بی وفائی

دنیاو شون آن تصریح میکنند شهری را که بالاخره

محل نفی وحبس حضرتش خواهد بود (عکا) توصیف

میفرمایند و از عاقبت زشت وخسران علماٌخبرمیدهند و

بالاخره تائید سلطان را از خدا مسئلت میکنند و دعا

میفرمایند که خدا او راًناصرالامره وناظرا الی عدله

بدارد (ص ١٧٤ - ١٨٣)

و نیز درصفحه ١٧٢ گاد پاسزبای به این مضمون

بیانی فرموده اند که لوح دیگر خطاب به سلطان ایران

ص ١٠٥

است که لوح مفصلی است و مخاطب آن ناصرالدین شاه

میباشد . دراین لوح مبارک اصول تعالیم امرالله را

تفصیل داده اند وبرای اثبات حقانیت ظهورمبارک

اقامه براهین ودلائل فرموده اند .ً انتهی

حامل لوح سلطان ایران جوانی هفده ساله ازاهل

نیشابورخراسان بود که درسال ١٢٨٦ ه . ق درعکا

به حضور مبارک مشرف شد و مورد عنایات لاتحصی گردید

و لوح سلطان رابه او مرحمت فرمودند که به طهران

برود و با دست خود لوح را به ناصرالدین شاه بدهد

این جوان که درالواح مبارکه به بدیع ملقب شده ماٌموریت

خود رابه خوبی انجام داد و درهمان حال درشکارگاه

شاه به امر او به مقام شهادت کبری رسید.

حضرت ولی امرالله درگاد پاسزبای صفحه ١٩٩

به این مضمون بیانی فرموده اند :

ًازجمله شهیدان معروف امر مبارک آقابزرگ خراسانی

است که جمال قدم اورا به لقب بدیع و فخرالشهداٌ

سرافرازفرموده اند . نبیل زرندی این جوانرا تبلیغ

کرد وی درسال دوم سجن (١٢٨٦ ه . ق درسن

هفده در قشله عسکریه به حضور جمال قدم مشرف شد بنا

بانچه درالواح مبارکه جمال مبارک نازل شده هیکل

ص ١٠٦

مبارک دربدیع روح قدرت واطمینان دمید وخلق

جدید یافت بدیع باکمال انقطاع حامل لوح سلطان شد

وپیاده وتنهابه طهران شتافت چهارماه درراه بود

و سه روز درحال صیام و توجه گذرانید تا شاه را در

شکارگاه از دور دید وعاقبت به حضورسلطان رسید و او را

به خطاب ًیا سلطان قد جئتک من سبابنباٌ عظیم ً

مخاطب ساخت شاه فرمان داد لوح را ازاو گرفتند و

به علمای طهران دادند تا جوابی به آن بنویسند علماٌ

در جواب تعلل کردند وبدیع را محکوم به قتل ساختند

حسب الامر شاه عوانان بدیع را سه شبانه روز شکنجه

و آزار کردند و داغ ودرفش نمودند و عاقبت با ضربه

قنداق تفنگ که بر سرش زدند اورا به شهادت رسانیدند

وبدنش را درگودالی افکنده بسنگ و خاک انباشتند شاه

لوح مبارک را نزد سفیر خود به اسلامبول فرستاد تا آنرا

برای وزیران خلیفه عثمانی بفرستد وبه این وسیله وسائل

جدیدی برای تشدید و گرفتاری و حبس جمال قدم

فراهم آورد تا سه سال بعدازشهادت بدیع ذکر انقطاع

و فداکاری او ازقلم مبارک جمال مبارک در الواح مقدسه

نازل میشد وهیکل مبارک فرموده اند که ذکر جانبازی

وفداکاری بدیع نمک الواح است .انتهی

ص ١٠٧

حضرت ولی امرالله درلوح مبارک ًروزموعودرسیدً

شرحی مفصل درباره سقوط قاجاریه ومظالم ناصرالدین

شاه وعاقبت حال او بیان فرموده‌اند که ازصفحه ٧٢ تا

٧٨ درلوح مزبور طبع هند میتوان یافت .

ناصرالدین شاه پسر محمد شاه قاجار (متوفی در ١٢٦٤

ه . ق ) است مادر ناصرالدین شاه خواهر یحیی خان

کرد بود تولدناصرالدین شاه درسال ١٢٤٥ ه . ق است

و از سال ١٢٦٤ ه . ق تاسال ١٣١٣ ه . ق تا

سال (١٨٤٨ - ١٨٩٦) سلطنت کرد و در هفدهم

ذی القعده ١٣١٣ ه . ق دربقعه شاهزاده عبدالعظیم

در ری بدست میرزا رضای کرمانی هدف گلوله شد و

قبرش در جوار حضرت عبدالعظیم معروف است . درصفحه

٢٢٥ گادپاسزبای راجع به سقوط قاجاریه مفصلا بیان

فرموده اند.

١٢ - سوره غصن

----------------

ازالواح صادره در ادرنه است .حضرت ولی امرالله در

گاد پاسزبای (کتاب قرن بدیع ) درفصل وقایع ادرنه

بیانی به این مضمون میفرمایند.ًدرهمین اوقات بودکه

ص ١٠٨

سوره غصن ازقلم مقدس جمال قدم نازل گردیده جمال

مبارک دراین لوح مقدس مقام حضرت عبدالبهاٌرا مشخص

فرموده اند و از آن وجود مبارک به القاب شامخه غصن

القدس و غصن الامر و ودیعة‌الله تعبیرنموده اند ومیفرمایند

قوله تعالی :

انا قد بعثناه علی هیکل‌الانسان ..ً این مقام عظیم

که درباره حضرت عبدالبهاٌ درسوره غصن نازل شد

بعداًدر کتاب اقدس و کتاب عهدی تائید و تاٌکید

شدً (درصفحه ١٧٧ انگلیسی )

سوره غصن بسیارمفصل است و به اعزاز میرزا

علی رضا مستوفی سبزواری که الواح بسیار به افتخارش

ازقلم جمال مبارک نازل شده است صادر گردیده مشارالیه

مستوفی خراسان در دوره ناصرالدین شاه بود برادرش

میرزامحمدرضای سبزواری وزیرخراسان هم بود ومقام

مهمی داشت وآثارخیریه اوهنوز درراه بین سبزوار

و مشهد باقی است این دو برادر توسط جناب باب

الباب درخراسان به امر حضرت رب اعلی موٌمن وسپس

به ظهور مقدس جمال ابهی موٌمن شدند میرزا محمد

رضا ملقب به موٌتمن السلطنه شباهتی به جمالقدم داشت

و درلوح او به این مطلب اشاره فرموده و او را به خطاب

ص ١٠٩

مستطاب ًیامن تشبه بهیکلی ً سر افراز داشته اند

میرزا علی رضا درجوار حرم حضرت رضا ع مدفون وقبرش

معلوم است .جناب نبیل اکبرآقا محمد قاینی مثنوی

مخصوصی خطاب به میرزا محمد رضای وزیر به رشته نظم

کشیده است ونسخه آن درنزد اعقاب نبیل اکبر موجود

است .

١٣ - سوره رئیس

----------------

مقصود از رئیس به نص صریح حضرت عبدالبهاٌ درلوح

خطاب به میرزافضل الله بن بنان الملک شیرازی عالی

پاشا صدر اعظم عبدالعزیز خلیفه عثمانی است .

حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای (کتاب قرن

بدیع ) صفحه ١٧٢ بیانی به این مضمون میفرمایند:

ًسوره رئیس در قریه کاشانیه در طریق گالی پولی

نزولش آغازشد و در گیاورکی اوی خاتمه یافت .ًانتهی

ونیز در گاد پاسز بای میفرمایند:

ًدرلوح رئیس خطاب به عالی پاشا صدر اعظم عثمانی

چنین فرموده اند ًیارئیس اسمع نداٌالله الملک المهیمن

القیوم انه ینادی بین الارض والسماٌ...ولایمنعه قباعک

ص ١١٠

ولانباح من فی حولک ولاجنود العالمین ...قدارتکبت

ما ینوح به محمد رسول الله فی الجنة العلیا...سوف

تجد نفسک فی خسران مبین و اتحدت مع رئیس العجم

فی ضری ...هل ظننت انک تقدر ان تطفئی النار التی

اوقدهاالله فی الافاق لا و نفسه الحق لوکنت من

العارفین بل بما فعلت زاد لهیبها واشتعالها سوف

یحیط الارض ومن علیها سوف تبدل ارض السر وما

دونها وتخرج من یدالملک وتظهر الزلازل ویرتفع

العویل و یظهرالفساد فی الاقطار یا رئیس قد تجلینا

علیک مرة‌فی جبل التیناٌو اخری فی الزیتاٌو فی هذه

البقعة‌المبارکه ً

دراین لوح منیع اشاره به عناد و مخالفت صاحبان اقتدار

دردوره مظاهر الهیه فرموده و رفتارناهنجارشاه ایران

را در دوره ظهور اسلام نسبت به رسول اکرم و رفتار فرعون

را با حضرت موسی و عناد نمرود را با حضرت ابراهیم

ذکر کرده و صریحا میفرمایندً قد جاٌالغلام لیحیی

العالم و یتحد من علی الارض .ًانتهی (ص ١٧٤ انگلیسی )

و نیز در گاد پاسز بای به این مضمون بیانی

میفرمایند:

...و در همین هنگام ( صدور فرمان نفی هیکل

ص ١١١

مبارک از ادرنه ) بعضی از احباب برای تشرف به محضر

مبارک وارد ادرنه شدند از جمله حاجی محمد اسمعیل

کاشانی بود که درلوح رئیس اورا ملقب به انیس فرموده اند

به عزم تشرف وارد ادرنه شد ولی موفق به تشرف نگردید

و ناچار به طرف گالی بولی عزیمت نمود...پس از ابلاغ

فرمان نفی صاحب منصب ترک موسوم به حسن افندی با عده

سرباز به امر حکومت ملتزم موکب مبارک شد و در روز ٢٢

ربیع الثانی ١٢٨٥ ه . ق مطابق با ١٢ اوت ١٨٦٨ م

هیکل مبارک با عائله شریفه به جانب گالیبولی عزیمت

فرمودند چهار روز طول این مسافرت بود منازل بین راه

اوزون کوپر و کاشانیه بود لوح مبارک رئیس درکاشانیه نازل

شد.ًانتهی (ص ١٨٠انگلیسی )

درلوح منیع روز موعود رسید حضرت ولی امرالله در

باره سقوط خلافت عثمانی و وقایع سفر هیکل مبارک به

مدینه کبیره و ادرنه و الواح مهمه نازله درآن نقاط به

تفصیل بیان فرموده اند و مطالعه آن سبب روح و ریحان

است .

( روز موعود رسید چاپ هند )

ص ١١٢

١٤ - سورة‌العباد

------------------

در ادرنه ( سجن بعید ) نازل شده خطاب به سید

مهدی دهجی که بعد از هجرت جمال قدم جل جلاله

به اسلامبول و ادرنه ازطرف هیکل مبارک در بغداد ماند

وطرف مکاتبه و مخاطبه بود دراین لوح آیاتی در باره

سفربه اسلامبول و توقف چهارماهه در آنجا و سپس

سفر به ادرنه را بیان میفرمایند و اسامی عده از اصحاب

را که در بغداد بوده اند مانند زین المقربین و آقا عبد -

الرسول قمی و غیرهما ذکر فرموده اند موضوع نمایندگی

سید مهدی در بغداد و طرف مکاتبه بودنش در چند

لوح که حین هجرت از بغداد به اسلامبول نازل شده

است مذکور گردیده .

آغاز سورة العباد این است قوله تعالی :

ًهذه سورة العباد قد نزلت بالحق من لدی الله

العلی العظیم و انه تنزیل من لدن علیم حکیم .ً

بسم الله الابدع الابدع ...الی قوله تعالی و ظهر

امره و علا برهانه و تمت حجته و کملت کلمته الی ان اشهر

امرالله بین الخلائق اجمعین الی ان قطعنا الاسیال

و دخلنا المیادین کما انتم سعتم من المهاجرین و فی کل

ص ١١٣

تلک الاماکن و الایام ما سترنا الامر و ما احجبناه بل

اظهرناه لطلوع الفجرعن افق صبح منیر الی ان وصلنا

الی البحرالذی ذکر اسمه فی الالواح ان انتم من

الشاهدین و رکبنا السفینة باسمنا ثم اجرناه علی البحر

باسمی العزیز المقتدر الجمیل و حفظناه بقدرة من

عندنا و حفظنا الذین رکبوا علیها الی ان وصلوا الی

ساحله من مدینة‌التی اشتهر اسمها بینکم ان انتم من

العالمین و کنا فیها اربعة‌اشهر متوالیات بما رقم فی

الواح عز حفیظ و فی تلک الشهور ما راودنا احد من

الذین هم کانوا فیمالا من اعلاهم و لا من اسفلهم و کان

الله علی ذلک شهیدو علیم وما ذهبنا الی احد و ما

توجهناالی نفس اظهار السلطنته الله و امره و ابلاغا

لقدرة‌الله و هیمنة الی ان تمت میقات الوقوف و خرجنا

عنها و قطعناالسبیل الی ان دخلنا فی هذاالسجن

البعید. (ادرنه )...ًالخ

١٥- سورة‌الذبح

----------------

قوله تعالی :

ًهذه سورة‌الذبح قد نزل من سماٌالامرللذی

ص ١١٤

سمیناه بالذبیح فی ملکوت الاسماٌلعل یخلص وجهه لله

رب العالمین هوالباقی البدیع اقرالله علی عرش العظمة

و الجلال بانی انا الله لااله الاانا المهیمن القیوم .ً

مخاطب این لوح حاجی محمد اسمعیل ذبیح

کاشانی است .قوله تعالی :

ًان یا ذبیح فارفع راٌسک عن النوم ثم افتح اللسان

بالبیان باسمی المقتدرالمنان ...ان یا ذبیح تالله

الحق ان الغلام قد وقع فی جب البغضاٌفیا لیت یکون

من سیاره ؟؟ النصر لعل یخرج به الغلام و یستسضئی

وجوه اهل السموات و الارض ...ًالخ

مفاد کلمات مبارکه جمیعا درباره معرضین اهل بیان است

و از قرائن در ادرنه نازل شده زیرا میفرمایند:

قوله تعالی ًان یاذبیح قد ذبحت فی کل حین فی

عشرین من السنین و لا یعلم ذلک الا ربک العزیز المحبوب .ً

١٦- سورة‌الاحزان

-----------------

درسجن ادرنه نازل شده و ظاهرا مقصود از علی مخاطب

درآن میرزا علی سیاح مراغه ای است که خطاب یاسباح

بحرالمعانی و یا سباح الاحدیه مخاطب شده ولی سباح

ص ١١٥

با یاٌ موحده است که به معنی شنا کننده است نه آنکه

سیاح با یاٌ مثناة باشد .دراین لوح به تفصیل شرح

عناد یحیی و پیروانش در ادرنه نسبت به حق تعالی ذکر

شده‌است و این لوح را حق تعالی سورة‌الاحزان نامیده اند

و در آغاز لوح این بیان مبارک نازل شده .قوله تعالی :

ًهذه سورة‌الاحزان قد نزلت من لدی الرحمن

للذی توجه الی شطرالسبحان فی هذاالزمان الذی کل

انقضوا عن ظل الله و رحمته و اتخذ وا الشیطان لانفسهم

معینا.ً انتهی

١٧- رضوان الاقرار

-------------------

هذا رضوان الاقرار قد نزل من اللهالمهیمن القیوم .

بسم الله الاقدس الامنع الابهی اقرالله بذاته لذاته بانه

لا اله الاهو له الحق و الامر و کل له خاضعون ...ً

از ابتدای لوح در باره عظمت مقام مظهر امرالله

و نصیحت عباد بیانات مفصله فرموده اند.

مخاطب لوح محمدعلی است که گاهی هم او را نبیل

خطاب کرده اند و شکایت از مغرضین و مغرضین بیان

ص ١١٦

و به فروع مانند حرمت شرب دخان و خوردن پیاز

پرداخته اند :

ًان الذی اعرض عن الله و استکبربایاته ینهی

الناس عن اکل البصل و شرب الدخان قل فانصف یاعبد

ارتکاب هذین اعظم عندالله ام اعراضک عن اله الذی

خلقک بقول من عنده ...ً

مخاطب لوح را گاهی هم محمد فرموده اند:

ًان یا نبیل انا جعلناک نفحه من نفحات الامر ...

ان یا محمد قم علی امرالله و دینه .ً

و در مقامی هم رضی الروح را مخاطب فرموده اند

و به نبیل میفرمایند:

ًانک ان رایت رضی الروح ذکره بما ورد علی الغلام...ً

و بعد خطاب مفصل برضی الروح فرموده اند .و مقصود

از نبیل همان نبیل زرندی است و این لوح در ادرنه نازل

شده زیرا میفرمایند به نبیل به عراق که رفتی به کلیم

چنین و چنان بگو و جناب کلیم در ایام ادرنه که مخالفت

یحیی به اعلی درجه رسید از ادرنه سفر کرد و عاقبت

جمال قدم نبیل زرندی را دنبال او فرستادند و مراجعت

کرد شرح این داستان را نبیل زرندی در مثنوی وصل

و هجران به رشته نظم آورده . باری میفرمایند درهمین

ص ١١٧

لوح مبارک قوله تعالی :

ًو انک انت یا محمد اذ وردت ارض العراق و حضرت

بین یدی الکلیم فاظهر له قمیص الغلام بما ورد علیه

من اخیه (یحیی ) لیطلع بما ورد علی سلطان القدم

من الذی رفع اسمه بامر من لدنه (یحیی ) کذلک نزل

بالحق من جبروت اسم قدیم ان یا کلیم قم علی الامر

ثم انصر ربک و کن من الناصرین ...ًالخ

این لوح نسبتاًمفصل است .

ص ١١٨

الواح نازله در عکّا

---------------------

حضرت ولی امرالله در گادپاسزبای انگلیسی صفحه

٢٠٥ میفرمایند :

الواح مبارکه نازله در عکا را با دقت کامل که ملاحظه

کنیم میتوان آن را به سه قسمت منقسم نمود .اول الواح

مبارکی که شامل تبلیغ امرالله و ابلاغ کلمة الله صادرشده

و در حقیقت دنباله و متمم آثار مبارکه نازله در ادرنه

است .

دوم الواحی که متضمن احکام و شامل تعالیم مقدسه

امر اعظم است که بیشتر آن احکام در کتاب اقدس نازل

شد.

سوم متضمن اصول و مبادی امرالله و همچنین تشریح

و تبیین همان اصول و مبادی مقدسه را متضمن است .

دراین مقاله الواح مهمه مبارکه نازله درعکا که

حضرت ولی امرالله فهرست فرموده اند یکایک مورد بحث

قرار میگیرد و در اطراف هریک مسائل مربوطه لازمه را که

ص ١١٩

از بیانات مبارکه استخراج شده است مینگارد:

 قسمت اول - الواح نازله درعکا
 الواح ملوک و مشاهیر جهان
 -----------------------------

حضرت ولی امرالله در لوح منیع گاد پاسز بای صفحه

٢١٦ بیانی به این مضمون میفرمایند :

ًبشهادت تاریخ در ازمنه سابقه هیچیک از شارعین

ادیان این گونه ابلاغ عظیمی و دعوت خطیری از جمیع

طبقات ننموده اند فقط در دوره حضرت رسول نامه ای

چند به عنوان دعوت به اسلام خطاب به بعضی از سلاطین

و بزرگان معاصر آن حضرت ارسال شد که میتوان فی الجمله

آنرا با خطابات مهیمنه عظیمه این ظهور اعظم مشابه

دانست . جمال مبارک بنفسه المقدس در الواح مبارکه

به عظمت این ابلاغ عمومی الهی تصریح فرموده اند از جمله

میفرمایند ًاز اول ابداع تا حال چنین تبلیغی جهرة واقع

نشده . ًو در لوح دیگری در باره اهمیت الواح ملوک

که حضرت عبدالبهاٌآن را از معجزات و آیات عظیمه این

ظهور مبارک فرموده اند این بیان مبارک از قلم حضرت

رحمن نازل شده قوله تعالی :

ص ١٢٠

ًمخصوص هرنفسی از روٌسای ارض لوحی مخصوص

از سماٌمشیت نازل وهر کدام به اسمی موسوم الاول بالصبصه

و الثانی بالقارعه و الثالث بالحاقة و الرابع بالساهره

و الخامس بالطامه و کذلک بالصاخة و الا زفة و الفزع الاکبر

و الصور و الناقور و امثالها تا جمیع اهل ارض یقین

نمایند و به بصر ظاهر و باطن مشاهده کنند که مالک

اسماٌ در هر حال غالب بر کل بوده و خواهد بود .ًانتهی

 ١ لوح ملک روس
 ---------------

در گاد پاسز بای صفحه ٢٠٧ به این مضمون

میفرمایند:

در سجن اعظم از قلم جمالقدم لوحی منیع خطاب به

الکساندر دوم امپراطور روسیه نازل شد که بعضی از بیانات

الهیه در آن لوح مبارک اینست قوله تعالی :

قد اتی الاب و الابن فی الوادی المقدس یقول لبیک اللهم

لبیک ...انی انا المذکور بلسان اشعیاٌو زین باسمی

التورات والانجیل ...قم بین الناس بهذا الامر المبرم

ثم ادع الامم الی الله العزیز العظیم ...ایاک ان -

یحجبک هویک عن التوجه الی ربک الرحمن الرحیم ...قد

ص ١٢١

نصرنی احد سفرائک اذ کنت فی سجن الطاٌ تحت

السلاسل و الا غلال بذلک کتب الله لک مقاما لم یحط به

علم احد الا هوا یاک ان تبدل هذا المقام العظیم ...ً

و در توقیع ًروزموعودفرارسید ًدرباره ملک روس و لوحی

که در باره او نازل شده مفصلا بیان فرموده اند (ص ٦١

طبع هند )و درصفحه ٢٢٦ گاد پاسز بای نیز به عاقبت

حال الکساندر دوم تصریح فرموده اند .

الکساندر دوم (١٨١٨ - ١٨٨١ ) - مشار الیه

بزرگترین فرزند نیکلای اول است درنهم آپریل ١٨١٨ -

متولد شد و در روز سیزدهم مارچ ١٨٨١ بدست یکنفر

نهلیست مقتول گشت وقتی که در یکی از خیابانهای بزرگ

پطرزبورک راه میرفت در نزدیکی قصر زمستانی به وسیله

بمب کوچکی که یکی از نهلیست ها باو افکند مجروح شد

و پس از چند ساعت وفات کرد . (دائرة‌المعارف بریتانیای

کبیر )

٢- لوح ثانی رئیس

--------------------

در باره لوح اول رئیس در ضمن الواح نازله در ادرنه

گفتگو کردیم و به شرحی که سابقا داده شد مقصود از رئیس

ص ١٢٢

عالی پاشا صدر اعظم عبد العزیز خلیفه عثمانی است .

حضرت ولی امرالله در گاد پاسز بای بیانی به این مضمون

در فصل وقایع عکا میفرمایند (ص ٢٠٧ انگلیسی ) چون

حضرت بهاٌالله وارد عکا شدند خطاب به عالی پاشا

صدر اعظم عثمانی توقیع دیگری نازل فرمودند و خبث

طینت و ظلم و جور او را تشریح فرمودند.بقوله تعالی :

...بظلمک سعرالسعیر وناح الروح ...لازال هر

یک از مظاهر رحمانیه و مطالع عزسبحانیه که از عالم باقی

به عرصه فانی برای احیای اموات قدم گذارده اند و تجلی

فرموده اند امثال تو آن نفوس مقدسه را که اصلاح عالم

منوط و مربوط به آن هیاکل احدیه بوده از اهل فساد

دانسته اند .ً سپس شرحی در باره مصائب و الام وارده

بر هیکل اقدس و احبای الهی و اهل بیت مبارک را ذکر

فرموده و نزول عذاب و جزای اعمال وزراٌ و صدر اعظم را

اخبار نموده اند بقوله تعالی :

سوف یاٌخذکم بقهرمن عنده و یظهر الفساد بینکم و

یختلف ممالککم .ً

و سپس خطاب به عالی پاشا میفرمایند :

اگر ملتفت میشدی و بنفحه از نفحات متضوعه از شطر قدم

فائز میگشتی جمیع آنچه در دست داری و به آن مسروری

ص ١٢٣

میگذاشتی و در یکی از غرف مخروبه این سجن اعظم ساکن

میشدی .ً

درلوح فؤاد نیز جمال مبارک به مرگ ناگهانی فؤاد پاشا

وزیر امور خارجه عثمانی اشاره میفرمایند و به عالی پاشا

نیز وعید میدهند بقوله تعالی . سوف نعزل الذی کان

مثله (عالی پاشا) و ناخذ امیرهم (سلطان عبدالعزیز )

الذی یحکم علی البلا و اناالعزیز الجبار .ًانتهی

در لوح مبارک ًروز موعود ًنیز شرح مفصلی درباره

مظالم عالی وفوأد و عدوان عبدالعزیز و جزای اعمال

آنان و عاقبت زشتی را که هریک بان مبتلا شدند ذکر فرموده اند

و قسمت مهمی از لوح اول و ثانی رئیس را هم ذکر فرموده اند

که برای اطلاع باید به آن لوح مبارک رجوع کرد و نیز به

صفحه ٢٣١ گاد پاسز بای مراجعه نمود

عبدالعزیز خلیفه عثمانی پسر سلطان محمود ثانی

است که در نهم فوریه ١٨٣٠ متولدشد و در١٨٦١ بعد

از برادر خود عبدالمجید به سلطنت رسید و عاقبت در

سی ام می ١٨٧٦ معزول و محبوس شد و دو هفته بعد

او را مرده یافتند.

ص ١٢٤

٣- لوح پاپ

-------------

در صفحه ٢٠٩ گاد پاسز بای شرحی مفصل در باره

پاپ کاتولیک پی نهم بیانی فرموده اند و قسمتی

از لوح پاپ راهم که در عکا خطاب به او نازل شده ذکر

فرموده اند در لوح روز موعود هم شرح حال اورا ذکر

کرده اند و خلاصه آن بیان مبارک را به فارسی در اینجا

ذکر میکنم (این قسمت را جناب عبدالحسین بشیر الهی

از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده اند ) مضمون بیان مبارک

در لوح روز موعود اینست :

پاپ پی نهم نیز به ذلتی دچار گردید که هرچند بظاهر

چندان نمایان نبود ولی در تاریخ مهمتر از ذلت

ناپلئون سوم بشمار میرود .ً

این پاپ که قبلاً اسمش کونت ماستای فراتی و اسقف

ایمولا بود دویست و پنجاه و چهارمین پاپی است که

به جانشینی پطرس انتخاب گردیده و دوسال پس از اعلان

امر حضرت باب بر سریر روحانی پاپی جلوس نمود و دوره

خلافت وی از تمام اسلافش طولانی تر بوده و همواره

بجهت دو منشوری که صادر کرد ذکرش در تاریخ باقی

خواهد ماند به این قرار که درسال ١٨٥٤ اعلان کرد

ص ١٢٥

کیفیت حامله شدن مریم عذرا یکی از اصول دیانت مسیح

است و نیز در سال ١٨٧٠ عقیده جدیدی طرح و اشاعه

داد مشعر بر اینکه پاپها دارای مقام عصمت هستند این

پاپ که طبعاًمستبدالرأی و در امور سیاسی مردی بی

اطلاع و از سازش و توافق با رأی ونظر دیگران خائف

و گریزان بود تصمیم شدید داشت مقام و اقتدار خودرا

حفظ کند ولی با اینکه توانست با احراز تسلط کامل مقام

خویش را تحکیم و اقتدار روحانی خود را تقویت نماید

معذلک عاقبت الامر نتوانست وفرمانروائی دنیوی را که

رؤسای کلیسای کاتولیک سالها در دست داشتند حفظ

کند.

قدرت ظاهری پاپ در طی قرون بسیار محدود شده و در

سالهائی که در شرف زوال بود مشحون از حوادث و انقلابات

سخت گردیده بود همچنانکه شمس ظهور حضرت بهاءالله

متدرجاً بوسط السماء جلال و عظمت صعود میکرد بهمان

قسم سایه های مذلت و زوال وارثین سلطنت پطرس

مقدس را فرا میگرفت و لوح مبارک حضرت بهاءالله خطاب

به پاپ پی نهم این زوال را تسریع میکرد چندانکه برای

ثبوت این مطلب فقط یک نظر اجمالی به جریان اوضاع

فلاکت بار آن سنوات کافی است ناپلئون اول پاپ را از املاکش

ص ١٢٦

بیرون کرد و کنگره وینه مجدّداً ریاست املاک را به او تفویض

نمود که امورآن بدست اسقفها اداره گردد. فساد عمومی

و بی نظمی وعجز از تأمین امنیت داخلی و تجدید

مظالم تفتیش مذهبی در آن اوقات چنان بود که مورخی

را بر آن داشت چنین بنویسد. هیچ گوشه ایطالیا و شاید

اروپا به استثنای ترکیه مانند قلمرو پاپ گرفتار هرج و مرج

اداری نیست . شهر رم از جهت صوری و معنوی هر دو

خراب و ویران بود.

بالاخره شورشهائی بپا شد که منجر به دخالت دولت

اتریش گردید و پنج دولت معظم خواستار اصلاحات

وسیعی شدند که پاپ وعده انجام آن را داد ولی از

عهده اجرا بر نیامد دولت اطریش دوباره دخالت کرد ولی دولت

فرانسه به مخالفت بر خاست و آن دو دولت همچنان مراقب

قلمرو پاپ بودند تا آنکه در سال ١٨٣٨ هر دو عقب

کشیدند و بار دیگر حکومت استبداد مطلق دربارپاپ

تجدید گردید . اکنون کار بجائی رسیده بود که حتی

بعضی اتباع خود پاپ با اقتدار ظاهری او مخالف بودند

و مقدمات زوال قطعی آن را که بسال ١٨٧٠ اتفاق افتاد

فراهم کردند. اغتشاشهای داخلی پاپ را مجبور کرد

نیمه شب با لباس مبدل و بصورت یک کشیش فقیر از شهر

ص ١٢٧

رم که درآن اعلان جمهوری شده بود فرار کند و پس از

چندی شهر رم بار دیگر به وضع سیاسی سابق خود برگشت

تاسیس سلطنت ایتالیا و سیاست بی ثبات ناپلئون سوم و

شکست سدان و اعمال بی قاعده حکومت پاپ که در کنگره

پاریس در پایان جنگ کریمه از طرف کلارندن به عنوان

رسوائی اروپاً قلمداد گردید همه اینها باعث شد که

زوال حکومت متزلزل پاپ بصورت قطعی در آید .

پس از نزول لوح حضرت بهاءالله خطاب به پاپ پی نهم

درسال ١٨٧٠ ویکتور امانوئل اول پادشاه ایتالیا با

حکومت پاپ به جنگ بر خاست و لشکریانش وارد رم شده

آنرا تصرف کردند درشبی که شهر رم تصرف شد پاپ به

لاتران رفته با وجود کبر سن و درحالی که اشک ازدیدگانش

میبارید بازانوهای خمیده از پله مقدس بالارفت .روزبعد

همین که شلیک توپ شروع شد امرکرد بیرق سفید بر فراز

گنبد کلیسای سنت پیتر افراخته شود و با وجود آنکه ازهمه

چیز ساقط شده بود باز ازشناسائی وضع انقلابی امتناع

جسته مهاجمین به قلمرو و املاک خویش راتکفیر کرد و ویکتور

امانوئل رابه عنوان ًپادشاه سارق ً وً غافل از هرگونه

مبادی دینی و مخالف هرگونه حق و ناقض هرگونه قانون ً

طرد نمود. رم شهر جاودانی که بیست وپنج قرن درمجد

ص ١٢٨

و عظمت زیسته و سلسله پاپها مدت ده قرن با حق بلا

معارض بر آن حکومت کرده بودند بالاخره پایتخت سلطنت

جدید مصداق ذلت و حقارتی گردید که حضرت بهاءالله

پیشگوئی فرموده و زندانی واتیکان آن ذلت را برای خود

خریده بود.

وقایع نگاری که شرح حیات این پاپ را نگاشته چنین

مینویسد :

سنین اخیر زندگی پاپ کهنسال پر از آلام و محن بود

علاوه بر ابتلائات جسمی اغلب از دیدن مناظر حزن آور

بی حرمتی به دیانت در قلب رُم و آزار و شکنجه

صاحبان مناصب دینی و ممانعت اسقفها و کشیشها از انجام

وظائف مخصوصه شان رنج و عذاب میکشید هرگونه

اقدامی که برای اصلاح وضع حاصل در ١٨٧٠به عمل

آمد بی نتیجه ماند اسقف پوزن برای جلب وساطت

بیسمارک به نفع پاپ به ورسای رفت ولی مورد اعتناءقرار

نگرفت بعداًیک حزب کاتولیک درآلمان تشکیل یافت

تا به صدر اعظم آلمان فشار سیاسی وارد آورد ولی از

آن هم نتیجه بدست نیامد و گویامقدر بود آن قدرت عظیمه ای

که به آن اشاره رفت سیر خود را به پیماید حتی اکنون

پس از گذشتن متجاوز از نیم قرن بازگشت به اصلاح

ص ١٢٩

سلطنت صوری آن سلطان مقتدری که به اسم او سلاطین

میلرزیدند و به سلطنت ظاهری و معنوی او سر تعظیم فرود

میاوردند باعث شده که بیچارگی و درماندگیش بیشتر

نمایان گردد و این سلطنت صوری هم که در حقیقت محدود

به شهر کوچک واتیکان است و حکومت رم را به اختیار یک

دولت غیر دینی وا گذاشته بقیمت شناسائی بی قید و شرط

دولت پادشاهی ایتالیاتمام شده است عهد نامه لاتران

که ادعا میشود برای همیشه مسئله رم را حل کرده است

درحقیقت آزادی عملی برای حکومت تامین کرده که جهت

شهر محصور واتیکان مشحون از ابهام و خطرات است

چندانکه یک نویسنده کاتولیک در باره آن مینویسد :

دو قوه روحی شهر جاویدان (رم) فقط به خاطر آن

از همدیگر جدا شدند که میان آنها مصادمات شدیدتری

واقع گردد.ًانتهی

(لوح مبارک روزموعودفرارسیدص ٥٧)

درفصل وقایع عکا و در ضمن شرح عاقبت احوال دشمنان

امرالله در کتاب قرن بدیع ( گاد پاسز بای ) حضرت ولی

امرالله شرحی در باره پاپ پی نهم مرقوم فرموده اند

مراجعه فرمائید ( صفحه ٢٠٩ انگلیسی ) و نیز درصفحه

ص ١٣٠

٢٣٧ گاد پاسزبای مراجعه فرمائید.

٤- لوح ملکه ویکتوریا

-----------------------

در گادپاسزبای به این مضمون میفرمایند:

درهمان ایام لوحی عظیم به اعزازملکه ویکتوریاازقلم

اعلی نازل شده که بعضی ازبیانات الهیه مندرجه در

آن لوح منیع اینست قوله تعالی : ًیاایتهاالملکة فی

لندن اسمعی نداء ربک مالک البریه ...ضعی ما علی

العرض ثم زینی رأس الملک باکلیل ذکر ربک الجلیل انه

قدأتی فی العالم بمجده الاعظم و کمل ما ذکر فی

الانجیل ...قد بلغنا انک منعت بیع الغلمان و الا ماء...

قد کتب الله لک جزاء ذلک ...ان تتبعی ما ارسل

الیک من لدن علیم خبیر...و سمعنا انک عودعت زمام

المشاورة به ایادی الجمهور نعم مافعلت ...ینبغی

لهم ان یکونوا امناءبین العباد...طوبی لمن یدخل

الجمع لوجه الله ویحکم بین الناس بالعدل الخالص ..ً

انتهی

و در توقیع روز موعود در باره ملکه ویکتوریاشرحی مبسوط

بیان فرموده اند و قسمتی از لوح اورا هم نقل کرده اند

ص ١٣١

ازجمله بیانی به این مضمون فرموده اند ًروایت کرده اند

که چون ملکه انگلستان لوح مبارک را که به اعزاز او ارسال

شده بود خواند گفت اگر این دعوت از طرف خداست

پیشرفت خواهد کرد و اگر از طرف خدا نیست بهیچوجه

ضرری وارد نخواهد آورد.ً

(روز موعود صفحه ٧٢ طبع هند)

ملکه ویکتوریا الکساندرینا(١٨١٩) - ١٩٠١)

یگانه فرزند ادوارد دوک کیت و چهارمین فرزند جرج سوم

مادرش پرنسس ویکتوریاماری لویزاست این ملکه در روز٢٤

ماه می سال ١٨١٩در قصرکن سیتک تون بدنیا آمد در

سال ١٨٣٠ جورج چهارم وفات کرد و الکساندرینا ویکتوریا

وارث تاج و تخت شد پس از مدت‌ها حکمرانی در عصر

جمعه هیجدهم جانوری١٩٠١ خبر بیماری او منتشر شد

و در روز سه شنبه ٢٢ جانوری وفات یافت . جمیع دنیا از

مرگ او متأثر و غمگین شدند. لوحی که به اعزاز او ازقلم

جمالقدم نازل شده ضمیمه سوره مبارکه هیکل است.

٥- سوره هیکل

-------------

حضرت ولی امرالله در فصل وقایع عکا بیانی به این مضمون

ص ١٣٢

میفرمایندً جمال مبارک امر فرمودند مهمترین الواح

نازله خطاب به سلاطین و ملوک به ضمیمه سوره مبارکه

هیکل به شکل ستاره‌ای دارای پنج رکن و شبیه به هیکل

انسانی است نوشته شود این امر مبارک مجری گردید

و دریکی از الواح نازله به اعزاز مسیحیان میفرمایند قد

اهتزکوم‌الله من نسمة‌الوصال انه سمی بکرمل ینادی قد

اتی بانی الهیکل و مظهرالملل طوبی للزائرین .ً

(ص ٢١٢-٢١٣)

و نیز حضرت ولی امرالله درلوح منیع ًیوم المیعادً به

این مضمون میفرمایندًحضرت بهاءالله امر فرمودند که

مهمترین الواحشان که به هریک از سلاطین منفردا خطاب

گردیده به شکل هیکل که کنایه از هیکل انسانی است

نوشته شود و درخانمه کلمات ذیل که اهمیت این رسالات

را واضح و ارتباط آنهارا بانبوات عهد عتیق بطور مستقیم

ثابت میدارد درج گردیده است قوله تعالی :

کذلک عمرناالهیکل بایادی القدرة و الاقتدار ان کنتم

تعلمون هذالهیکل وعدتم به فی الکتاب تقربوا الله هذا

خیرلکم ان کنتم تفقهون انصفو ایاملأالارض هذا خیر

امرالهیکل الذی بنی من الطین توجهوالله کذلک امرتم

من لدی الله المهیمن القیوم ..ً انتهی

ص ١٣٣

بشارت تعمیر هیکل در عهد عتیق در باب سوم کتاب

ملاکی‌نبی و نیز درکتاب زکریای نبی مذکور است .

قسمت دوم - الواح نازله در عکا

شامل حدود و احکام

٦- کتاب اقدس

--------------

در الواح جمالقدم از کتاب مستطاب اقدس به ام اکتاب

و فرات الرحمه و القاب منیعه دیگر تعبیر شده است .

حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای صفحه ٢١٣ درباره

کتاب اقدس میفرمایند باین مضمون که ًاین لوح منیع

گنجینه اوامر و حدودیست که اشعیای نبی و یوحنا در

مکاشفات بشارت آن را داده اند و ازآن لوح قویم به

تعبیرات مختلفه ًآسمان جدید وزمین جدید وهیکل

رب و مدینه مبارکه و عروس و اورشلیم جدید که ازآسمان

نازل میشود درکتب خود یاد کرده اند اوامر و احکام

مندرجه درکتاب اقدس تامدت یک هزارسال باقی و برقرار

ص ١٣٤

و سلطنت و نفوزش اقطار ارض رااحاطه خواهد کرد و

دراین قرن الهی اعلی ثمره‌امرالله و ام‌الکتاب دوره مقدسه

الهی و اساس نظم بدیع خداوندی محسوب است

جمال مبارک وقتی که به بیت عودی خمارتشریف بردند در

عین ابتلای به بلایا و مصائب نازله ازاعدای خارج

و مدعیان داخل کتاب اقدس ازسماء قدرتشان بسال

١٨٧٣ میلادی و ١٢٨٧ ه.ق نازل گردید. کتاب

اقدس از حیث متانت وقطعیت وجامعیت نسبت به کتب

آسمانی قبل بی نظیر و عدیل است کتاب تورات در ایام

شارع آسمانی آن مدون نگشت و رسائل انجیل نیز توسط

معدودی از پیروان مسیح تألیف شد شامل برخی بیانات

و دستوراتی است که به حضرت مسیح نسبت داده‌اند و در

عصر خود مسیح تنظیم و ترتیب نیافته .قرآن مجید با

آنکه قطعی الصدوراز منبع رسالت و آیاتی است که بر

حضرت رسول بوحی الهی رسیده درمسئله مهمه خلافت

بکلی ساکت مانده و چیزی دراین خصوص نفرموده است

اما کتاب اقدس ازاول تاآخر جمیعا ازقلم مبارک شارع

مقدس نازل و مدون گشته وبه علاوه احکام و حدود

الهیه مبین‌آیات ومرکزعهدی رانیزتعیین فرموده وتبیین

آیات رابه مرجع منصوص محول نموده اند و برای حفظ

ص ١٣٥

وحدت و اثبات جامعیت امرالله مؤسسات لازمه را بیان

کرده اند...ً

حضرت ولی امرالله درباره مندرجات کتاب اقدس به

تفصیل در گادپاسزبای ذکرفرموده اند وبرای اطلاع

باید به اصل آن لوح منیع صفحه ٢١٦- ٢١٣ مراجعه

فرمایند و در صفحه ٢٠٦ به این مضمون میفرمایند...

درتاریک ترین ایام دوره زندان عکا درکتاب اقدس

سلاطین و ملوک رامخاطب ساخته میفرمایندًیامعشر

الملوک قد نزل‌الناموس‌الاکبر فی‌المنظرالانور...انتم

الممالیک قدظهرالمالک باحسن الطراز...قوموا

علی خدمة‌المقصود الذی خلقکم بکلمة من عنده و جعلکم

مظاهرالقدرة‌لماکان و مایکون ...تالله لانریدان

نتصرف فی ممالککم بل جئنا لتصرف القلوب ...دعوا

البیوت ثم اقبلواالی الملکوت ...طوبی لملک قام علی

نصرة‌امری فی مملکتی ...انه بمنزلة‌البصر للبشر...

انما ننصحکم لوجه الله و نصبرکما صبرنابما ورده علینا

منکم یامعشرالسلاطین ...ًو درصفحه ٢٠٧ میفرمایند

خطاب به ملوک آمریکا و رؤسای جمهور درکتاب اقدس

این خطاب مبارک نازل ...ًزینوا هیکل اللملک بطراز

العدل و التقی و رأسه باکلیل ذکر ربکم فاطرالسماء

ص ١٣٦

...قدظهرالموعود...اغتنمو یوم‌الله...اجبروا

النسیربایادی العدل و کسروا الصحیح الظالم بسیاط

اوامر ربکم الامرالحکیم ...و درصفحه ٢٠٨ میفرمایند

درکتاب اقدس خطاب به ویلهلم اول پادشاه پروس

و امپراطور ممالک متحده آلمان میفرمایند یاملک برلین

اسمع النداءمن هذاالهیکل المبین انه لااله‌الا انا

الباقی الفردالقدیم ایاک ان یمنعک الغرور عن مطلع

الظهور...اذکرمن کان اعظم منک شأنا و اکبر منک

مقاماً...اخذته الذلة من کل الجهات الی ان رجع

الی التراب بخسران مبین ...یاشواطی نرالرین

قد رأیناک مغطاة بالدماء بما بدل علیک سیوف الجزا...

و نسمع حنین برلین ولوانهاالیوم علی عزمبین .

درهمین لوح مبارک درصفحه ٢٠٨ مقام دیگربه فرانسوا

ژوزف امپراطوراطریش و وارث امپراطوری مقدس روم خطاب

میفرمایند بقوله تعالی ًیاملک النسة کان مطلع نور

الاحدیة فی سجن عکااذ قصدتا لمسجدالاقصی وردت

و ماسئلت عنه بعد اذرفع به کل بیت و فتح کل باب

منیف ...کنامعک فی کل الاحوال و وجدناک متمسکا

بالفرع غافلاعن الاصل ان ربک علی مااقول شهیدا قد

اخذتناالاحزان بمارأینات تدورلاسمناولاتعرفنا

ص ١٣٧

امام وجهک افتح البصر...و تری النورالمشرق من

هذاالافق‌اللمیع .صفحه ٢٠٨ ودرصفحه ٢٠٩ میفرمایند

به این مضمون که جمال قدم خطاب به علماءوپیشوایان

ادیان مختفله آیاتی نازل فرموده‌اند که برخی در کتاب

اقدس نازل و بعضی درسایرالواح مبارکه مندرج است

درآن آیات مبارکه خطاب به علمای ادیان امراعظم

خویش را اظهار فرموده اند و آنان را دعوت کرده اند

و ازغفلت وسهل انگاری علماء را تحذیر فرموده وبه تقوی الله

نصیحت کرده‌اند.ازجمله میفرمایند قوله تعالی ًیامعشر

العلماء خذوا اعنة‌الاقلام قدینطق القلم الاعلی بین

الارض والسماء...ضعواالظنون والاوهام متوجهین

الی افق قد اشرق منه نیرالایقان ...لاتزنوا کتاب الله

بما عندکم من القواعدوالعلوم انه لقسطاس الحق بین

الخلق ...تبکی علیکم عین عنایتی لانکم ماعرفتم الذی

دعوتموه فی العشی والاشراق وفی کل اصیل وبکور...

هل یقدراحدمنکم ان یستن معی فی میدان المکاشفة

والعرفان او یجول فی مضمارالحکمة والتبیان ...انا

ما دخلناالمدارس و ماطالعناالمباحث اسمعوا ما یدعوکم

به هذاالامی الی الله الابدی ...انا خرقناالاحجاب

ایاکم عن تحجبواالناس بحجاب آخر...ایاکم ان تکونوا

ص ١٣٨

سبب الاختلاف فی الاطراف کما کنتم علة‌الاعراض فی

اول الامر...انصفوا بالله ولاتدعوا الحق بما

عندکم اقرئوا ما انزلنا بالحق ... ( ص ٢٠٩ )

بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله درباره کتاب

اقدس درتوقیعات منیعه بسیاراست وآنچه نقل شد

نمونه ای بود که به ذکرآن دراین مقاله اکتفارفت .

درکتاب اقدس به چندنفرازسلاطین معروف جهان

مانند ویلهلم اول وفرانسوا ژوزف وعبدالعزیز و عبدالحمید

که از او به (بوم )تعبیرفرموده‌اند اشاره فرموده‌اند

به شرحی که ذکرشد و به چندنفر از علماءمعروف شیعه

هم خصوصااشاره فرموده واعراض وغفلت آنان را ذکر

کرده‌اند مانندشیخ محمد حسن صاحب جواهرمتوفی

در١٢٨٦ ه.ق وحاج محمدکریم خان کرمانی رئیس

شیخیه متوفی در١٢٨٨ ه.ق و نیزبه ملاجعفر

گندم پاک کن اصفهانی که به حضرت اعلی مؤمن شد

ودرسال ١٢٦٥ ه.ق درقلعه شیخ طبرسی بشهادت

رسید اشاره کرده‌اند از مظالم یحیی مطلع اعراض وسیئات

سیدمحمداصفهانی نیزشمه ای بیان فرموده اند ودرآخر

کتاب اقدس دوعلامت بلوغ عالم رااشاره فرموده اند.

کتاب اقدس بحری است مواج که ازقدرت قدیمه جمالقدم

## ص ١٣٩
ظاهرشده است . ٧- الواح مهمه دیگر
--------------------
پس ازذکرالواح نازله درعکا که حضرت ولی امرالله
آنرابه سه قسم منقسم فرموده بودند و شرح آن گذشت
هیکل مبارک درگادپاسزبای درفصل وقایع عکا الواح
مهمه دیگری را هم که درعکا نازل شده نام میبرند که
به ترتیب دراینجا درباره هریک بحث میشود.
لوح حکمت

ازالواح مهمه نازله ازقلم مقدس جمال قدم است و

حضرت ولی امرالله نام این لوح را درضمن ذکراسامی

وفهرست آثارمنیعه الهیه مرقوم فرموده اندً(ص ٢١٩)

مطالب مندرجه دراین لوح از امهات مسائل عالیه

فلسفیه است.دراین لوح راجع به کلمة‌الله که علت

اصلیه ایجاداست و درباره آغاز خلقت و معرفی

طبیعت و وحدانیت الهیه به تفصیل ذکرفرموده اند

ونیزدراین لوح بیان شده که جمیع فلاسفه و دانشمندان

ص ١٤٠

بصیر درقدیم‌الایام معترف بوجود خالق قدیر و عظمت

او بوده‌اند و درهمه حال باحضرت متعال به مناجات

و نیایش میپرداختند وشطری از مناجاتهای آنان را

هم ذکرفرموده‌اند و نیز از اسامی چندتن ازفلاسفه

الهیون قدیم راازقبیل سقراط وافلاطون وارسطوو

مورخس وانبازقلس وغیرهم ذکرفرموده اند وسقراط

را سیدالفلاسفه لقب داده اند ومیفرمایند که سقراط

عارف به حقائق مستوره ازابصاربود و رمز اکسیر جسد

جوانی راکشف کرده بود واز دنیا به قلیل قانع و درکوهی

منزل داشت و خلق رابه خداوند دعوت میفرمود ازاین

قبیل مطالب مهمه دراین لوح مبارک فراوان میتوان یافت

این لوح به اعزاز جناب آقامحمدقائنی که ازقلم

جمال قدم به لقب نبیل اکبرسرافرازشده بود نازل

گردیده و درسال ١٢٩٠ ه.ق مطابق با١٨٧٤ میلادی

که نبیل اکبر در حیفامشرف بود این لوح مبارک به اعزاز

او نازل شد و او را درهمین لوح به خطاب نبیل مفتخر

فرمودند.حضرت عبدالبهاء در تذکرة‌الوفاء شرح حال

نبیل اکبر را مفصلامرقوم فرموده‌اند ونبیل زرندی در

شرح حال مشارالیه مثنوی مفصلی به رشته نظم آورده

و جزئیات حالات اورا ذکرکرده و دراینجامختصری

ص ١٤١

ازشرح حال او به اندازه گنجایش این صفحات به عرض

احباءمیرسد.

مطابق تصریح نبیل زرندی جناب آقامحمدقائنی پسر

مرحوم ملااحمدقائنی است .تولد آقامحمد درسال

١٢٤٤ه.ق (١٨٢٨م )درنوفرست قاین اتفاق

افتاد و آقامحمد به تحصیل علوم متعارفه عصرخود

مشغول شد و به مقامی عالی رسید وفلسفه را درسبزوار

از مرحوم حکیم سبزواری حاج ملاهادی (١٢١٢-١٢٩١

ه.ق )که نامش ازقلم الهی درلوح بسیط الحقیقه

نازل شده به خوبی فراگرفت و برای تکمیل تحصیلات

خود به سامرا نزد شیخ مرتضی انصاری که اعلم فقهای

شیعه بود رفت وازشیخ اجازه اجتهاد گرفت و درمراجعت

به ایران آوازه امرالله راشنیدو دربغداد به حضور

جمال قدم مشرف شد مبلغ او اول دفعه در کربلا ملا

حسین رشتی بود پس ازتشرف به حضورمبارک دربغداد

ایمانش تکمیل شد ومأمورسفرخراسان شد.حسب الامر

مبارک راه خراسان پیش گرفت و به قائن رفت و مورد

احترام عموم مردم و امیرقائن شد پس ازمدتی رازش از

پرده بدرافتاد و حاسدین ازهرکناربه آزارش پرداختند

امیر قائن اورا به سختی بیازرد و یک جفت چکمه را پراز

ص ١٤٢

ریگ کرده به گردن او انداختند واو را سر و پای

برهنه ازشهربیرون کردند و چندفرسخ پیاده او را

بردند و باتازیانه میزدند و عاقبت درنزدیک سیستان

درقلعه ای او را محبوس ساختند پس ازچهل روز

امیرقاین به او فرمان داد که به مشهد برود و درقائن

نماند درمشهدتبلیغ میکرد علمابه مخالفتش برخاستند

وحکومت مشهد او را بامأمورین به طهران فرستاد و او در

طهران به نشرنفحات رحمن پرداخت وهمواره مورد

اذیت و آزاربود تا درسال ١٢٩٠ ه.ق مطابق

(١٨٧٤ م ) حسب الاجازه هیکل اطهربه عکا مشرف

شد و مورد عنایت گردید ولوح حکمت یاحکمابه اعزاز

او نازل شدوملقب به نبیل اکبرگردید امیرقاین و

معاندین آنچه املاک واثاث درقاین متعلق به نبیل

اکبربود همه را مصادره وتصرف کردند و او اعتنائی

نکرد وپس ازچندی حسب الامرمبارک به طهرن سفر

کرد و از سرحد آذربایجان وارد تبریزشد ومدتی

دراین شهر با کلاء (بدون عمامه که مخصوص اهل علم

بود) به تبلیغ پرداخت و از آنجا به زنجان و قزوین

و عاقبت به طهران وارد شد و درهمه جا با احباء

ملاقات میفرمود و به‌تبلیغ طالبین مشغول بود درطهران

ص ١٤٣

شهرت یافت که فاضل قاینی ازعکامراجعت کرده ومردم

رافریب میدهد علمای سؤفریاد وادینا برآوردند و آن

حضرت به طرف عشق آباد سفرفرموده و مدتی در آنجا

تشریف داشت پس ازآن عازم بخارا شد و جمعی را

به زلال معرفت الله هدایت فرمود وعاقبت در روز نهم

ذی الحجه سال ١٠٣٩ ه . ق یعنی درست یک ماه

بعد ازصعودجمال قدم دربخارابه ملکوت ابهی صعود

فرمود و دربخارا مدفون گردید.

آنچه تااینجامرقوم شد ازمثنوی نبیل زرندی بود جناب

میرزاحیدرعلی اسکوئی مبلغ امرالله علیه رحمت الله نوشته

است که یک ماه قبل ازصعود جمال قدم لوحی ازقلم

مبارک به اعزازفاضل قاینی نبیل اکبرنازل شد که درآن

فرموده بودندًنبیلی امش علی اثرقدمی ًنبیل این

اشاره را دریافت و فرمود صعود مبارک نزدیک است ومنهم

بعدازهیکل مبارک صعود خواهم کرد یک ماه بعد در

ذیقعده ١٣٠٩ ه . ق (١٨٩٢) جمال قدم صعود

فرمودند ویک ماه‌بعد هم فاضل صعودفرمود.

باری چندی ازحضرت عبدالبهاء به محفل روحانی

عشق آباد لوحی رسید که فورااقدام کنند و رمس جناب

نبیل‌اکبر را از بخارا به گلستان جاوید عشق آباد منتقل

ص ١٤٤

سازند.محفل روحانی فورا اقدام کرد وبااجازه حکومت

رمس نبیل اکبر را به عشق آباد منتقل نمود. طولی

نکشید که حکومت فرمان داد قبرستان بخارا را ویران

کردند و خیابان آسفالته ایجادنمودند وسرّامرمرکز

میثاق درباره انتقال رمس نبیل اکبر براحباآشکار

گردید.ازآثارنبیل اکبرچندمثنوی منظوم و اوراق -

منثوراست وازجمله قصیده تائیه‌ایست مفصل که‌به‌سبک

قصیده ابن فارض عارف مصری منظوم کرده و به خط خود

نبیل موجود است .علیه رضوان الله .

٨- زیارت نامه سیدالشهدأ

------------------------

لوح مبارکی است در ذکر مقامات عالیه و مراتب فاضله

روحانیه حضرت حسین بن علی بن ابی طالب امام سوم

شیعیان وشرح مصائب وبلیات وفداکاری وشهادت

آن بزرگوار که به عنوان زیارت نامه آن حضرت ازقلم

ابهی نازل شده. این لوح مبارک رااحبای الهی به

دستورمبارک دریوم شهادت حضرت رب اعلی (بیست و

هشتم شعبان ١٢٦٦ ه . ق )تلاوت مینمایند.

حضرت ولی‌امرالله این‌لوح مبارک را درفصل وقایع عکا

ص ١٤٥

درضمن الواح نازله درعکااسم برده اند (ص ٢١٩)

٩- رساله‌سؤال وجواب

---------------------

پس ازنزول کتاب اقدس ملا زین العابدین نجف آبادی

ملقب به زین‌المقربین درباره برخی احکام کتاب بااجازه

جمال قدم سؤالاتی عرض نمود و در جواب اوبیانات

مبارکه نازل شد و به رساله سؤال وجواب مشهورگردید.

حضرت ولی امرالله درگادپاسزبای درفصل وقایع عکا

درضمن ذکرآثارمهمه جمال قدم که درعکانازل شده

نام این رساله رابه عنوان رساله سؤال وجواب ذکر

فرموده اند (ص ٢١٩)

١٠- لوح برهان

---------------

این‌لوح ازاهم آثارمبارکه‌است وبه‌اهمیت‌آن درصفحه

٢١٩ گادپاسزبای تصریح فرموده اند. لوح برهان

درعکابه سال ١٢٩٧ ه . ق بعدازشهادت سلطان

الشهداءومحبوب‌الشهداء خطاب به ذئب و رقشانازل

شد. حضرت ولی امرالله درگادپاسزبای بیانی به

ص ١٤٦

این مضمون میفرمایند.ًشیخ محمدباقرکه حضرت

بهاءالله درلوح برهان اورا ذئب نامیده اند و نیز او

رابه جمله مثلک کمثل بقیة‌الشمس علی رئوس الجبال

مخاطب داشته اند درنهایت بدبختی ومسکنت وندامت

و پشیمانی جان داد.محمدحسین ملقب به رقشاء که

جمال قدم او راازظالم ارض طف بی رحم تر و شریرتر

نامیده‌اند درهمان ایام ازاصفهان تبعید ونفی گردید

وازقریه‌ای به‌قریه‌ای پناه میجست وناگهان به مرضی

گرفتارشد که بدنش ؟؟؟ وبوی عفنی داشت و

رائحه کریهه‌اش بدرجه‌ای بود که زن ودخترش نیزبه او

نزدیک نمی شدند با این حال زاربمرد و هیچکس ازاهل

محل جرأت نکرد او را به خاک بسپارد و عاقبت به واسطه

چندنفرحمال مدفون گردید.(ص ٢٣٣-٢٣٢)

آیات نازله درلوح برهان همه انذار به عذاب ومشعر

برهلاک ابدی و دوزخ هولناک برای ذئب و رقشاء است.

و درالواح متعدده نیز مظالم این دونفس خبیث به

تفصیل نازل شده است .مرگ رقشاء بسال ١٢٩٨ ه .

ق . دوسال بعدازشهادت نورین نیرین بود وذئب

درعتبات به سال ١٣٠١ه.ق. ١٨٨٥ م گمنام وتیره

روز وفات کرد.

ص ١٤٧ ١١- لوح کرمل

-------------

لوحی است منیع که قریب دوسال قبل ازصعودمبارک ---------------

جمال قدم یعنی به سال ١٨٩٠م -١٣٠٧ه . ق . در

کوه کرمل که خیام عزت احدیه درآن جبل مقدس برافراشته

بود ازقلم منیع نازل گردید.حضرت ولی امرالله درلوح

قرن احبای امریک درفصل وقایع عکابه این مضمون بیانی

فرموده اند ًدرهمان سال (١٨٩٠ م که ادوارد براون

مشرف شد ) خیام عز درصف‌ح کوه کرمل کوه الله وکرم الله

مقام ایلیانصب شده و خباء مجد درجبل مقدس که

حضرت اشعیاء آنرا جبل الرب نام نهاده و اخبار کرده

که جمیع امت هابه جانب آن توجه خواهند کرد منصوب

شد.شهرحیفاچهاردفعه به قدوم هیکل مبارک مشرف

شد و در دفعه آخری مدت سه ماه توقف فرمودند سراپرده

عظمت در جوار دیر منصوب گردید ولوح کرمل که شامل

اسرار الهیه و مبشرتأسیسات بدیعه امریه است ازلسان

اطهر جاری گشت .انتهی (ص ١٩٤)

درصفحه ٢١٩ گاد پاسزبای نیز ذکر لوح کرمل را فرموده اند

ص ١٤٨

١٢-لوح شیخ محمدتقی

اصفهانی مشهوربه آقانجفی

------------------------

این لوح مبارک نیزازمهمترین آثارمقدسه این ظهور

اعظم است وخطاب به شیخ محمدتقی مجتهد اصفهانی

پسرشیخ باقرذئب نازل شده و حجت الهیه براو

بالغ گردیده است .این‌لوح مبارک راحضرتو‌لی‌امرالله

به انگلیسی ترجمه فرموده اند و قسمتی ازلوح برهان

نیزکه خطاب به ذئب و رقشاء است درضمن این لوح

مندرج است .لوح ابن الذئب رایکی ازاحبای اصفهان

بطورناشناس برسرسجاده شیخ محمدتقی ابن ذئب

گذاشت و اوبرحقیقت آن لوح مطلع شد. شیخ محمد

تقی بقدری خونخوار و لدود درعداوت امرالله بود که

درمجلس ظل السلطان حاکم اصفهان پسرناصرالدین

شاه قاجار و درمحضرعلمأاصفهان آستین های خود را

بالا زد و فریاد کشید که من حاضرم با دستهای خود

این دو سید بهائی را ( سلطان الشهدأو محبوب

الشهدأ ) به قتل برسانم .مراتب تزویر و ریاکاری و خبث

طینت اوبیرون ازحد و حساب است وجمعی ازاحبای

الهی مانند سلطان الشهدأو محبوب الشهدأ ومیرزا

ص ١٤٩

اشرف آباده‌ای و ملا کاظم طالخونچه ای وحاجی حیدر

وحاجی کلبعلی نجف آبادی وغیرهم به فتوای او وفرمان

ظل السلطان به شهادت رسیدند.ابن الذئب درسال

١٣٣١ه . ق مطابق ١٩١٥ م دراصفهان مرد و در

چارسومقصوداصفهان دفن شد.

نام لوح ابن الذئب ونام شیخ محمدتقی ابن الذئب

را درصفحه ٢١٩گاد پاسزبای ذکرفرموده اند.

١٣-لوح رؤیا

------------

این لوح مبارک درعکابسال ١٢٩٠ ه .ق دریوم میلاد

حضرت مبشرنوزده سال قبل از صعودمبارک نازل شد.

حضرت ولی امرالله درگاد پاسزبای درفصل صعود

جمال قدم جل کبریائه بیانی به این مضمون‌فرموده‌اند.

...پس ازمصائب وبلایائی که سراسرحیات هیکل

مبارک را احاطه کرده بودآن روح مقدس ازقیود آن

شدائد و محن خلاصی یافت وبه ممالک الاخری التی

ماوقعت علیها عیون اهل‌الانشأصعود فرمود ومطلبی

را که نوزده سال قبل‌ازصعوددرلوح رؤیافرموده بودند

تحقق یافت .مفاداین لوح درتجلیل واحترام روزتولد

ص ١٥٠

حضرت نقطه اولی مبشرجمال قدم ازقلم مقدس نازل شده

بود وازلسان ورقه نوراٌملبس بثیاب بیضأازسمأ

مشیتش نازل گردیده بود ( ص ٢٢١گادپاسزبای انگلیسی )

١٤-کتاب حهدی

-------------

حضرت ولی امرالله درباره کتاب عهدی دربیانات مبارکه

شرح مفصلی ذکرفرموده اند از جمله درگادپاسزبای

فصل اول قسمت سوم (فصل ١٤) درباره کتاب عهدی

بیانی مفصل فرموده اند که مضمون قسمتی ازآن به قرار

ذیل است ...این میثاق محکم وعهدمتین الهی

همان است که درکتاب اقدس ذکرفرموده اند و وقتی که

در دوران قریب صعودمبارک اهل حرم درآخرین وداع

به بالین هیکل مبارک جمع شده بودند جمال قدم بدین

عهد و میثاق اشاره فرمودند ونیزآن را در وصیت نامه

خود که به کتاب عهدی مشهوراست درج نموده اند و

کتاب عهدی رابه حضرت غصن اعظم بزرگترین فرزندان

خود سپردند کتاب عهدی راجمال مبارک به خط مقدس

خود مرقوم فرموده و به خاتم مبارک مهرکرده اند نه روز

بعدازصعود باحضور نه نفرطائفین و منتسبین کتاب

ص ١٥١

عهدی مفتوح و قرائت شد و همان روزبعدازظهرنیز

درحضوراغصان وافنان ویاران الهی و زائرین وطائفین

در جوار روضه مبارکه تلاوت شد وهمه برمندرجات کتاب

عهدالهی مطلع شدند کتاب عهدی را جمال قدم به

القاب شامخه اکبرالواح وصحیفه حمراء که درلوح ابن

ذئب نازل شده تعبیرفرموده‌اند.عظمت عهد و میثاق

الهی به حدی است درهیچ دوری ازادوارشرایع

سابقه و مظاهرمقدسه قبل حتی درآثارمبارکه حضرت

رب اعلی شبیه ونظیرآن رانمیتوان یافت . حضرت

عبدالبهاء درباره عظمت میثاق و عهدالهی میفرمایند:

ازاول ابداع تایومنا هذا درظهورمظاهرمقدسه

چنین عهدمحکم متینی گرفته نشده .ًوپس ازنقل

بیانات مبارکه وارده درالواح حضرت عبدالبهاءراجع به

عهدومیثاق الهی درباره خلاصه مندرجات کتاب عهدی

بیانی به این مضمون فرموده اند:

... دراین لوح مبارک حضرت بهأالله میراث مرغوب

لاعدل لهًر‌اکه ازبرای وراث باقی گذاشته اندتشریح

فرموده اند و مقصوداصلی ًازانزال آیات واظهاربیناتً

را بیان‌کرده‌اند مردم عالم رابه‌آنچه ٍسبب ارتفاع مقاماتٍ

آنهاست رهبری فرموده‌اند واعمال گذشته رابه کلمه

ص ١٥٢

مبارکه عفی الله عماسلف بخشوده و مشمول عفو قرارداده اند

عظمت مقام انسان رابیان کرده اند و مقصودازتشریح

مذهب الهی وظهورمظاهرمقدسه راتوضیح داده اند

درباره سلاطین وملوک روی زمین که ازآنان به مظاهر

قدرت ومطالع عزت وثروت حق تعبیرفرموده اند دعا

میفرمایند وحکومت ارض رابه آنان تفویض نموده و قلوب

رابه خوداختصاص داده اند نزاع وجدال رانهی

کرده اند وبه مساعدت ونصرت ًمظاهرحکم ومطالع امرً

که به طرازعدل وانصاف مزین باشند تأکید کرده اند.

اغصان سدره رامخاطب داشته اند بقوله تعالی .ًیا

اغصانی در وجود قوت عظیمه وقدرت کامله مکنون ومستور

به او و جهت اتحاد اوناظرباشیدًاغصان وافنان

ومنتسبین را امرمیفرمایند که ً طرابه غصن اعظم ناظر

باشندًوبه صراحت بیان کرده اند که مقصودازًمن

اراده‌الله الذی انشعب من هذاالاصل القدیم ًکه

درکتاب اقدس نازل شده حضرت غصن الله الاعظم است

درباره اغصان میفرمایند ما قدّرالله لهم حقّافی اموال

الناس وحرم وآل الله وافنان ومنتسبین رامیفرمایند

احترام کنید و جمیع رابه تقوی ومعروف امرفرموده اند

و به آنچه سبب ارتفاع مقام‌است سفارش فرموده‌اند و به

ص ١٥٣

مردم خاطرنشان فرموده اند که ًاسباب نظم را سبب

پریشانی ننمائید و علت اتحاد را علت اختلاف مسازیدً

و درپایان کتاب عهد جمیع موٌمنین راسفارش میکنند

به اصلاح عالم وخدمت امم قیام کنندًانتهی

( ص ٢٣٨ انگلیسی )

قسمت سوم ازالواح نازله درعکا

------------------------------

الواحی است که ازقلم جمال قدم درباره اصول ومبادی

روحانیه این امراعظم نازل شده‌است .این‌الواح متعدّد

ومفصل است ودرآثارمبارکه حضرت ولی امرالله شرح

و بسط آن مندرج .درتوقیع روزموعود شرحی مبسوط

فرموده ونصوص مبارکه را ذکر کرده‌اند وازجمله درتوقیع

مبارک گادپاسزبای درفصل وقایع عکا درمقامی به این

مضمون بیان میفرمایند. (ص ٢١٦)ًبعدازنزول کتاب

اقدس که شامل احکام وحدودالهیه است الواح دیگری

نیز در باره مبادی و اصول متعالیه امر اعظم از قلم جمال

قدم نازل شده‌است وتبیین وتشریح برخی ازاحکام نازله

ازقبل نیزدراین الواح ذکرشده دراین قسمت ازالواح

انذارات وبشارات جدیدی ازقلم اعلی صادرگردیده

ص ١٥٤

وبرخی از احکام هم که متمّم کتاب اقدس است دراین

الواح مندرج شده است .ًانتهی

درهمین گفتارهیکل مبارک بعضی ازالواح مبارکه که جزو

قسمت سوم الواح نازله درعکانام برده اندبه قرار ذیل

وبه این مضمون میفرمایند.الواح اشراقات وبشارات

وطرازات وتجلّیات وکلمات فردوسیه ولوح اقدس ولوح

دنیا و لوح مقصودازآثارمهمه ای است که در اواخر

ازقلم الهی صادرشده ...ًوپس ازاین شرحی

مفصل درباره مندرجات کلیه این الواح به طورعموم

میفرمایند که بایدبه اصل توقیع مبارک گادپاسزبای

مراجعه شود.دراینجاالواح مبارکه مذکوره دربیان

مبارک را یکایک وبنحواختصارموردبحث قرارمیدهیم

ومجملی درباره مندرجات خاصه هرلوح مینگاریم .

١-لوح اشراقات

--------------

این لوح مبارک بسیارمفصل است درآغازلوح شرحی

درباره معنی عصمت کبری ومعصوم بودن انبیاء و تمجید

ازامانت و درستی میفرمایند.مخاطب این لوح مبارک یکی

ازاحبأموسوم به جلیل است وپس ازمطالب مفصله

ص ١٥٥

مزبوره چنین میفرمایند قوله تعالی :

٠٠٠ رجال بیت عدل الهی باید درلیالی وایام

به آنچه ازافق سماءقلم اعلی درتربیت عباد و تعمیر

بلاد و حفظ نفوس وصیانت ناموس اشراق نموده ناظر

باشند اشراق اول ...اهل ثروت واصحاب عزت وقدرت

باید حرمت دین رابه احسن مایمکن فی الابداع ملاحظه

نمایند دین نوری است مبین و حصنی است متین ...

اشراق دوم جمیع رابه صلح‌اکبرکه سبب اعظم‌است ازبرای

حفظ بشرامرنمودیم ...اشراق سوم اجرای حدود

است چه که سبب اول است ازبرای حیات عالم آسمان

حکمت الهی به دو نیّر روشن ومنیر مشورت و شفقت و خیمه

نظم عالم به دوستون قائم مجازات ومکافات .اشراق

چهارم جنودمنصوره دراین ظهور اعمال واخلاق پسندیده

است ...اشراق پنجم معرفت دول بر احوال ماءمورین

و اعطاء مناسب به اندازه ومقدار...اشراق ششم

اتحاد واتفاق عباداست...اشراق هفتم قلم اعلی

کل را وصیت میفرماید به تعلیم وتربیت اطفال ...اشراق

هشتم امورملت معلق است به رجال بیت عدل الهی

ایشانند امناءالله بین عباده ومطالع الامر فی بلاده ...

ایشان ملهمند به الهامات غیبی الهی برکل اطاعت

ص ١٥٦

لازم ...اشراق نهم دین الله ومذهب الله محض

اتحاد واتفاق اهل عالم ازسماءمشیت مالک قدم نازل

گشته ...انتهی

حکم جواز ربح نقود نیز درآخرهمین لوح مبارک نازل

شده است میفرمایند قوله تعالی :

قلم اعلی درتجدیدآن توقف نموده حکمة‌من عنده

وسعة‌لعباده ونوصی اولیاءالله بالعدل والانصاف ...ً

٢-لوح بشارات

--------------

این لوح مبارک شامل پانزده بشارت است درآغازآن

میفرمایند قوله تعالی :

هذا نداءالابهی الذی ارتفع من الافق الاعلی فی

سجن عکاء هوالمبین العلیم‌الخبیر حق شاهد و مظاهر

اسماء و صفاتش گواه که مقصود از ارتفاع نداء و کلمه علیاء

آنکه ازکوثربیان اذان امکان ازقصص کاذبه مطهرشود

ومستعد گردد ازبرای اصغاء کلمه طیبه مبارکه علیا که

از خزانه علم فاطرسماءوخالق اسماءظاهرگشته طوبی

للمنصفین یااهل ارض بشارت‌اول که ازام‌الکتاب دراین

ظهوراعظم به جمیع اهل عالم عنایت شد محو حکم جهاد

ص ١٥٧

است ازکتاب ...

بشارت دوم اذن داده شد احزاب عالم با یکدیگربه روح

وریحان معاشرت نمایند...

بشارت سوم تعلیم السن مختلفه است ...

بشارت چهارم هریک ازحضرات ملوک وفّقهم الله بر

حفظ این حزب مظلوم قیام فرماید واعانت نماید باید کل

در محبت و خدمت او ازیکدیگر سبقت گیرند...

بشارت پنجم این حزب درمملکت هردولتی که ساکن شوند

باید به امانت و صدق و صفابا آن دولت رفتارنمایند...

بشارت ششم صلح اکبراست ...

بشارت هفتم زمام البسه وترتیب لحن واصلاح آن درقبضه

اختیار عباد گذارده شد ولکن ایاکم یاقوم ان تجعلوا

انفسکم ملعب الجاهلین ...

بشارت هشتم اعمال حضرات رهبه و خوریهای ملت

حضرت مسیح علیه سلام الله وبهائه عندالله مذکور ولکن

الیوم باید ازانز وا قصد فضانمایند...

بشارت نهم باید عاصی درحالتی که ازغیرالله خود را

فارغ وآزاد مشاهده نماید طلب مغفرت وآمرزش کند...

بشارت دهم حکم محوکتب رااز زبر و الواح برداشتیم

بشارت یازدهم تحصیل علوم وفنون ازهرقبیل جایز...

ص ١٥٨

بشارت دوازدهم قد و جب علی کل واحد منکم الاشتغال

بامر من‌الامور من‌الصنایع والاقتراف وامثالها...

بشارت سیزدهم امورملت معلق است به رجال بیت عدل

الهی ...

بشارت چهاردهم شدّرحال مخصوص زیارت اهل قبور

لازم نه ...

بشارت پانزدهم اگرچه جمهوریت نفعش به عموم اهل عالم

راجع ولکن شوکت سلطنت آیتی است ازآیات الهی دوست

نداریم مدن عالم ازآن محروم ماند اگربدّبرین این دو را

جمع نمایند اجرشان عندالله عظیم است ...الخ

٣-لوح مبارک طرازات

--------------------

این لوح مبارک درآغاز باذکرعظمت امرالله وسپس با

مناجاتی ادامه مییابد تاآنکه خطاب حق به این بیان

مبارک متوجه مخاطب لوح میگردد قوله تعالی :

یاایهاالشارب رحیق بیانی من کأس عرفانی امروز از

حفیف سدره منتهی که درفردوس اعلی ازید قدرت مالک

اسماء غرس شده این کلمات عالیات اصغاء گشت طراز اول

وتجلی اول که ازافق سماءام الکتاب اشراق نموده در

ص ١٥٩

معرفت انسان است به نفس خود وبه آنچه سبب علو

ودنوّوذلت وعزت وثروت وفقراست بعدازتحقق

وجود وبلوغ ثروت لازم ...

طرازدوم معاشرت باادیان است با روح و ریحان ...

طرازسوم فی الخلق انه احسن طرازللخلق من لدی

الحق ...

طرازچهارم فی الامانة‌انهاباب الاطمینان ...

طرازپنجم درحفظ وصیانت مقامات عبادالله است ...

طرازششم دانائی ازنعمت های بزرگ الهی است ...

پس ازاین شرحی درباره ظلم وعنادمغرضین بیان

ومطالب کاذبه ای که درجرایدنوشته اندبیان فرموده

وخطاب به هادی دولت آبادی که خودرا وصّی یحیی

ازل میدانست مطالبی ذکرکرده‌اند و حجت را بر اهل

بیان ازهرجهت اکمال فرموده‌اند ولوح مبارک خاتمه

مییابد.

٤- لوح مبارک تجلّیات

----------------------

مخاطب این لوح مبارک جناب استادعلی اکبربنّای

یزدی است که نامش درآغازلوح ازقلم اعلی ذکرشده

ص ١٦٠

مشارالیه درسال ١٣٢١ ه.ق در واقعه انقلاب

یزد به فتوای علمای یزد واقدام جلال الدوله پسر

ظل السلطان باعده کثیری ازاحبای الهی بشهادت

کبری فائزشد اصل این لوح مبارک به خط نزولی امروزه

درنزدبازماندگان آن شهید مجید موجود است واین

عبد آنرا در مشهد خراسان در منزل پسر شهید سعید

زیارت کرد شرح شهادت استادعلی اکبر درتاریخ

شهدای یزد تاءلیف حاجی محمدطاهر مالمیری یزدی

مسطور و عبرت آمیزاست .ابتدای لوح خطبه ای است

که درآثارعظیمه ظهورالله است وسپس خطاب به استاد

علی اکبر میفرمایند:

یاعلی قبل اکبر انا سمعنا بذلک مرة بعد مرة..ًسپس

اشاره به تشرف او به محضرمبارک فرموده اند بقوله‌تعالی

شهد انک اقبلت و قطعت السبیل الی ان وردت و حضرت

وسمعت نداء المظلوم ...ً

بعد درباره مفتریات معاندین و آثارعظیمه ظهورالله

بیانی نازل شده وپس ازآن میفرمایند قوله‌تعالی :

تجلی اول که ازآفتاب حقیقت اشراق نمود معرفت حق

جل جلاله بوده و معرفت سلطان قدم حاصل نشود مگر

به معرفت اسم اعظم ...

ص ١٦١

تجلی دوم استقامت برامرالله وحبّه جل جلاله بوده

وآن حاصل نشود مگربه معرفت کامل و معرفت کامل

حاصل نشود مگربه اقراربه کلمه مبارکه یفعل مایشاء...

تجلی سوم علوم وفنون وصنایع است علم به منزله جناح

است ازبرای وجود...

تجلی چهارم در ذکرالوهیت و ربوبیت وامثال آنست

اگرصاحب بصر درسدره مبارکه ظاهره واثمارش نظر

نماید انهاتغنیه عن دونها...ً

پس ازآن شرحی درباره مغرضین بیان بیان

فرموده‌اند ولوح خاتمه مییابد.

٥- لوح کلمات فردوسیه

--------------------

این لوح به اعزاز جناب میر زاحیدرعلی اصفهانی نازل

شده و درآغازلوح خطاب به او فرموده‌اند قوله تعالی :

یاحیدرقبل علی علیک ثناءالله وبهائه ًدرابتدای

لوح مطالب مختلفه مانند سبب ارتفاع انسان واجتناب ازاوهام

وشرایط مبلغین ومناجات وشرح اعمال نالایقه برخی

ازنفوس ومضرّات اختلاف و اوهام متصوفه اسلام وتقدیس

ذات حق ازاین گونه اوهام واشاره به گفتار حکیم

ص ١٦٢

سبزواری و اندرز و نصیحت وامثالها ذکرفرموده اند

وسپس میفرمایند:

کلمة‌الله در ورق اول فردوس اعلی ازقلم ابهی مذکور

ومسطور به راستی میگویم حفظ مبین وحصن متین ازبرای

عموم اهل عالم خشیة‌الله بوده ...

کلمة‌الله در ورق دوم ازفردوس اعلی قلم اعلی دراین

حین مظاهرقدرت ومشارق اقتدار یعنی ملوک وسلاطین

و رؤسا وامراء و علماء وعرفا را نصیحت میفرماید و بدین

و بتمسک بان وصیت مینماید...

کلمة‌الله در ورق سوم ازفردوس اعلی یابن الانسان

لوتکون ناظرا الی الفضل ضع ماینفعک وخذ ماینتفع

به العباد و ان تکن ناظرا الی العدل اخترلدونک

ماتختاره لنفسک ...

کلمة‌الله در ورق چهارم ازفردوس اعلی یاخزب الله

ازحق جل جلاله بطلبید مظاهرسطوت وقوت رااز شر

نفس وهوی حفظ فرماید...

کلمة‌الله در ورق پنجم ازفردوس اعلی عطیه کبری ونعمت

عظمی در رتبه اولی خرد بوده و هست ...

کلمة‌الله در ورق ششم ازفردوس اعلی سراج عباد داد

است او را به بادهای مخالف؟؟؟ واعتساف خاموش

ص ١٦٣

منمائید...

کلمة‌الله در ورق هفتم ازفردوس اعلی ای دانایان امم از

بیگانگی چشم بردارید و به یگانگی ناظرباشید...

کلمة‌الله در ورق هشتم ازفردوس اعلی دارالتعلیم باید

درابتدا اولاد رابه شرایط دین تعلیم دهند... آنچه

از حدودات درکتاب برحسب ظاهرنازل نشده باید

امنای بیت عدل مشورت نمایند آنچه را پستدیدند مجری

دارند انه یلهمهم مایشاء...تکلم به دولسان مقدر

شده باید جهد شود تابه یکی منتهی گردد وهمچنین

خطوط عالم ...

کلمة‌الله در ورق نهم ازفردوس اعلی براستی میگویم

هرامری ازاموراعتدالش محبوب چون تجاوزنماید سبب

ضرّگردد درتمدن اهل غرب ملاحظه نمائید که سبب

اضطراب و وحشت اهل عالم شده و آلت جهنمیه به میان

آمده ...اسباب عجیبه وغریبه درارض موجود ولکن

ازافئده وعقول مستور وآن اسبابی است که قادراست

برتبدیل هوا ارض کلها و سمیت آن سبب هلاکت سبحان

الله امرعجیبی مشاهده گشت برق یامثل آن مایع قائد

است و به امر او حرکت مینماید...

کلمة‌الله در ورق دهم ازفردمس اعلی یا اهل ارض انزوا

ص ١٦٤

و ریاضات شاقه بعزقبول فائزنه ...

پس ازبیانی درباره انفاق مال بتشرف افنان و

امین حقوق الله ونبیل ابن نبیل یعنی شیخ محمدعلی

قزوینی پسرشیخ محمدنبیل قزوینی وتشرف ابن سمندر

اشاره فرموده‌اند و سپس درباره اقوال موهومه معرضین

بیان واتمام حجت به آنان و ذکر عظمت ظهورموعود بیان

به تفصیل آیات نازل فرموده اند و بلعن و عناد علماء

شیعه برمنابرنسبت به امرالله ومتابعت هادی دولت

آبادی ازعلمای شیعه وفداکاری وجانبازی جناب

میرزااشرف آباده ای دراصفهان که به فتوای ابن الذئب

بشهادت رسیدنیزاشاره فرموده اند ولوح مبارک رابا

خطاب به اهل ًطارًکه ازقرای نزدیک کاشان است خاتمه

داده اند.

٦- لوح اقدس

------------

این لوح درعکابه اعزازقسیس فارس سوری نازل شده

نبیل زرندی درمثنوی خاصی شرح مسافرت هیکل اقدس

ابهی رابا عائله مبارکه واصحاب از ادرنه به عکا با

ماءمورین دولت عثمانی و وقایع و جزئیات اموربین راه را در

ص ١٦٥

آن مثنوی ذکر کرده است مشارالیه درضمن ابیات خود

فرموده که من ازادرنه به امرجمالقدم بطرف مصرسفر

کردم و درآنجابه تفتین ومعاندت قونسول ایران گرفتار

زندان شدم وپس ازچندی مراازمصربه زندان اسکندریه

منتقل کردند در زندان اسکندریه باقسیس مسیحی که

مردی عالم وبا ذکاوت بود آشناشدم و با اودر باره

امراعظم الهی مذاکره کردم پس از چند روز به امر مبارک

تصدیق کرد و مملوازعشق وشور گشت در زندان باهم

درباره امرمبارک وعظمت جمال قدم سخن میگفتیم ناگهان

خبردارشدیم که جمال قدم وعائله مبارکه واصحاب

به امر دولت عثمانی از ادرنه عزیمت فرموده وعنقریب با

کشتی به اسکندریه خواهند رسید هردو از شعف و سرور

سر ازپانمیشناختیم و باهم بالای بام زندان میرفتیم

وبدریانظرمیدوختیم شاید از رسیدن کشتی با خبر

شویم قسیس که سراپاشعف ونشاط بودعریضه ای به عربی

نوشت من نامه او را خواندم اشعه محبت وشعله های

ایمان ازخلال کلمات وسطورآن تابان بود قسیس نامه

را توسط جوانی مسیحی که در زندان به دیدن اوآمده

بود به ساحت اقدس فرستاد من به آن جوان نشانه میرزا

آقاجان خادم الله را دادم وبه جوان گفتم که نامه را

ص ١٦٦

بوسیله خادم به حضورمبارک تقدیم کند جوان نامه را

تقدیم کرد و مورد عنایت واقع شد و جذبه عظمت هیکل

مبارک تصدیق به امرالله کرد و بعدها مصدر خدمات

گردید جمالقدم درهمان حین لوحی به اعزازنبیل نازل

فرمودند و درآن لوح اظهارعنایت به قسیس فرمودند

و لوح را به وسیله همان جوان ارسال فرمودند قسیس پس

از خلاصی از زندان به تبلیغ مسیحیان پرداخت و خدمات

شایانی کرد و جوان هم که نامش قسطنطین وشغلش

ساعت سازی بود به تبلیغ پرداخت و دقیقه ای آرام نداشت

...جمال قدم درضمن لوحی راجع به این موضوع چنین

میفرمایند.قوله تعالی :

ًکناطائرا فی هواءالاشتیاق الی ان وردنا فی

شاطی البحراذن استوی بحرالاعظم علی الفلک وجرت

علی البحرالابیض وصرناالی ان بلغنامقابل المدینة

التی سمیت بالاسکندریه قد دخل علینا فتی من اهل الابن

و حضرتلقاءالوجه بکتاب عربی مبین الذی کتبه احد من

اسقف النصاری وجدنا منه رائحة رحمة ربک العزیزالعظیم .ً

و درلوح دیگری که به اعزازافنان یزد نازل شده

شرح وصول عریضه کشیش مزبور را ذکرفرموده اند. قوله

تعالی :

ص ١٦٧

الی ان بلغنامقابل مدینة من مدن الارض ...اذن

حضرتلقاء الوجه احد من الذین نسبوا الی الابن بکتاب

مبین ...ًالخ

حضرت ولی امرالله درفصل وقایع ادرنه داستان

حبس نبیل را در مصر ذکر فرموده اند به این مضمون

که ًقونسول ایران ...جناب نبیل را که ازطرف حضرت

بهاءالله از ادرنه برای تظلم و داد خواهی نزد خدیو

مصرعازم آن دیارشده بود به زندان انداخت ...ً

صورت عریضه قسیس را جمالقدم به خادم الله امر

فرمودند که برای احبای ایران بفرستند وامروزمتن آن

عریضه موجود و نسخه آن مشهوراست .آغازلوح مبارک

اقدس اینست قوله تعالی :

ًهذا لوح الاقدس نزل من الملکوت المقدس لمن

اقبل الی قبلة‌العالم الذی اتی من سماءالقدم بمجده

الاعظم .ً

دراین لوح پیروان مسیح رامخاطب قرارداده اند و

بشارت ظهور موعود عظیم را به آنها میدهند و تحقق

نبوّات اشعیاءومسیح وسایربشارات کتب مقدسه را

که درباره حضرت موعود است گوشزد میفرمایند و عظمت

امرالله را به الحان مختلفه بیان فرموده اند و قسیسان

ص ١٦٨

ورهبانان مسیحی را مخاطب قرار داده و به امرالله

دعوت فرموده اند باری به شرحی که نوشتم درکشتی

دربندراسکندریه پس از وصول عریضه قسیس به حضور

مبارک درهمان وقت لوحی به اعزازنبیل زرندی نازل

میشود و درآن نسبت به قسیس اظهار عنایت فرمودند

و بعداًازعکا به اعزاز او لوح اقدس نازل شد.

٧- لوح دنیا

------------

نزول این لوح درسال ١٣٠٨ ه.ق بوده که به حکم

دولت جناب ملاعلی‌اکبرایادی وجناب حاجی ابوالحسن

اردکانی امین حقوق را درقزوین و بعداًدرطهران

محبوس ساختند ومخصوصاًجناب امین را عوانان برای

آنکه پولی دریافت کنند خیلی زجردادند ودرعوض

غذای معمولی برای او چندقطعه نان خشک جوین

میاوردند ودرمیان سطلی که پرازآب کثیف ظرف شوئی

بود نانهارا میریختند ومقداری هم روغن چراغ ( روغن

بیدانجیر ) درآن میریختند و به امین میدادند این

غذای او بود وهر روزاو را کتک میزدند و زنجیرگردن

او رابه قدری کوتاه میکردند که به زنجیرپای او که درکند

ص ١٦٩

و زنجیربود می بستندکه قامتش همانطورکه نشسته بود

بقدری خم میشد که فوق طاقت بود و او همه این مصائب

را تحمل میفرمود و شکر جمال قدم را بجا میاورد درآن

سال که ملاعلی اکبر و امین محبوس شدند این لوح

مبارک نازل شد و درآغاز آن اشاره به محبوسیت آن دو

نفر میفرمایند. بقوله تعالی:

ًحمد و ثنا سلطان مبین رالایق وسزاست که

سجن متین را به حضورحضرت علی قبل اکبر و حضرت

امین مزین فرمود و به انوارایقان واستقامت واطمینان

مزین داشت علیهمابهاءالله وبهاءمن فی السموات و

الارضین .ً

سپس اظهارعنایت نسبت به ایادی امرالله فرموده واصحاب

ایران را مخاطب قرار داده و بعد خطاب به افنان

میفرمایند:

ًیاافنانی ...خیمه امرالهی عظیم است جمیع

احزاب عالم را فرا گرفته ...ًبعد ازآن نصایح و مواعظ

فرموده اند وسفارش به حکمت کرده اند و به بشارات

نازله در باره طهران ومظالم جلال الدوله حاکم یزد

پسرظل السلطان اشاره فرموده اند و در باره ایران

و زمامداران بیانات مفصله فرموده وشطری ازتعالیم

ص ١٧٠

الهیه رابیان کرده اند و پنج امرمهم را که سبب اصلاح

عالم است ذکرفرموده‌اند یعنی درباره بیت العدل

اعظم و وحدت لسان ولزوم تمسک به اسباب محبت واتحاد

وتأکید دراشتغال نفوس به کسب وصنعت واهمیت

موضوع زراعت بیانات مبارکه نازل شده و بعدا درباره

نسخ برخی ازاحکام بیان اشاره فرموده اند و زمامداران

ایران وعلماءرابه اهمیت مسئله مشورت متوجه ساخته اند

وتعالیم لازمه اصلیه را که سبب عماربلاد وآسایش عباد

است به تفصیل ذکرفرموده‌اند و ازتوجه به نفوس خادعه

و فریبنده برحذر داشته اند و درباره سیدجمال الدین

افغانی وفتنه وفساد ومعاندتش درباره امراعظم و

تأسیس جریده عروة‌الوثقی وسایرمطالب آیات مبارکه

نازل فرموده اندوپس ازمناجاتی که ازقلم ابهی صادر

شده درباره عظمت امرالله وبلایا و استقامت مظهر

امرالله و نصیحت به افراد مؤمنین وتقدیرازمقام علمای

راشدین واظهارعنایت نسبت به اهل بهاء و اصحاب

سفینه حمراء لوح مبارک خاتمه مییابد.جناب حاج امین

اردکانی همواره به خدمت امرمشغول و مورد عنایات

جمال مبارک ومرکزمیثاق وحضرت ولی امرالله بوده تا

آنکه پس ازکسالتی ممتد و زجر بسیار که ازمرض تحمل

ص ١٧١

فرموده درسال ١٣٠٧ ه.ش هفتم خرداد ماه در

طهران صعود فرموده و در گلستان جاوید مدفون شد

وتلگرافی ازساحت اقدس درباره او واصل گردید و جناب

ملاعلی اکبرایادی شهمیرزادی هم که معروف به حاجی

آخونداست خدمات بسیارکرد والواح بسیاردارد و -

بالاخره در روز جمعه یازدهم صفر ١٣٢٨ ه.ق مطابق

٢٥ فبروری ١٩١٠ م صعودفرمود مدت حبس آنان دو

سال درقزوین ویک سال هم درطهران بود که ازقزوین

آنان رامحبوسابه طهران منتقل ومحبوس ساختند.شرح

حال مفصل ملاعلی اکبر و حاجی امین درتاریخ امرالله

مسطوراست .

٨- لوح یوسف

--------------

لوحی است که به اعزازسیدیوسف اصفهانی نازل شده

واین طورآغازمیشود:

ًای یوسف حجتم برکل من فی السموات والارض

من قبل ان اعرف نفسی تمام بوده وبالغ شده چه که

به ظهوراتی ظاهر و به شئونات باهر که احدی رامجال

توقف واعراض نه تفکردرامم‌قبل کن ...الی قوله تعالی

ص ١٧٢

ان اعمل بماامرت ولاتکن من الصابرین والبهاءعلیک

وعلی من معک ان تستقیم علی هذاالامرالاعظم العظیم .

انتهی

٩ - لوح هفت پرسش

------------------

به اعزازپارسیان است وصورت این لوح مبارک درمجموعه

الواح حضرت بهاءالله مطبوع در مصر موجود است و معروف

و در دسترس احبااست .

١٠- لوح هرتیک

----------------

جمال قدم جل جلاله درلوح حاجی میرزاحیدرعلی

اصفهانی درباره تحقق وعودقبل میفرمایندقوله تعالی :

ًدرجمیع کتب ذکرظهوردراین ارض موعوداست

وهمچنین دراطراف آن وجمعی هم ازممالک اخری آمده

ودراطراف این ارض مقدسه مبارکه ساکن شده اند و

میگویند ظهورنزدیک است و ما آمده ایم تابه آن فائز

شویم وادراک نمائیم معذلک درغفلت عظیم مشاهده

میشوند رئیسشان چندسنه قبل اراده نمودبه حضور

ص ١٧٣

فائز شود و درساحت اقدس این عرض مقبول نیفتاد ولکن

لوح امنع اقدس مخصوص اونازل ودرآن لوح ثبت شد

آنچه که هرمنصفی رانجات بخشد و هرقاصدی را به

مقصود کشاند.معذلک مصداق کلمه لایسّه الّاالمطهرون

ظاهر باری به قطره ازبحرمعانی آن فائزنشدند و هنوز

منتظرند کماانتظرقوم قبلهم ومعهم ...ًانتهی

دربیان مبارک اشاره به پیروان میللراست که ازآلمان

جمعی به اراضی مقدسه رفتند و دیری بنا کردند در جبل

کرمل و منتظر رجعت و ظهورحضرت مسیح (ع )هستند

و لوحی را که میفرمایند خطاب به رئیسشان نازل شده

همان لوح موسوم به هرتیک باشد که نام آن رئیس بوده

وحضرت ولی امرالله جل سلطانه در رساله امربهائی

در جز و قائمه الواح مهمه جمال قدم جل جلاله لوح هرتیک

را ذکرفرموده اند ولی نگارنده تاکنون این لوح را زیارت

نکرده است .

١١ - لوح نصیر

---------------

این لوح مبارک درمجموعه الواح حضرت بهاءالله طبع

مصرموجوداست .

ص ١٧٤

١٢ - لوح مولود

----------------

عنوان این لوح مبارک این است :

ًبسم المولودالذی جعله الله مبشرا... الخ

صورت این لوح درایام تسعه موجوداست .

١٣ - لوح مریم

---------------

ازالواح مبارکه است که به اعزازمریم دخترعمه هیکل

مبارک که درطهران میزیسته و زوجه حاج میرزا رضاقلی

حکیم برادرهیکل مبارک بوده است نازل شده و در رحیق

مختوم و در مائده آسمانی مندرج است .

١٤ - لوح مانکچی

-----------------

مانکچی سرپرست زردشتیان درایران بود که ازهند در

دوره ناصرالدین شاه به ایران آمد و دربغداد به

حضورمبارک جمال قدم مشرف شد.این لوح به طبع

رسیده و درمجموعه الواح حضرت بهاءالله طبع مصر

مندرج است .

ص ١٧٥

١٥ - لوح کریم

---------------

درصفحه ٣٦٥ کتاب مبین خط زین المقربین ازنشریات

لجنه نشرآثاراین لوح مندرج است :

ًبسم الله الاقدس العلی الابهی ان یا کریم ...ً

ولوحی دیگربنام کریم این است :

بنام خداوندیکتا

ای کریم انشاٌالله به عنایت کریم درظل سدره رب -

العالمین مستریح باشی وبه فیوضات منزله از سماٌ

فضل فائز ذکرت لدی العرش بوده و خواهد بود...ً

الی قوله تعالی :

ًبگوای احبای من شمااطبّای معنو ی

بوده و هستید باید به حول وقوه الهیه به دریاق اسم

اعظم امراض باطنیه امم و رمد عیون اهل عالم را مداوا

نمائید...ً

و پس ازبیانات مفصله لوح مبارک این طور ختم میشود:

ًای کریم وصایای الهیه را از برای هرنفسی ذکر

نمائید و تلاوت کنید که شاید بماارادالله عامل شوند

و ذکّر من قبلی من معک من کل اناث و ذکورقل لک

الحمد یا ربی العزیزالمحبوب .ً

انتهی

ص ١٧٦

١٦ - لوح قناع

----------------

درجواب شبهه حاجی کریم خان کرمانی است که به کلمه

قناع به یکی ازاحباء که نامه ای به اونگاشته بود و اورا

تبلیغ به امرکرده بود ایراد گرفته بود و لوح مفصلی به

همین مناسبت خطاب به او نازل شد. این لوح از

امّهات الواح مبارکه است و در مجموعه الواح حضرت

بهاءالله چاپ مصرمندرج است .

١٧ - لوح عبدالوهاب

-------------------

این لوح درعکابه افتخار ملا عبدالوهاب قوچانی نازل

شده و در جواب سؤال او از روح وبقای آن مفصلا

بیانات فرموده اند. صورت این لوح درمجموعه الواح

حضرت بهاءالله طبع مصرمسطور و مندرج است .

١٨ - لوح عاشق ومعشوق

--------------------

آغازاین لوح مبارک ًای بلبلان الهی ًاست که در

مجموعه الواح حضرت بهاءالله منطبعه درمصردرصفحه

ص ١٧٧

٣٤٣ به بعد مندرج است .

حضرت ولی امرالله جل سلطانه در رساله آئین بهائی این

لوح مبارک را به نام مذکور درعنوان درفهرست الواح -

صادره ازقلم مبارک جمال قدم جل جلاله ذکرفرموده اند

ولی بنام لوح گلزارالهی دربین احباب معروف است .

١٩ - لوح طب

-------------

در عکا ازقلم مبارک به اعزاز میرزا محمدرضای طبیب

یزدی نازل شده و در مجموعه الواح حضرت بهاءالله

طبع مصربه طبع رسیده است .

٢٠ - لوح شیخ فانی

--------------------

از الواح نازله درعکاست وبسیارمفصل است وقسمتی از

آن را هیکل مبارک حضرت ولی امرالله جل ثنائه بانگلیسی

ترجمه فرموده اند و آن قسمت به قرار ذیل است قوله

تعالی :

ً...موحّدالیوم نفسی است که حق رامقدس

ازاشباح وامثال ملاحظه نماید نه آنکه امثال واشباح

ص ١٧٨

را حق دارند مثلا ملاحظه کن ازصانع صُنعی ظاهر

میشود وازنقاش نقشی حال اگرگفته شوداین صنعت

ونقش نفس صانع ونقاش است هذا کذب و رب العرش

والثری بلکه مدلّندبرظهورکمالیه صانع ونقاش ای شیخ

فانی معنی فنای ازنفس وبقای بالله آن است که هر

نفسی خود را درجنب اراده حق فانی و لاشیئی محض

مشاهده نماید مثلااگرحق بفرماید افعل کذا بتمام

همت وشوق وجذب قیام نماید نه آنکه از خود توهمی

کند وآن راحق بداند در دعای صوم نازل ولو یخرج

من فم ارادتک مخاطباایاهم یاقوم صوموا حبّالجمالی

ولاتعلّقة بالمیقات والحدود فو عزتک هم یصومون

ولایأکلون الی ان یموتون اینست معنی فنا دراین مقام

درست تفکرنمائید تابه سلسبیل حیوان که در کلمات

مالک امکان جاری وساری است فائزشوید وشهادت

دهید به ابن که حق لم یزل منزه ازخلق بوده وخواهد

بود بایدآن جناب بماارادالله قیام نمایند و ماارادالله

مانزل فی الالواح است به قسمی که بهیچ وجه ازخود

اراده ومشیتی نداشته باشید اینست مقام توحید حقیقی

از خدا بخواهید دراین مقام ثابت باشید و ناس را به

سلطان معلوم که به هیکل مخصوص ظاهر و به کلمات

ص ١٧٩

مخصوصه ناطق است هدایت کنید اینست جوهرایمان

وایقان نفوسی که به اوهام خود معتکف شده اند واسم

آن راباطن گذاشته فی الحقیقه عبده اصنام اند کذلک

شهدالرحمن فی الالواح انه لهوالعلیم الحکیم .ً

انتهی

٢١ - لوح اول ولوح دوم سلمان

-----------------------------

سلمان الواح متعدّده دارد وشرح حالش درمحاضرات

جلداول مندرج است .الواحش که به فارسی وعربی

نازل شده به طبع رسیده ودر دسترس عموم احباء

است .

٢٢ - لوح السحاب

-----------------

ازالواح جمال مبارک جل جلاله است وصورت آن درکتاب

مبین نسخه مطبوعه ازخط زین المقربین صفحه ١٤٩ به

بعد مندرج است به این عنوان :

ً...بسم الله العلیم الحکیم هذا کتاب من

لدی الرحمن ...ً

ص ١٨٠

٢٣ - لوح زین المقربین

-----------------------

ازجمله الواحی که درسجن اعظم به اعزاز زین المقربین

نازل شده این لوح مبارک است که آغازش اینست .قوله

تعالی :

بسم الذی هومقدّرالاحزان

یاایهاالناظرالی وجهی والشارب کاءس عنایتی وکوب

رحمتی وافضالی والساکن فی ظل عظمتی ...

این لوح بسیارمفصل است وبه طبع نرسیده است

ولی لوح دیگری به افتخار زین المقربین نازل شده که

درصفحه ٣٣٧ مجموعه الواح طبع مصربه عنوان ًهو

العزیزالباقی ًمسطوراست.

٢٤ - لوح رسول

---------------

این لوح در کتاب مبین خط زین المقربین صفحه ١٧٩

مندرج است بااین عنوان .ًالاقدس الاعلی رسولی

لاتحزن ...ً

لوح مبارک دیگری نیزبنام لوح رسول ازقلم مبارک نازل

شده که آغازش اینست قوله تعالی :

ص ١٨١

اناالذی قدکنت مخزونا فی قباب الدنیا ان یا رسول

اگرازشمس سماءمعنی پرسی درکسوت حسد مکسوف

ومغطوء و اگر از قمربقای قدس خبر خواهی درخسوف

بغضا مخسوف و مقنوع و اگر از انجم فلک عمائی اطلاع

طلبی درافول غل مافول و محجوب یک حسین و صد

هزار شمربراو قائم و یک خلیل و هزاران نمرود بر او

محیط یک روح پاک و صدهزار قابض و یک حنجر و صد

هزار خنجر درتمام عمرشبی نیاسودم و در جمیع

ایام دمی نیارمیدم گاهی سرم را دیاربدیاربه هدیه

فرستادند و گاهی درهوایم بیاویختند وقتی مصاحبم

سنان بود و وقتی مؤانسم خولی هرصباح که سرازفراش

بر داشتم بلای جدیدی استقبال نمود و هرشام که در

محفل وحدت جالس شدم عقوبتی رخ گشود نه دربلایایم

تأخیر و نه درعقوبتم تعویقی و معذلک قیامم در مقابل

اعدأچون شمس واضح بود و ظهورم دربین ملکوت واهل

آن چون قمرلائح و درآنی به حفظ جان نپرداختم واقل

من حین به آسایش روانم دل نبستم جان راانفاق سبیل

محبوب نمودم و روانم را فدای مقصود...الی قوله

تعالی ...حال سلطان قدم اراده خروج ازبین یاجوج

نمود ولکن بعدازخروج هم معلوم نیست که ازلدغ

ص ١٨٢

ثعبان این جوهر رحمن محفوظ ماند چنانچه درهجرت

اول این مطلب به وضوح آمد...( ازاین بیان مبارک

واضح است که محل نزول لوح رسول بغداد بوده است )

باری این لوح همینطورادامه دارد تاآنکه میفرمایند:

ًباری این ایام ایامی است که چشم ابداع وبصراختراع

شبه آن ندیده جهدنما تاازسبیل وهم وتقلید خارج

شوی وبه جبروت مشاهده وملکوت مکاشفه وارد شوی

چه که این ایام کل درسکرغفلت مدهوشند الا من شأ

ربک برخی سراب بقیعة را بحراغمر دانند و ظلمت

دیجور را صبح انورشمرند وبعضی به قطره فانی از کوثر

باقی قانع و قناعت نموده اند اینست حال عباد واطوارشان

کذلک خلقناالنفوس اطوارا ای رسول اگرطیران درهوایم

را خواهی ازملکوت سماوات و ارض و آنچه دراین دو

موجود است طیران نما تا در رضوان رضای صبحان

وارد شوی فهنیئاللواردین ...ًای مظهرجود من

قدم استقامت مستقیم کن که اریاح نفاق ازشطرشقاق

درهبوبست ...ًالی قوله تعالی :

ًو کذلک قدّرنالک من قدرة‌التی اعطیناک علی هیکل

الکلمات فی هذاالکتاب ان تکون علی امرربک لمن

الراسخین والمستقیمین .ً انتهی

ص ١٨٣

٢٥ - لوح حسین

---------------

این لوح مبارک بااین بیان اقدس آغاز شده قوله تعالی :

دوست باقی مادونش فانی ای حسین بذکرالله مأنوس

شو و از مادونش غافل چه که ذکرش انیسی است بی

نفاق ومونسی است باکمال وفاق ...ًالی قوله تعالی

فطوبی له ولکم احبّاءالله را ازقبل این مظلوم ذکر

برسانید.ًانتهی

این لوح را حضرت ولی امرالله جل ثنائه در رساله

آئین بهائی بهمین نام ( لوح حسین ) ثبت فرموده اند

لوح دیگری نیزبنام حسین صادرشده که درصفحه ٣٣٣

کتاب مبین مطبوع واز روی خط زین المقربین مندرج است

آغازش این است :

ًبسم الله الامنع الاقدس ان یاحسین ...ً

٢٦ - لوح جمال

---------------

خطاب به جمال بروجردی در مجموعه معروف به اقتدارات

و سایرکتب الواح مندرج است . مخفی مباد که جمال

بروجردی به اعزازش در دوران ثبوتش بر امرالله الواح

ص ١٨٤

بسیارنازل شده که ازصدلوح متجاوزاست و در کتابخانه

امری مشهد خراسان مجموعه ای است خطی باخطی

زیبا ونسخ که الواح جمال منحصرا درآن مندرج است .

و نیزلوح دیگری از جمال درکتاب مبین مطبوع ازخط

زین (ص ٢٥٢) باعنوان :

ًبسم الله الامنع الاقدس الابهی ج ل اسمع ...ً

مندرج است .

٢٧ - لوح توحید

----------------

این لوح مبارک درمجموعه منطبعه درمصرکه حاوی الواح

جمال قدم جل جلاله است مندرج ومطبوع است واول آن

اینست :

ً...حمدمقدس ازعرفان ...ًالخ

٢٨ - لوح پسرعم

----------------

مقصود جناب محمدحسن فرزند جناب میرزا زین العابدین

یعنی پسرعّم جمال قدم است .این لوح درسجن اعظم

نازل شده و خطاب به او درآغازلوح میفرمایند ای پسر

ص ١٨٥

عم ...این لوح به طبع رسیده و درمحاضرات جلداول

هم درباره پسرعم مزبوربه تفصیل نوشته شده است .

٢٩ - لوح البقاء

------------------

در کتاب مبین مطبوع ازروی خط زین المقربین ( ص ٢١٨ )

با عنوان :

ًبسم الله الاقدس الابهی هذا لوح البقاء...ً

مندرج است .

٣٠ - لوح بسیط الحقیقة

------------------------

در جواب سوٌال سائل درباره جمله بسیط الحقیقة کل

الاشیاء در سجن اعظم نازل شده و در مجموعه اقتدارات

وسایرمواضیع به طبع رسیده است .

٣١ - لوح بسمله

------------------

لوحی است مصدّربه بسمله دربیان مقصودازآفرینش

که درصفحه ٢٧٦ مجموعه الواح حضرت بهاءالله طبع

ص ١٨٦

مصرمندرج است .

٣٢ - لوح انت الکافی

---------------------

دعای شفای ازامراض است و درادعیه حضرت محبوب

طبع مصر و کتاب تسبیح وتهلیل بااعراب موجود است .

٣٣ - لوح امواج

----------------

ازالواح مشهوره نازله درعکااست وصورت آن درمجموعه

الواح طبع مصرمندرج است .

 ٣٤ - لوح اشرف
 ---------------

لوح مبارکی است که بااین عنوان شروع میشود:

ًبنام خداوند عالم دانا رشحات الهام از اوراق

سدره منتهی به اعانت نسیم آزاده مالک اسماء به صورت

این کلمات ترشیح نمود...ًالخ

دراین لوح کل راامربه حکمت میفرمایند و مقصود

ازاشرف جناب شهید دراصفهان اشرف معروف به

ص ١٨٧

آباده‌ای‌است این نفس زکیه همراه ملاکاظم طالخونچه ای

دراصفهان به فتوای ابن ذئب قبل ازسلطان الشهداء

ومحبوب الشهداء به شهادت رسیده است وشرح

شهادتش درکتاب مشاهدالفداء مندرج است .

لوح دیگری نیزبنام اشرف موجود است که در

مجموعه الواح حضرت بهاءالله جل جلاله طبع مصربه

طبع رسیده است و در دسترس عموم میباشد .

٣٥ - لوح الاحباب

ازالواح جمال قدم است وصورت آن درکتاب مبین

گراور از خط حضرت زین المقربین ( ص ٩٦ )به بعد

مندرج است و آغازش این است قوله تعالی :

ًبسم الله الاقدس الابهی هذا کتاب من لدنا

الی الذی اذا سمع النداء...ًالخ

٣٦ - لوح اتحاد

----------------

به اعزازیکی ازسادات خمس است .صورت این لوح

درادعیه حضرت محبوب طبع مصرمندرج و شرح نزول

ص ١٨٨

آن درمحاضرات جلداول مسطوراست .

٣٧ - لوح کتاب الصدق

---------------------

عنوانش این است :

ًکتاب الصدق نزل بالحق من لدن عالم خبیر انه

لرسول الصدق الی البلاد لیذکرالناس الی مقامه

الرفیع ...ًوآخرش این است :

ًخافواالله و لاتکونوا من الظالمین .ً

٣٨ - قداحترق المخلصون

-------------------------

درسجن اعظم دردوره استنطاق نازل شده ودرادعیه

محبوب وکتاب تسبیح وتهلیل مسطوراست .

٣٩ - سورة‌الهجر

----------------

قوله تعالی :

ًنزلنابالحق لیظهربهامظلومین بین الارضین

والسموات هوالباقی باسمی فی ملکوت الاعلی فسبحان

ص ١٨٩

الذی خرق حجبات الممکنات بسلطانه و خلق السموات

بامره ...ًالخ

این لوح مبارک هم درحین مهاجرت و خروج ازبغداد

نازل شده وشرح سوز و گدازهجران درآن ذکرشده

و لهذا سورة‌الهجرنامیده شده است قوله تعالی :

ًقل انه یرید ان یخرج من بینکم وحده ولم یکن

معه احد الا نفسه کذلک کان من اول الذی لااول له

الی آخرالذی لن یحصیه کل من فی السموات والارضین

قل ان کینونه القدم یرید ان یخرج من بین اعدائه و

احبائه وبذلک یسرن المشرکون ویقطع اکبادالذین هم

استعرجوا الی مواقع القدس هذاالمقام الذی فیه یَتضئی

منظرالله المقدس العزیزالمنیع قل انه ولویخرج و ؟؟

و لکن یکون معه جنودالعزثم اهل جبروت البقاء و ملکوت

العماءثم الذین هم استجاروا خلف خبأالقرب مقر

هذاالاسم‌المبارک‌الذی منه‌افطرت سماءالاعراض وانشقت

ارض الکفرثم ارتفعت غمام الفضل ان انتم من الشاهدین

قل ان معینه زفراته وناصره عبراته وطعامی قطعات

کبدی وشرابی رشحات دمی وانیسی اناملی ومصاحبی

قلمی وظهری التوکل علی الله ربی ورب کل شیئی ورب

العرش العظیم وحزبی لجناتی ومعاشری نغماتی و مراتی

ص ١٩٠

جمالی ان انتم من العارفین وبذلک تغظغظت قلوب

الامکان وتغطغطت ارکان العرش وبکی تاهورالقدس

من مدامع حمرمنیر...ًالخ

مخاطب این لوح مبارک حسین‌است قوله‌تعالی :

وانک انت یاحسین اسمع ندأسمیک ( جمال مبارک )

الذی ابتلی فی الارض بمااکتسبت ایدی الظالمین

من هولأالمغلّین ...ًالخ

٤٠ - سوره وفا

---------------

از الواح مفصل نازل ازقلم مبارک جمال قدم جل بهائه

است و قسمتی ازآن به قرارذیل است قوله تعالی :

ًو اما ماسئلت من العوالم فاعلم بان لله عوالم

لانهایه بمالانهایة بها و مااحاط بها احدالانفسه

العلیم الحکیم تفکرفی‌النوم وانه آیة‌الاعظم‌بین‌الناس

لویکونن من المتفکرین مثلاانک تری فی نومک امرا فی

لیل تجده بعینه بعد سنة او سنتین اوازید من ذلک

او اقل ولو یکون العالم الذی انت رایت فیه ماراٌیت

هذاالعالم الذی تکون فیه فیلزم مارایت فی نومک یکون

موجودا فی هذاالعالم فی حین الذی تراه فی النوم

ص ١٩١

و تکون من الشاهدین مع انک تری امرا موجود الم یکن

فی العالم ویظهرمنبعداذن حقق بان العالم

الذی انت رایت فیه مارایت یکون عالما اخبرالذی لاله

اول ولاآخر وانک ان تقول هذاالعالم فی نفسک

و ینطوی فیها بامر من لدن عزیزقدیرلحق ولوتقول

بان الروح لماتجرد عن العلایق فی النوم سیره الله

فی العالم الذی یکون مستورا فی سرّهذاالعالم لحق

و ان الله عالم بعد عالم و خلق بعد خلق و قدر فی

کل عالم مالایحصیه احد الا نفسی المحصی العلیم

وانک فکّرفی ماالقیناک لتعرف مرادالله ربک و رب

العالمین وفیه کنزاسرارالحکمة و انامافصلناه بحزن

الذی احاطنی من الذین خلقوابقولی ان انتم من

السامعین .ًانتهی

٤١ - لوح نداء

--------------

مقصودلوح مبارکی است که امروزبه نام لوح بشارات

معروف شده ونام دیگراین لوح مبارک لوح نداء وروح

حیوان است .جمال قدم جل جلاله درلوح مرحوم

حاجی ابراحیم خلیل قزوینی خطاب به جناب امین اردکانی

ص ١٩٢

میفرمایند قوله تعالی :

ً...یاامین چندی قبل لوح امنع اعظم اکبر

ابهی که درمقامی بنداءتعبیرشده ودرمقامی دیگر

به روح حیوان ورتبه اخری به بشارات آن لوح ارسال شد

که آن جناب مع قائم برخدمت علیه بهائی ملاحظه نمایند...

حضرت ولی امرالله جل ثنائه در رساله آئین بهائی

نام این لوح مبار ک رابهمین اسم لوح نداء ثبت

فرموده اند.

٤٢ - سورة‌القلم

---------------

ازالواح مخصوصه ایام رضوان است ولوح مفصلی است

که در رساله تسبیح وتهلیل مندرج شده . درآغازاین

لوح منیع این جمله مسطور و نازل قوله تعالی :

ًهذه سورة‌القلم قدنزلت من سماءالقدم للذین

هم الی شطرالعرش ینظرون .ً

٤٣ - سورهٌ‌فوٌاد

-----------------

درکتاب مبین به طبع رسیده ودرآن شرح هلاکت و وبال

ص ١٩٣

حال فوٌاد پاشای معروف راکه سبب حبس مبارک در

سجن عکابود ذکرفرموده اند این‌لوح معروف به لوح

ک .ظ است که به اعزازشیخ کاظم سمندرقزوینی نازل

شده است .

٤٤ - سورة‌السلطان

------------------

قدنزلت من جبروت الرحمن بایات مهیمن مبرم قدیم

هوالابدع الاقدس الابهی تلک آیات الله قد نزلت

بالحق من جبروت‌البقاء و جعلهاالله حجة من عنده

و برهانا من لدنه علی من فی السموات والارض من یومئذ

الی یوم الذی فیه تنعدم رایات النفاق و یستضئی نیّر

الافاق عن مشرق اسمه الرحمن الرحیم ...شرحی از

عظمت امر و مخالفت مخالفین بیان و مصائب وارده بر خود

کرده اند قوله تعالی :

ًقل ان ابن مریم صعدالی جبل الامر و غطاء

غمام القدس اذا شهد رشحات الدم علی قمیصه تحیّرفی

نفسه و سئل منه و کان من السافلین فاخبره الغمام

عما یرد علی‌الغلام اذن صاح فی ذاته وانقطع عن العالم

ص ١٩٤

و مافیه و صعد الی مقرّالقدس بین یدی الله ربّه

و رب کلشیئی و ربّ العالمین .

درضمن این لوح چون به مخاطب لوح فرموده اند که

به احبای سلطان آباد ( اراک امروز ) پیام مبارک راابلاغ

کنند این لوح به لوح السلطان وسورة‌السلطان معروف

شده است . قوله تعالی :

ًانک اذا وردت ارضک مدینة‌التی سمیت باسمی

السلطان بشِر اهلهامن الذین آمنوا بما حرک

علیهم قلم‌القدس من اصبع‌الله لیکوننّ من المستبشرین ً

درضمن لوح مبارک نام نفوسی را ذکر فرموده اند ازقبیل

ان یاروح الاعظم ذکرفی الکتاب . اباالقاسم الذی

سافرالی الله ومسته فی السبیل شدائدالغربه ...

ان یافرج ان لم تمرعلی دیارک فارسل هذااللوح

لعبادناالمقربین ...و بعد به جناب حاجی ابراحیم

ملقب به خلیل شیرازی معروف به مبلغ که او را بنام

منادی الامر خطاب فرموده اند و در اواخر ساکن یزد

بوده فرموده اند که بسیارمفصل است و میفرمایند:

ًلاناجعلناک منادی امرنافی هناک ...بشّرفی

نفسک بما سمیناک بمنادی الامر...ً

و پس ازشرحی درباره یحیی ازل وسرّ شهرت او درامر

ص ١٩٥

اشاره به تشرف منادی الامردربغداد بحضور مبارک

فرموده اند قوله تعالی :

ًفهنیئالک یامنادی الامر بما حضرت بین یدی -

العرش حین الذی اشرقت شمس الافاق عن شطرالعراق ً

وبعد شرحی درباره شیاطین و ناعقین فرموده اند

وسپس نام حسین را ذکرفرموده وعنایت میفرمایند و

همچنین عده ای ازاحبای ایران را ذکرفرموده اند و

همچنین ذبیح رامخاطب فرموده اند...

ازقرائن این لوح درعکا نازل شده زیرا میفرمایند من در

سرزمین غریب افتاده ام که کسی رابه آنجاراه نیست و

چون درعکا که تشریف داشتند دراوائل زائرین اجازه

ورود به شهر و تشرف به حضور مبارک ازناحیه حکومت

و مخالفین داشتند لهذا میتوان گفت که این لوح درعکا

نازل شده قوله تعالی :

ًمخاطباللذبیح . ان یاعبد فابک علی نفس الله

و و حدته ثم ابتلائه وغربته فی هذاالارض التی انقطعت

عن ورودها ارجل‌القاصدین .

مسلما مقصود عکااست زیرا ورود به ادرنه ممنوع نبود

واحباب میرفتند و مشرف میشدند بعد خطاباتی به

یحیی ازل و سایرمعرضین فرموده اند که مفصل است

ص ١٩٦

و با اظهارعنایت نسبت به جمعی ازاحبای دیار

لوح مبارک مخاطبابمنادی الامرخاتمه مییابد.

٤٥ -سورة‌الزیاره

----------------

به افتخار ورقة‌الفردوس همشیره باب الباب است برای

زیارت باب الباب وآغازش اینست ًهذه سورة‌الزیاره

قد نزلت من جبروت الفضل لاسم الله الاول لیزور به

قانته الکبری والذین هم آمنوا بالله و آیاته و کانوا

من الفائزین .ً

هوالعزیزالمقتدرالعلی الاعلی هذا کتاب من لدی

المظلوم الذی سمّی فی ملکوت البقاء بالبهاء و فی جبروت

العلإبالعلی الاعلی ...الخ

این لوح بسیارمفصل است و در وسط لوح خطاب به

ورقة‌الفردوس میفرمایند ًوانک انت یا ورقة‌الفردوس اذا

وصل علیک هذااللوح الدری المنیرقومی عن مقامک

و خذیه بیدالخضوع ثم استشقی منه رائحة‌الله ربک

ورب العالمین ...ًالخ

ص ١٩٧

٤٦ - لوح جواد

--------------

لوح مبارکی است از جمالقدم جل جلاله که این طورشروع

میشود قوله تعالی :

ًای جواد سلطان ایجاد میفرماید که سیف لسان

راازغلاف بیان به قوت رحمانی برآور و به قسمی تبلیغ

این امرنما که جمیع آفرینش رامجال اعراض نماند چه

که این احباب را در حین تکلم روح القدس تاٌیید میفرماید

ای جوادصبح منیرازنفس رحمانی نفس کشیده والصبح

اذاتنفّس مرة‌اخری ظاهرگشته انشاءالله جهد بلیغ

مبذول فرمائید که مبادا ظلمت انفس ظلمانی و هیاکل

شیطانی به حجبات انفس مشرکه این صبح نورانی رااز

اعین ناس مسطوردارد ای جواد ذئابی چند دراثواب

اغنام ظاهرشده‌اند باید درکل وقت پناه به خدا برد

که ازخدع ومکراین خادعین که به ربّ عالمین مکر

نموده اند محفوظ مانیم ای جوادالیوم اگرکل من فی

السموات والارض دعوی ربوبیت نماید و به آیات اولین

و آخرین تغنی نماید من دون ذکراسم ربک الاعلی فی

هیکله الاخری علی اسمه الابهی مردود بوده و خواهند

بود...ًالخ

ص ١٩٨

٤٧ - سورة‌البیان

-----------------

قوله تعالی :

ٴهذا سورة‌البیان قد نزلت من جبروت الرحمن الذی

آمن بالله و کان من المهتدین فی الالواح مکتوبا هو

العلی الاعلی فی جبروت الابهی ذکراسم ربک عبده

اذ دخل بقعة‌الفردوس مقرالذی استشرقت علیه انوار

الوجه عن مشرق الجمال بایات مبین...ً

این لوح مبارک به استنادآیه مبارکه مذکوره در عکا نازل

شده وسراسرآن مواعظ ونصایح وتوجه دادن اهل

بیان بحث منیع است وقسمتی ازاین لوح را حضرت

ولی امرالله جل سلطانه درکتاب گادپاسزبای به انگلیسی

ترجمه فرموده اند نام مخاطب این لوح درلوح مبارک

ذکرنشده ولکن به او میفرمایند که درارض تاء این لوح

را به جواد بده بخواند ارض تاء تبریز است و جواد

قزوینی دراوایل حال مدتی درتبریزبوده است ومورد

هجوم اعداء گردیده و از وجوه حقوق الله که نزدش بوده

مبلغی به اشرار میدهد و خود را خلاص میکند وبعدا

به ارض اقدس میرود وازطائفین حول بوده واز کاتبین

آیات بوده و بعد از صعود مبارک نقض عهد میکند و

ص ١٩٩

بهالکین می پیوندد و بعد به مخاطب لوح میفرمایند

درارض الزاء ( زنجان ) احبا را ملاقات کن وپس از

آنکه شرحی درباره یحیی وحکمت شهرت او درامر

فرموده اند میفرمایند اگر محمدعلی را دیدی ازطرف ما

به او بشارت بده.ًواذ رأیت محمدقبل علی بشّره من

لدنّا...ًبعد میفرمایند ًواذ وردت ارض الباء

من الخاء ( شایدمقصودبشرویه است ) ذکر من لدنا

اهلهامن القانتین والقانتات ...ًو بعد اشاره به

نزول لوح البهاءمیفرمایند و بعد میفرمایندًثم اذکر

اسم الله ص ...که مقصوداسم الله الاصدق جناب مقدس

خراسانی است وبعد میفرمایندًثم توجه الی شطر

اسمناالاعظم بلوح الله واثره ثم ادخل علیه ( مقدس

خراسانی ( ببشارة‌عظیم ثم ذکره بماالقی علیه‌الروح

من هذاالمنظرالکریم ثم اخبه من قصص الغلام لیطلع

بما ورد علینا فی هذاالسجن البعید ( عکا ) لیکون

شریکافی مصائبنا...ًالخ

و در آخرلوح میفرمایند واذ راٌیت اخیک الذی سمی

فی ملکوت‌الاسماء باحمد ذکره بذکرالله ربه ثم‌اذکرله

ماورد علینا فی هذه الارض البعید ( عکا )...ًالخ

محل نزول این لوح بدون تردید عکا بوده است ولی

ص ٢٠٠

٤٨ - سورة‌الامین

-----------------

مقصودازامین که‌سوره‌مزبوربه‌اعزازاونازل شده امین

افندی بغدادی است که شرح حالش رانبیل زرندی

درمثنوی خودبه نظم آورده ودرآغازداستان مزبور

چنین فرموده :

اندرآن شورش یکی زابهائیان

کزرخش انوارابهائی عیان

نام اومانندشخص اوامین

بی شبیه ومثل درآن سرزمین

درادرنه زد شهنشاه قدم

ازعلوّذکر استعلاش دم

اشاره به همین سورة‌الامین است که به اعزازامین در

ادرنه نازل شده است .

الی قوله :

چندماهی چون گذشت ازآن بیان

فتنه بغدادآمددرعیان

اندرآن فتنه امین بیمار بود

لیک جام عشق اوسرشاربود

باری دراین‌فتنهو‌آشوب‌امین جانفشانی میکند واستقامت

ص ٢٠١

مینماید و بقول نبیل :

شمع حب الله در هرمحفلی

مایل انوارروحش هردلی

مجلس اصحاب واعراب و عجم

دائم‌ازرویش مزین چون‌ارم

درفتنه بغداد امین که خودرابهائی معرفی کرده بود

به حبس افتاد و درحبس یازده نفر راتبلیغ کرد که ده

تن مسلمان ویکنفرشان یهودی بودند وحکومت آن جمع

رابه اسلامبول فرستاد عاقبت امین افندی ازحبس

اسلامبول نجات یافت و ببغدادبرگشت و تاآخرعمر

به خدمت امرالله مشغول بود.درلوح مزبورعنایات

بسیارنسبت به او نازل شده‌است واین‌لوح مبارک درکتاب

مبین مندرج است .

٤٩ - سورة‌المرسل

---------------

درلوح مبارک معروف به سورة‌المرسل ازقلم مبارک جمال

قدم جل جلاله نازل ،

قوله تعالی : ً...قدتجلی الله فی هذااللوح

باسمه المرسل علی الممکنات لئلایمنع احدمن بدایع

ص ٢٠٢

ما کنزفی هذاالاسم المبارک البدیع انا جعلنا هذا

اللوح مبدء ظهورهذالاسم فی العالمین ومنه بعثنا

الرسل منقبل الذی لاقبل له وارسلناهم الی العباد

امر من لدنا وانا کناآمرین ونرسلن به الرسل الی

آخرالذی لاآخرله بقدرة من لدنا وانا کنا قادرین

...من الرسل من نبعث بالحق ونرسله الی العباد

کتاب و حجة مبین ومنهم من انطقناه بفضل من عندنا

و الهمناه کلمة‌الامرمن لدنا و انا کنا علی کل شیئی

لمقتدرقدیر و منهم منا وحیناالیه برسل من الملائکة

ومنهم من انطقناالروح فی صدره بربوات قدس بدیع

و منهم من اظهرناه بکل ذلک وجعلناه مظهرکل الاسماء

بین الارض والسماء و ظهرناه عن دنس المشرکین و

ایدناه بالروح الاعظم وجعلناه مظهرنفسالمن فی

ملکوت الامر والخلق وقدرناله خیرالعالمین کذلک

فضلنا بعظهم علی بعض فضلا منعندی واناالفضال

القدیر ومن دون هوٌلاٌتجلینابهذاالاسم علی کل من

فی السموات والارضین و جعلنا هذاالاسم شمسا

لیستضی من انوارها کل الوجود من الغیب والشهود

ولایعرف ذلک الاالذین هم اوتوابصرالروح من لدن

علیم حکیم ولن یمنع احد من تجلی هذه‌الشمس الا من

ص ٢٠٣

یجعل حجابا بینه وبین انوارها کذلک نلقی علی العباد

مایقربهم الی کوثرالعرفان ویستبین سبل‌العرفان و ؟؟

من رسل تجلی علیهم تجلیات هذه الشمس ولکن فی

انفسهم لایکونن من الشاعرین مثلاان الذین یذهبون

برسائل الملوک الی الاقطار اولئک رسل من عندهم و

تجلی علیهم هذاالاسم علی شاٌنهم وعلی قدرتقابلهم

هذاالشمس المشرق العزیزالبدیع ومنهم من یحمل

رسالات الله فی الواحه ولایفقه فی نفسه ویکون من

الغافلین کماتشهدون ان الذین یسمون عندهم

بالچاپار اولئک فی‌الذهاب والایاب یحملون آیات الله

و کتابه وینشرونها فی‌الدیار ولکن فی انفسهم یکونن من

المحتجبین وکم منهم لویطلعون بذلک لن یقبلوا فی

انفسهم ولن یحملوها بل یکونن من الجاهدین واشرق

علیهم تجلی هذاالاسم حین غفلتهم عنه کذلک احاط

فضل ربک علی العالمین ...واناالهمناالملوک

من قبل بان یعینوا عبادا لهذاالامرلیظهرمنهم مااراد

الیه فی تلک الایام من انتشارآثاره کذلک نبین لکم

قدره ربکم لتکونن فی قدرته لمن الموقنین ...الخ

ص ٢٠٤

٥٠ - سورة‌الاعراب

-----------------

هذه سورة‌الاعراب قدنزلت من لدن منزل قدیم

هوالمقدس المتعالی العلی الابهی تلک آیات الله قد

نزلت بالحق من سمأعزبدیع ...

این لوح مبارک خطاب به اعراب موٌمنین ساکن بغداد

وقرای اطراف آن مانند عواشق و غیره است .قوله

تعالی :

ًان یااحبأالله من الاعراب اسمعوا ندأالله

من هذه الشجرة‌التی ارتفعت بالحق ...ٴ

دراین لوح شرحی ازمصائب وارده برهیکل مبارک است

که بسیارموٌثر و حزن انگیزاست .قوله تعالی :

...تالله یااعرابی لوتنظروننی لن تعرفونی وقد

ابیض مسک السود ( موی های مبارک ) من تتابع

البلایا و ظهرت الف الامر علی هیئة الدال وقامت مبارک

خم شده ) وقدتوالی القضایاثم اصفرهذاالوجه

المحمرالمنیر...

بعد شرحی ازمصائب وارده وقیام یحیی ازل به مخالفت

وسایرمطالب است .

این لوح مبارک درسجن نازل شده ودرلوح میفرمایند.

ص ٢٠٥

قوله تعالی :

ًثم اذکروا ایّام لقائی و وصالی ثم هجری وغربتی

وسجنی ...ًالخ

این لوح مبارک بسیارمفصل و دو قسمت است و هردو

خطاب به اعرابی است .

٥١ - زیارتنامه مریم

--------------------

مریم دخترعمه جمال قدم جل جلاله و زوجه برادر طلعت

مبارک است که نامش حاجی میرزا رضاقلی حکیم بوده است

شرح موضوع در رحیق مختوم دراین خصوص مسطوراست

وآغاز زیارت نامه مریم که درعکا ازقلم مبارک جاری شده

این است :

ًقدنزل للتی سمیت بمریم انهااشتعلت بنارحب

ربها قبل ان تمسها و انا سترنا شاٌنها فی حیاتها فلما

ارتفعت الی الرفیق الاعلی کشف الله‌الحجاب وعرفها

عباده ومن‌اراد ان یزورالطأالکبری التی استشهدت

من قبل فلیزرهابهذه‌الزیارة‌بسم الله‌العلی‌الاعلی

ان یاقلم الاعلی مااخذک السرورفی ایام ربک العلی

الاعلی ...ً

ص ٢٠٦

این لوح درعکانازل شده ومقصودازطأکبری حضرت

طاهره است واین زیارتنامه مال مریم وحضرت طاهره

است .

٥٢ - زیارتنامه بیت

--------------------

درلوح شیخ محمدعرب دمرچی که درصفحه ٢٢٦ کتاب

مبین طبع سنگی بمبعی مندرج است زیارت نامه بیت مبارک

بغداد موجود است ًیامحمد اذا خرجت من ساحة

العرش فاقصد زیارة‌البیت ...ً

و درصفحه ٣٢٢ مجموعه موسوم به اقتدارات مناجاتی از

لسان بیت مبارک نازل شده ...یاطبیب تسمع حنین

البیت ...

و درصفحه ٢٠٩ کتاب مبین طبع مزبورنیز خطاب به

مهدی درباره بیت نازل شده است .

٥٣ - زیارتنامه

-------------------

حضرت ولی امرالله جل ثنائه درگادپاسزبای فرموده‌اند

که هیکل مبارک مرکزمیثاق نبیل زرندی راماٌمورفرمودند که

ص ٢٠٧

زیارتنامه جمال قدم اسم اعظم راازالواح مبارکه استخراج

کند نبیل همین زیارتنامه را که امروزمعمول است مرتب

ساخت ازاول تاجمله علی کل شیئی حفیظ راازلوح

مرحوم آقابابااستخراج کرد واز جمله یا جمال‌الله

تاالغفورالرحیم ازلوح یکی از احباء که درصورت آن

در کتاب مبین طبع بمبئی سنگی صفحه ٣٢٧ مندرج

است استخراج نمود و بقیه راهم ازلوحی که ازقلم

جمال قدم جل جلاله به اعزازحضرت حرم محترمه نقطه

اولی جل ذکره سرکارخدیجه بیگم نازل شده بود

استخراج کرد وامروزهمان زیارتنامه که نبیل زرندی

جمع آوری کرده زیارتنامه جمال قدم و حضرت نقطه

اولی جل جلالهمامیباشد.

٥٤ - لوح رضوان العدل

---------------------

قوله تعالی :

بسم الله العادل الحکیم هذالوح فیه بعث الله

اسمه العادل ونفخ فیه روح العدل فی هیاکل

الخلائق اجمعین ...ً

پس ازبیان مفصلی خطاب به ساکنین ارض ومعرضین

ص ٢٠٨

بیان و اشاره به یحیی و اعراض او و ذکر مراتب عدل

میفرمایند ٴقل انه لمیزان العدل بین السموات

والارضین وانه لویأتی بامریفزع من‌فی‌السموات والارض

انه لعدل مبین وان فزع الخلق لم یکن الا کفزع الرضیع

من الفطام لوانتم الناظرین ...ً

بعضی ازقسمت‌های این لوح راحضرت ولی

امرالله جل‌سلطانه درلوح گلی نینگزبرای احبای غرب

به انگلیسی ترجمه فرموده‌اند وازجمله‌این آیه‌است :

ان ارتقبوا یاقوم ایام العدل و انهاقد اتت بالحق

ایاکم ان تحتجبوا منها ویکونن من الغافلین .ً

این لوح مبارک به اعزازآقاسید محمدرضا شهمیرزادی

بقیة السیف نازل شده و درآن میفرمایند:

ان یاقلم الاعلی فابتعث عبدالذی سمّی بالرضا

بعد نبیل من مظاهرالعدل فی ملکوت الانشاء...ً

و درآخرلوح میفرمایند انا خلقنا رضوان العدل

بقوة من عندنا وقدرة من لدنا وارسلناه الیک ( سید

محمدرضا) بفواکه عزبدیع ...ً

درآخراین لوح نیزاشاره به شهادت شهدائی که

درهمان ایام به آن فیض رسیده‌اند فرموده‌اند و خبراز

انقلاب آن ارض داده اند.قوله تعالی :

ص ٢٠٩

والذین هم استشهدوا فی سبیل الله فی هذه الایام

اولئک من اعلی الخلق ...ً

ومحتمل است که لوح در اوائل ورود به عکانازل شده

ومقصودازشهدای آن ایام جناب بدیع وسیداشرف

زنجانی و ابا بصیر زنجانی و جناب میرزامحمدعلی

طبیب زنجانی باشند زیرا شهادت شهدای مزبور

درسال ١٢٨٦ ه . ق بوده که سال اول ورود حق

تعالی به عکااست .

٥٥ -تفسیرسوره والشمس

----------------------

این لوح مبارک که دراول مجموعه الواح حضرت بهاءالله

جل جلاله به طبع رسیده درعکا درجواب سوٌال مفتی

عکا شیخ محمود نازل شده مشارالیه به امرمبارک موٌمن

شد واحادیث وارده ازحضرت رسول ص را درفضیلت

عکا و ارض‌اقدس در رسالهٌ جمع کرد و شرح آن درگاد

پاسزبای مسطوراست .

٥٦ - الواح لیلة‌القدس

----------------------

ازقلم مبارک درعکانازل شده که دراویش درآن لیله

ص ٢١٠

جشن بگیرند و آن الواح رابخوانند ولی بعدا جشن

لیلة‌القدس موقوف ماند زیرادرویشی درامرمبارک

مذموم وهمه احبای الهی موفق به عرفان مظهرامرالله

واز درویشی متعارفی و معمولی بیزار و برکنارهستند

صورت لوح لیلة‌القدس درکتاب تسبیح وتهلیل مندرج

است .

٥٧ - اصل کل الخیر

------------------

ازالواح بسیارمعروف است و به انگلیسی هم ترجمه

شده است ومکرّربه طبع رسیده است .

٥٨ -قدنزلنافی کتابی الاقدس

---------------------------

یااهل‌المجالس فی‌البلدان ان اختاروا لغة من‌اللغات

لتکلم بها من علی‌الارض و کذلک من‌الخطوط ان‌الله

یبین لکم ماینفعکم ویغنیکم عن دونکم انه لهوالعلیم

الخبیر.

این امر مبرم از جبروت قدم ازبرای اهل عالم عموما واهل

مجالس خصوصانازل شده چه که اجرای اوامر و احکام

ص ٢١١

و حدودات منزله درکتاب به رجال بیوت عدلیه الهیه

تفویض شده واین حکم سبب اعظم است ازبرای اتحاد

و علت کبری است ازبرای مخالطه و وداد من فی

البلاد. ملاحظه میشود اکثری ازامم ازتشتت لغاة

اهل عالم ازمخالطه ومعاشرت وکسب معارف وحکمت

یکدیگر محروم‌اند لذا محض فضل و جود کل ماٌمور

شده اند به اینکه لغتی ازلغات رااختیارنمایند چه

جدید اختراع کنند وچه ازلغات موجوده ارض وکل

بان متکلم شوند دراین صورت جمیع ارض مدینه واحده

ملاحظه میشود زیرا که کل ازلسان یکدیگرمطلع میشوند

و مقصود یکدیگر را ادراک مینمایند اینست سبب ارتقاء

عالم وارتفاع آن واگرنفسی از وطن خود هجرت نماید

وبه هریک ازمدن وارد شود مثل آن است که درمحل

خود وارد شده تمسکوا به یااهل المجالس والمدن

اگرنفسی فی الجمله تفکرکند ادراک مینماید که آنچه از

سماءمشیت الهیه نازل شده محض فضل بوده و خیرآن

بکل راجع است ولکن بعضی ازعباداز ثدی غفلت و جهل

میاشامند بشاٌنی که آنچه خیراست و رجحان آن عقلا

ونقلا ظاهر و مشهوداست ازآن تجاوز مینمایند و به

مزخرفات نفوس غافله ازحکمت الهیه که سبب وعلت ترقی

ص ٢١٢

عالم و ارتفاع اهل آن است چشم پوشیده و میپوشند

الا انهم فی خسران مبین هرطائفه بلسان خودتکلم

مینماید مثل ترک به ترکی واهل ایران به پارسی وعرب

به عربی واهل اروپابه السنهٌ‌مختلفه خود واین السن

مختلفه مابین احزاب متداول است ومخصوص است به

طوایف مذکوره ویک لسان دیگرامرشده که اهل عالم

عمومابه آن تکلم نمایندتاکل ازلسان یکدیگرمطلع

شوند و مراد خود رابیابند اوست باب محبت و وداد

و الفت و اتحاد واوست ترجمان اعظم ومفتاح کنز

قدم چه مقدارازنفوس مشاهده شده که تمام اوقات

را درتعلیم السن مختلفه صرف نموده بسیارحیف است

که انسان عمری راکه از اعزاشیاءعالم است صرف اینگونه

امورنماید ومقصودشان ازاین زحمات آنکه لسان مختلفه

را بدانند تا مقصود طوایف وما عندهم را ادراک نمایند

حال اگربانچه امرشده عامل شوند کل را کفایت مینماید

و ازاین زحمات لاتحصی فارغ میشوند وآنچه لدی -

العرش محبوب آن است که جمیع بلغت عربی تکلم

نمایند چه که ابسط ازکل لغات است اگرکسی ببسط

و وسعت این لغت فصحی مطلع شودالبته آنرااختیار

نماید لسان پارسی بسیارملیح است ولسان الله دراین

ص ٢١٣

ظهوربه لسان عربی وفارسی هردو تکلم نموده ولکن

بسط عربی رانداشته و ندارد بلکه جمیع لغات ازنسبت

باو محدود بوده و خواهدبود و این مقام افضل است

که ذکرشد ولکن مقصودآنکه لغتی ازلغات را اهل

ارض اختیارنمایند وعموم خلق به آن تکلم کنند هذاما

حکم به‌الله وهذا ماینفع به الناس لوهم یعرفون وهم

چنین سوای خطوط مخصوصه طوایف مختلفه یک خط

اختیارنمایند وخلق عمومابه تحریرآن مشغول شوند

تاجمیع خطوط خط واحد و جمیع السن لسان واحد

مشاهده شود واین دو سبب اتحاد قلوب ونفوس

اهل عالم گردد یعلمکن ماهوخیرلکم تمسکوابه انه لهو

الواعظ الناصح المبین المدبرالمشفق العلیم الحکیم

وبالاخره جمیع لسان وخطوط بواحد منتهی گردد وقطعات

مختلفه ارض یک قطعه مشاهده شود الاتری فیها

عوجا ولا آمنا.ً

٥٩ -لوح مقصود

---------------

این لوح مبارک درعکابه سال ١٢٩٩ ه . ق روزنهم صفر

بشرحی که درنفس لوح مسطوراست به اعزازمیرزا مقصود

ص ٢١٤

که درآن ایام درشام وقدس بسرمیبرده نازل شده

است این لوح درجواب دونامه میرزامقصوداست که

دومی راازقدس تقدیم کرده واشعاری هم درمدیحه

مظهرامرالله تقدیم کرده که درنفس لوح مذکوراست

قسمت اول این لوح حاوی مطالب مهمه وشامل تعالیم

واصول سامیه امراعظم است وحضرت ولی امرالله در

گلی نینگ بسیاری ازمندرجات آن رابرای احبای غرب

به انگلیسی ترجمه فرموده‌اند و چون گلی‌نینگ در دسترس

عموم است لهذا دراین مقاله از ذکر خلاصه مندرجات

این لوح صرفنظر میشود وطالبین بایدبه گلی نینگ

مراجعه فرمایند.

----------------------

چنانچه درمقدمه ذکرشد احصای الواح مبارکه جمالقدم

ازطاقت وتوان خارج است وبرای احترازاراطناب

بهمین مقداردراین مقاله اکتفانمودیم .

 والسلام علی من اتبع الهدی
 طهران - اشراق خاوری
 تابستان ١٣٤٤

 فهرست مندرجات
 کتاب گنج شایگان
 -------------------
 صفحه
 --------

## مقدمه ٣
الف - آثارنازله درطهران ٧
--------------------
ب - الواح نازله دربغدادًمدینة‌الله ًقبل
--------------------------------
ازهجرت سلیمانیه ٧
---------------
١- لوح کل الطعام ٨
ج -آثاروالواح نازله درسلیمانیه ١٠

## ١- قصیده عز ورقائیه ١٠
د الواح نازله دربغدادبعدازمراجعت از

## سلیمانیه ١٣

١- کتاب ایقان ١٣

٢- کلمات مکنونه (عربی وفارسی ) ١٦

٣- هفت وادی ١٧

٤- چهاروادی ١٨

٥- لوح ملاح‌القدس ١٩

٦- لوح حوریه ٢٠

صفحه ٢

٧- تفسیرحروف مقطعه ٢١

٨- لوح مدینة‌التوحید ٢٢

٩- صحیفه شطیه ٢٤

١٠- مصیبت حروفات عالین ٢٥

١١- جواهرالاسرار ٢٧

١٢- لوح شکرشکن ٣١

١٣- لوح غلام الخلد ٣٢

١٤- لوح هله هله .. ٣٣

١٥- مدینة‌الرضأ ٣٦

١٦- لوح فتنه ٣٦

١٧- لوح حق ٣٧

١٨- لوح البهاء ٤٠

١٩- لوح بلبل الفراق ٤٢

٢٠- لوح آیه نور ٤٥

٢١- سورة‌القمیص ٤٩

٢٢- سورة‌القدیر ٥١

٢٣سورة‌الصبر ٥٥

٢٤- سورة‌الذکر ٥٩

٢٥- سورة‌الله ٦٠

٢٦- لوح سبحان ربی‌الاعلی - حرف‌البقاء ٦١

## صفحه ٣
٢٧- ساقی ازغیب بقا ٦٥
٢٨- زیارتنامه اولیاء ٦٥
٢٩- بازآوبده جامی ٦٥
٣٠- لوح مبارک ازباغ الهی ٦٦
ه - آیاتی که دربین راه ازبغدادتااسلامبول
-----------------------------------
نازل شده است ٦٧
-------------
١- لوح هودج ٦٧
و الواح نازله دراسلامبول ٦٩
---------------------
١- لوح عبدالعزیز و وکلاٌ ٦٩
٢- لوح سبحانک یاهو ٧١
٣- مثنوی ٧١
ز الواح ادرنه ٧٣

 قسمت اول -بعضی الواحی که قبل از
 فصل اکبرازقلم الهی نازل شده (١٢٨١-
 ١٢٨٠ ه ق مطابق ١٨٦٤-١٨٦٣میلادی ) ٧٣
 --------------------------------

١- سورة‌الامر ٧٣

٢- لوح احمد ًعربی ً ٧٤

٣- لوح حبیب ٧٥

صفحه ٤

٤- لوح سیاح ٧٩

٥- سورة‌الدم ٨١

٦- سورة‌الحج ٨٢

٧- لوح الروح ٨٥

٨- قسمت دوم - الواحی که پس ازحصول

فصل اکبردرادرنه نازل شده (١٢٨٥-

١٢٨٢ه ق مطابق ١٨٦٤ میلادی )

بعضی ازآن الواح ذکرمیشود: ٩٠

--------------------------

٨- سوره‌ملوک ٩٠

٩- کتاب بدیع ٩٧

١٠- لوح اول ناپلئون سوم ٩٧

١١- لوح سلطان ایران ١٠٢

١٢- سوره غصن ١٠٧

١٣- سوره رئیس ١٠٩

١٤- سورة‌العباد ١١٢

١٥- سورة‌الذبیح ١١٣

١٦- سورة‌الاحزان ١١٤

١٧- رضوان الاقرار ١١٥

ح -الواح نازله درعکا ١١٨

----------------

صفحه ٥

قسمت اول - الواح نازله درعکاالواح

ملوک ومشاهیرجهان ١١٩

-----------------

١- لوح ملک روس ١٢٠

٢- لوح ثانی رئیس ١٢١

٣- لوح پاپ ١٢٤

٤- لوح ملکه ویکتوریا ١٣٠

٥- سوره هیکل ١٣١

قسمت دوم - الواح نازله درعکا شامل

حدودواحکام

------------

٦- کتاب اقدس ١٣٣

٧- الواح مهمه دیگر لوح حکمت ١٣٩

٨- زیارت نامه سیدالشهداء ١٤٤

٩- رساله سوٌال وجواب ١٤٥

١٠- لوح برهان ١٤٥

١١- لوح کرمل ١٤٧

١٢- لوح محمدتقی‌اصفهانی مشهورباقانجفی ١٤٨

١٣- لوح روٌیا ١٤٩

١٤- کتاب عهدی ١٥٠

قسمت سوم ازالواح نازله درعکا: ١٥٣

-------------------------

صفحه ٦

١- لوح اشراقات ١٥٤

٢- لوح بشارات ١٥٦

٣- لوح مبارک طرازات ١٥٨

٤- لوح مبارک تجلیات ١٥٩

٥- لوح کلمات فردوسیه ١٦١

٦- لوح اقدس ١٦٤

٧- لوح دنیا ١٦٨

٨- لوح یوسف ١٧١

٩- لوح هفت پرسش ١٧٢

١٠-لوح هرتیک ١٧٢

١١-لوح نصیر ١٧٣

١٢-لوح مولود ١٧٤

١٣-لوح مریم ١٧٤

١٤-لوح مانکچی ١٧٤

١٥-لوح کریم ١٧٥

١٦-لوح قناء ١٧٦

١٧-لوح عبدالوهاب ١٧٦

١٨-لوح عاشق معشوق ١٧٦

١٩-لوح طب ١٧٧

٢٠-لوح شیخ فانی ١٧٧

صفحه ٧

٢١- لوح اول ولوح دوم سلمان ١٧٩

٢٢- لوح الحساب ١٧٩

٢٣- لوح زین المقربین ١٨٠

٢٤- لوح رسول ١٨٠

٢٥- لوح حسین ١٨٣

٢٦- لوح جمال ١٨٣

٢٧- لوح توحید ١٨٤

٢٨- لوح پسرعم ١٨٤

٢٩- لوح البقاء ١٨٥

٣٠- لوح بسیط الحقیقة ١٨٥

٣١- لوح بسمله ١٨٥

٣٢- لوح انت الکافی ١٨٦

٣٣- لوح امواج ١٨٦

٣٤- لوح اشرف ١٨٦

٣٥- لوح الاحباب ١٨٧

٣٦- لوح اتحاد ١٨٧

٣٧- لوح کتاب الصدق ١٨٨

٣٨- قداحترق المخلصون ١٨٨

٣٩- سورة‌الهجر ١٨٨

٤٠- سوره وفا ١٩٠

صفحه ٨

٤١- لوح ندأ ١٩١

٤٢- سورة‌القلم ١٩٢

٤٣- سوره فوٌاد ١٩٢

٤٤- سورة‌السلطان ١٩٣

٤٥- سورة‌الزیاره ١٩٦

٤٦- لوح جواد ١٩٧

٤٧- سورة‌البیان ١٩٨

٤٨- سورة‌الامین ٢٠٠

٤٩- سورة‌المرسل ٢٠١

٥٠- سورة‌الاعراب ٢٠٤

٥١- زیارت نامه مریم ٢٠٥

٥٢- زیارت نامه بیت ٢٠٦

٥٣- زیارت نامه ٢٠٦

٥٤- لوح رضوان العدل ٢٠٧

٥٥- تفسیرسوره والشمس ٢٠٩

٥٦- الواح لیلة‌القدس ٢٠٩

٥٧- اصل کل الخیر ٢١٠

٥٨- قدنزلنافی کتابی الاقدس ٢١٠

٥٩- لوح مقصود ٢١٣

صفحه ٩

فهرست کتاب گنج شایگان

(بترتیب حروف تهجی )

---------------------

ردیف (الف ) صفحه



١- آیه نور(لوح ) ٤٥

٢- اتحاد (لوح ) ١٨٧

٣- احباب (لوح ) ١٨٧

٤- احمد (لوح عربی ) ٧٤

٥- ازباغ الهی (لوح ) ٦٦

٦- اشراقات (لوح ) ١٥٤

٧- اشرف (لوح ) ١٨٦

٨- اصل کل الخیر ٢١٠

٩- اقدس (کتاب ) ١٣٣

١٠-اقدس (لوح ) ١٦٤

١١-امواج (لوح ) ١٨٦

١٢-انت الکافی (لوح ) ١٨٦

١٣-ایقان (کتاب ) ١٣

## ردیف (ب )

١٤- بازآوبده جامی ٦٥

١٥- بدیع (کتاب ) ٩٧

١٦- برهان (لوح ) ١٤٥

صفحه١٠

١٧- بسمله (لوح ) ١٨٥

١٨- بسیط الحقیقه (لوح ) ١٨٥

١٩- بشارات (لوح ) ١٥٦

٢٠- بقاء (لوح ) ١٨٥

٢١- بلبل فراق (لوح ) ٤٢

٢٢- بهاء (لوح ) ٤٠

## ردیف (پ )

٢٣- پاپ (لوح ) ١٢٤

٢٤- پسرعم (لوح ) ١٨٤

## ردیف (ت )

٢٥- تجلیات (لوح ) ١٥٩

٢٦- تفسیرحروف مقطعه ٢١

٢٧- توحید (لوح ) ١٨٤

## ردیف (ج )

٢٨- جمال (لوح ) ١٨٣

٢٩- جواد (لوح ) ١٩٧

٣٠- جواهرالاسرار (لوح ) ٢٧

## ردیف (چ )

صفحه ١١

٣١- چهاروادی ١٨

## ردیف (ح )

٣٢- حبیب (لوح ) ٧٥

٣٣- حسین (لوح ) ١٨٣

٣٤- حق (لوح ) ٣٧

٣٥- حکمت (لوح ) ١٣٩

٣٦- حوریه (لوح ) ٢٠

## ردیف (د)

٣٧- دنیا (لوح ) ١٦٨

## ردیف( ر )

٣٨- رئیس (لوح ) ١٢١

٣٩- رسول (لوح ) ١٨٠

٤٠- رضوان العدل (لوح ) ٢٠٧

٤١- رضوان الاقرار (لوح ) ١١٥

٤٢- روح (لوح ) ٨٥

٤٣- روٌیا (لوح ) ١٤٩

## ردیف (ز)

٤٤- زیارتنامه ٢٠٦

صفحه١٢

٤٥- زیارتنامه اولیاء ٦٥

٤٦- زیارتنامه بیت ٢٠٦

٤٧- زیارتنامه سیدالشهدأ ١٤٤

٤٨- زیارتنامه مریم ٢٠٥

٤٩- زین المقربین (لوح ) ١٨٠

## ردیف (س )

٥٠- ساقی ازغیب بقا ٦٥

٥١- سبحان ربی الاعلی (لوح ) ٦١

٥٢- سبحانک یاهو (لوح ) ٧١

٥٣- سحاب (لوح ) ١٧٩

٥٤- سلطان ایران (لوح ) ١٠٢

٥٥- سلمان (لوح اول وثانی ) ١٧٩

٥٦- سوٌال وجواب ( رساله ) ١٤٥

٥٧- سورة‌الله ٦٠

٥٨- سورة‌الاحزان ١١٤

٥٩- سورة‌الاعراب ٢٠٤

٦٠- سورة‌الامر ٧٣

٦١- سورة‌الامین ٢٠٠

٦٢- سورة‌البیان ١٩٨

صفحه ١٣

٦٣- سورة‌الحج ٨٢

٦٤- سورة‌الدم ٨١

٦٥- سورة‌الذبح ١١٣

٦٦- سورة‌الذکر ٥٩

٦٧- سوره رئیس ١٠٩

٦٨- سورة‌الزیاره ١٩٦

٦٩- سورة‌السلطان ١٩٣

٧٠- سورة‌الصبر ٥٥

٧١- سورة‌العباد ١١٢

٧٢- سوره غصن ١٠٧

٧٣- سوره فوٌاد ١٩٢

٧٤- سورة‌القدیر ٥١

٧٥- سورة‌القلم ١٩٢

٧٦- سورة‌القمیص ٤٩

٧٧- سورة‌المرسل ٢٠١

٧٨- سورة‌الملوک ٩٠

٧٩- سوره والشمس (تفسیر) ٢٠٩

٨٠- سوره وفا ١٩٠

٨١- سورة‌الهجر ١٨٨

٨٢- سوره هیکل ١٣١

صفحه ١٤

٨٣- سیاح (لوح ) ٧٩

## ردیف (ش )

٨٤- شکرشکن (لوح ) ٣١

٨٥- شیخ فانی (لوح ) ١٧٧

٨٦- شیخ نجفی (لوح ) ١٤٨

## ردیف (ص )

٨٧- صحیفه شطیه ٢٤

## ردیف (ط )

٨٨- طب (لوح ) ١٧٧

٨٩- طرازات (لوح ) ١٥٨

## ردیف (ع )

٩٠- عاشق ومعشوق (لوح ) ١٧٦

٩١- عبدالعزیزو وکلأ ٦٩

٩٢- عبدالوهاب (لوح ) ١٧٦

## ردیف (غ )

٩٣- غلام الخلد (لوح ) ٣٢

## ردیف ( ف )

صفحه ١٥

٩٤- فتنه (لوح ) ٣٦

## ردیف (ق )

٩٥- قداحترق المخلصون ١٨٨

٩٦- قدنزلنافی کتابی الاقدس ٢١٠

٩٧- قصیده عزورقائیه ١٠

٩٨- قناع (لوح ) ١٧٦

## ردیف (ک )

٩٩- کتاب الصدق (لوح ) ١٨٨

١٠٠- کتاب عهدی ١٥٠

١٠١- کرمل ( لوح ) ١٤٧

١٠٢- کریم (لوح ) ١٧٥

١٠٣- کل الطعام (لوح ) ٨

١٠٤- کلمات فردوسیه ١٦١

١٠٥- کلمات مکنونه (فارسی وعربی ) ١٦

## ردیف (ل )

١٠٦- لیلة‌القدس (الواح ) ٢٠٩

## ردیف (م )

١٠٧- مانکجی (لوح ) ١٧٤

١٠٨- مثنوی ٧١

١٠٩- مدینة‌التوحید (لوح ) ٢٢

صفحه ١٦

١١٠- مدینة‌الرضاء ٣٦

١١١- مریم (لوح ) ١٧٤

١١٢- مصیبت حروفات عالین ٢٥

١١٣- مقصود (لوح ) ٢١٣

١١٤- ملاح القدس (لوح ) ١٩

١١٥- ملک روس (لوح ) ١٢٠

١١٦- ملکه ویکتوریا (لوح ) ١٣١

١١٧- مولود (لوح ) ١٧٤

## ردیف (ن )

١١٨- ناپلئون سوم (لوح اول ) ٩٧

١١٩- نداٌ (لوح ) ١٩١

١٢٠- نصیر (لوح ) ١٧٣

## ردیف (ه)

١٢١- هرتیک (لوح ) ١٧٢

١٢٢- هفت پرسش (لوح ) ١٧٢

١٢٣- هفت وادی ١٧

١٢٤- هله هله ...(لوح ) ٣٣

١٢٥- هودج (لوح ) ٦٧

## ردیف (ی )

١٢٦- یوسف (لوح ) ١٧١

! پایان کتاب